

فؤاد ایزدی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد

دشمنی با ایران هزینه‌بر و بی‌فایده



صادق

شهادت حضرت امام محمد تقی (ع) تسلیت باد

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۵۲ | دوشنبه ۶ تیر ۱۴۰۱ | ۲۷ ذی‌القعده ۱۴۴۳ | ۲۷ ژوئن ۲۰۲۲ | ۱۶ صفحه

مهدی سعیدی

۲

اعتمادمبنای امید



کابوس بی‌پایان

۴

گروه گزارش

گروه گزارش

منهای نفت

۶

گروه اقتصاد

چرا اصلاح قوانین مالیاتی ضروری است؟

سر مقاله

تخریب و تخریب
به بهانه یک جابه‌جایی

دکتر عبدالله جوانی

مدیر مسئول



جابه‌جایی فرماندهان، مسئولان و مدیران در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از طی یک دوره مسئولیت در جایگاهی خاص، همانند همه سازمان‌ها امری طبیعی و عادی است. بر همین اساس، در دوران حیات ۴۳ ساله سپاه پرافتخار و حماسه‌آفرین، صدها مسئول در جایگاه‌های راهبردی پس از طی یک دوره مسئولیت، جای خود را به عزیز دیگری داده و در مواردی هم به این افراد مسئولیت‌های مهم‌تری واگذار شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، در پست‌های راهبردی نیروهای مسلح و از جمله سپاه پاسداران، برای شایگان در این پست‌ها و جایگاه‌ها احکام پنج‌ساله صادر می‌شود و در صورت موفق بودن آن فرد، این حکم برای یک دوره پنج‌ساله دیگر تمدید می‌شود. با پایان پنج سال دوم، بحث جابه‌جایی درباره این قبیل افراد، یک بحث کاملاً طبیعی، عادی و طبق قاعده است؛ اگرچه ممکن است عملیاتی شدن این جابه‌جایی به دلایلی، یکی دو سالی به طول انجامد. آنچه درباره جابه‌جایی حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین طائب از ریاست سازمان اطلاعات سپاه رخ داد، طبق همین قاعده اصولی بود.

اما در این میان مجموعه‌ها و افرادی در داخل و خارج کشور که به طور قطع می‌دانستند آقای طائب طبق قاعده پیش‌گفته، روزی جابه‌جا خواهد شد، هریک با انگیزه‌های خاص، سناریوهایی را از قبل تهیه کرده، در انتظار آن روز برای پیاده‌سازی سناریوهای خود علیه سپاه، سازمان اطلاعات سپاه و شخص آقای طائب بودند. از روز چهارشنبه هفته گذشته، با انتشار اخبار غیر رسمی مبنی بر جابه‌جایی آقای طائب و در ادامه انتشار خبر رسمی این جابه‌جایی، به ناگاه فضای مجازی تحت تأثیر توییت‌ها، تحلیل‌ها و اظهارنظرهای رسانه‌های خارجی، به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای معاند و بعضاً افراد سیاسی در داخل کشور با رویکرد تخریبی قرار گرفت.

این مجموعه‌ها و افراد در این جابه‌جایی کاملاً عادی و طبیعی، از کلیدواژه‌ها و هشتمک‌هایی، چون «عزل»، «برکناری»، «تغییر ناگهانی»، «جراحی در سازمان اطلاعات سپاه» و «سقوط» استفاده کرده، تا به زعم باطل خود بتوانند به اهداف از قبیل طراحی شده در شکل‌دهی به افکار عمومی و تأثیرگذاری بر تصمیمات بعدی سپاه و نظام برسند!

ادامه در صفحه ۲

قرارگاه ثارالله ۳۰ ساله شد

تهران لنگرگاه ثبات
و آرامش ایران۱۵
یاسدار

راهبردی ۱۳ ساله

در آیین تکریم و معارفه رئیس سازمان اطلاعات سپاه از دستاوردهای امنیتی حجت‌الاسلام طائب قدردانی شد

آیین تکریم و معارفه رئیس سازمان اطلاعات سپاه با حضور سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه و جمعی از فرماندهان و مسئولین ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه و جامعه اطلاعاتی کشور شنبه گذشته در محل ستاد فرماندهی کل سپاه برگزار شد. در این مراسم سردار سرتیپ پاسدار محمد کاظمی به عنوان «معاون فرمانده کل و رئیس سازمان اطلاعات سپاه» معرفی و از مجاهدت‌های صادقانه و تلاش‌های ارزنده و موفق حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب در راهبری سازمان اطلاعات طی ۱۳ سال گذشته که موفقیت‌ها و دستاوردهای بزرگی در حوزه امنیت ملی و بازدارندگی اطلاعاتی کشور، مقابله نفوذ و جاسوسی و برخورد با مفسدان کلان اقتصادی رقم زده است، تجلیل و تقدیر به عمل آمد. همچنین با حکم سرلشکر حسین سلامی فرمانده کل سپاه حجت‌الاسلام والمسلمین طائب بعنوان «مشاور عالی فرمانده کل سپاه» معرفی شد.

سر مقاله

تحریف و تخریب به بهانه یک جابه‌جایی

ادامه از صفحه اول
اما پرسش اصلی آن است که چرا در میان این همه جابه‌جایی‌های مدیران راهبردی در سپاه طی سال‌های گذشته، درباره جابه‌جایی آقای طائب این چنین فضا سازی صورت گرفت؟! آن هم فضا سازی درباره جابه‌جایی فردی که پس از طی دو دوره پنج ساله، از دوسه سال قبل در داخل سازمان سپاه، بحث تغییر و جابه‌جایی ایشان طبق قاعده مطرح بود. با تأمل در ماهیت جریان تحریف‌گر و تخریب‌کننده و منفی‌باف در فضای مجازی نسبت به این موضوع، به راحتی می‌توان پاسخ پرسش مطرح شده را دریافت کرد. در این داستان، با جبهه‌ای مواجه هستیم که حالت طیف گونه دارد. در یک سر این طیف، آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها قرار دارند و در سر دیگر، افرادی با سابقه بعضاً انقلابی مشاهده می‌شود که دچار استحاله شده یا مدعی انقلابی‌گری هستند؛ اما وجه اشتراک تمامی این مجموعه‌ها و هواداران‌شان، شکست و ناکامی در مقابله با جمهوری اسلامی، به واسطه کارایی و عملکرد خوب و موفق سازمان اطلاعات سپاه است. سازمان اطلاعات سپاه در سیزده سال گذشته به ریاست آقای طائب، با چشمانی باز و اشراف اطلاعاتی و به عنوان ضابط خاص دستگاه قضا، توطئه‌های بسیاری را خنثی کرد و ضربات سنگینی را بر دشمنان و به ویژه صهیونیست‌های کودک‌کش وارد کرد. علاوه بر نقش آفرینی سازمان اطلاعات سپاه در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان خارجی علیه جمهوری اسلامی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، این سازمان در مقابله با اخلاص‌گران اقتصادی و شبکه‌های نفوذ در حوزه‌های گوناگون، عملکردی موفق داشت و همین امر موجب شد تا جابه‌جایی ریاست این سازمان، بهانه‌ای برای تحریف و تخریب سپاه، سازمان اطلاعات سپاه و شخص آقای طائب شود.

موارد قابل ذکر از این اقدامات عبارت است از: «مبارزه با اخلاص در نظام تولیدی مانند گروه عظام، کروز، دلان پتروشیمی و دکل کم‌شده»، «بر خورد با حقوق‌های نجومی»، «شناسایی و دستگیری باندهای اخلاص‌گر در بخش صنعت»، «بازگرداندن ابر متهمان بانکی و بازگرداندن ۴۹ هزار میلیارد تومان از اموال غارت‌شده به بیت‌المال»، «بازداشت فعالان سیاسی و مدنی جاسوس، معاند و سرباز دشمن همانند روح‌الله زم، ناژنین زاغری، کاپلی مور گیلبرت، فریبا عادلخواه، نزار زاکا، جیسون رضائیان، عماد شرقی، دری اصفهانی، باقر و سیامک نمازی، فعالان در پوشش محیط زیست، سرکردگان شبکه‌های گرداب و سراب»، «انهدام باندهای بزرگ قمار»، «مبارزه با قاچاق کالا، سوخت و ارز»، «انهدام شبکه‌های احتکار»، «برخورد با فساد در صنعت هوایی و حمل‌ونقل ریلی»، «برخورد با شبکه ارتشاه و کارچاق‌کنی چون اکبر طبری، حسن نجفی، حمید بقایی، حسن رعیت، حسین فریدون، مسعود احمدی‌زاده و همایون انصاری».

در کنار مواردی که نمونه‌هایی از آن ذکر شد و قابل انتشار است، سازمان اطلاعات سپاه کارهای بزرگی را در راستای تأمین منافع ملی انجام داده و در حال انجام آن است؛ ولی به دلایل امنیتی امکان انتشار آن نیست. بنابراین بسیار روشن است که دشمنان و عناصر جاسوسی، اختلاس‌گر، اخلاص‌گر و منحرف که از سازمان اطلاعات سپاه ضربه خورده‌اند، جابه‌جایی رئیس این سازمان را که امری کاملاً طبیعی است، بهانه قرار دهند و در صدد انتقام با استفاده از ابزار رسانه و فضا سازی باشند. به طور قطع، دیری نخواهد پایید که بسیاری از گمانه‌ها و تحلیل‌ها نسبت به این جابه‌جایی رنگ خواهد باخت.



مهدی سعیدی
جریان شناس

شاید بتواند ایجاد ناامیدی در میان ملت را مهم‌ترین سناریوی ایسن روزهای دشمنان نظام اسلامی دانست که با همه توان در قالب جنگ روایت‌ها با استفاده از ابزارهای نوین دنبال می‌شود. در همین وضعیت است که امیدآفرینی در جامعه را می‌توان مهم‌ترین وظیفه جوان انقلابی دانست که امروز در رأس قوای سه‌گانه قرار دارد؛ اما آنچه در این نوشتار مورد تأکید است، توجه به این حقیقت است که امید به یک مجموعه زمانی حاصل خواهد شد که اعتماد به آن مجموعه حاصل شده باشد؛ بنابراین هر اقدامی که موجب بی‌اعتمادی شود، در نهایت امید را از جامعه تضعیف می‌کند. یک سال از زمانی که دولت آقای رئیسی با اعتماد ۱۸ میلیونی ملت ایران در خرداد سال ۱۴۰۰ به قدرت رسید، می‌گذرد. در آن انتخابات عملکرد سیزدهم در دستگاه قضا و آستان قدس رضوی، امیدبخش آن بود که خواهد توانست بر مشکلات کشور فائق آید. اکنون پس از چندماه فرصت دادن به دولت برای تشکیل کابینه و ورود به میدان کار و خدمت‌رسانی، چند ماهی است که به دقت همه تصمیمات دولت مورد توجه

اعتماد مبنای امید

افکار عمومی قرار دارد. در این مسیر دولت از هر اقدامی که به نحوی بی‌اعتمادی برای جامعه به همراه دارد، باید حذر کند.

۱ پرهیز از دادن وعده‌هایی که امکان تحقق آن وجود ندارد، یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه است. متأسفانه در طول سال‌های اخیر مسئولان وعده‌های فراوانی داده‌اند که در عمل به دلایل متعددی عملیاتی نشده است! در این میان یا از ابتدا دادن وعده‌ها اشتباه بوده و مبتنی بر واقعیت و محاسبات دقیق داده نشده و امکان تحقق آن وجود نداشته است! یا آنکه در مسیر تحقق، موانعی پیش‌بینی نشده رخ داده است که موجب شده تا کار به ثمر نرسد! متأسفانه مسئولان ذی‌ربط تلاش هم نکرده‌اند تا نسبت به چرایی محقق نشدن وعده‌ها به افکار عمومی توضیح قانع‌کننده‌ای دهند و بایست این رخداد عذرخواه‌باشند!

دولت انقلابی نیز امروز در معرض این آفت قرار دارد و متولیان امر باید نسبت به وعده‌هایی که به ملت می‌دهند، متعهد باشند و بدون دقت نظر و کار کارشناسی شده از دادن وعده پرهیز کنند!

۲ یکی از راهکارهای تحقق وعده‌ها، پرهیز از انجام توأمان چندین فعالیت و پروژه به طور هم‌زمان است که گاه امکان‌ناپذیری

آنها و آغاز پروژه جدید پس از اتمام پروژه قبلی ممکن است. این امر موجب می‌شود زمان اتمام پروژه‌ها محدود شده و تلاش و فعالیت مجموعه‌های مختلف بیشتر و بهتر نمایان شود. ضمن آنکه به نوعی از هزینه‌های غیر ضروری نیز کاسته خواهد شد و به نوعی با صرفه‌جویی روبه‌رو خواهیم بود.

۳ یکی دیگر از الزامات فرآیند اعتمادسازی و تحقق به وعده‌ها، داشتن نظام اولویت‌ها در دولت است. اگر اولویت‌ها در پیش روی دولت تعریف نشده باشد، بدون شک مواجهه با انبوه مشکلات و مسائل در عرصه حکمرانی، بسا نوعی سردرگمی و کوتاه‌بینی و بی‌تدبیری در عملکرد دولت مواجه خواهیم بود که حاصل آن خشک کردن ریشه‌های اعتماد مردم خواهد بود.

۴ یکی از آفاتی که در سالیان متمادی برای افکار عمومی آزردهنده بوده، نامعلوم بودن زمان پایان پروژه‌هایی است که معمولاً با آب و تاب افتتاح شده است. پروژه‌هایی که اغلب آنها با نوعی بلا تکلیفی برای مردم همراه بوده و زمان مشخصی برای پایان آن تعیین و اعلام نشده است! مشخص کردن زمان انجام و اتمام پروژه‌هایی از شیوه‌های جذاب و اعتمادبخش به افکار عمومی

است که در دوران ریاست دکتر قالیباف در شهرداری تهران با موفقیت اجرایی شد و امروز می‌تواند الگویی برای تمامی پروژه‌هایی باشد که دولت قصد دارد افتتاح‌کننده آن باشد.

۵ به اتمام رساندن پروژه‌های نیمه کاره که متأسفانه از دولت‌های پیشین به یادگار مانده است، اقدام درخوری است که به شدت می‌تواند در فرآیند اعتمادسازی و امیدآفرینی مؤثر باشد. متأسفانه، هزاران پروژه نیمه‌تمام آفتی است که پیش روی چشم افکار عمومی قرار دارد و ضمن آنکه موجب نابودی سرمایه‌ای ملی شده، به عاملی برای کاهش اعتماد مردم نیز بدل شده است.

۶ سخن آخر آنکه این روزها با توجه به فشارهای سنگین اقتصادی که بر دوش مردم است، تلاش دشمنان برای بی‌اعتمادسازی دولت نزد افکار عمومی دوچندان شده است. در این میان، کوچک‌ترین غفلت و سهل‌انگاری از جانب دولتمردان، بستر را برای سوءاستفاده جریان‌رسانه‌ای فراهم خواهد کرد. لذا دولت باید با دقت فراوان به تصمیمات و تدبیرها و اظهارات و موضع‌گیری‌های خود توجه داشته باشد و اجازه ندهد تا فرصت‌طلبان بستر را برای بهره‌برداری فراهم کنند.

بحران خونین

گزارشی به بهانه جهش ۲۶ درصدی جرایم خشن در ایالات متحده

چاک شومر، رهبر اکثریت مجلس سنا، بی‌پروا مشکل آمریکا را نمایندگان جدا افتاده از رنج مردم می‌داند، آنها که منتظر اشاره‌ای هستند تا اراده و رأی خود را در ازای حمایت‌های مالی یا انتخاباتی به نفع آن از ای، انجمن ملی اسلحه ایالات متحده، هدایت کنند. انجمنی با قدمت بالغ بر ۱۵۰ سال و ۵/۵ میلیون نفر عضو که نه تنها دارای روابط قدرتمند در میان سیاست‌گذاران ایالات متحده است؛ بلکه ریشه‌های عمیقی هم در فرهنگ و تاریخ آمریکایی دارد.

اما طرفداران حمل سلاح در مقابل مخالفان چه حرفی برای گفتن دارند؟ استناد اصلی تمامی حامیان اسلحه قبل از هر چیز دیگری به دومین اصلحیه قانون اساسی ایالات متحده مربوط می‌شود که حق حمل و نگهداری سلاح را برای تمامی شهروندان آمریکایی محترم می‌شمارد؛ ولی مسئله به همین جا ختم نمی‌شود، راست‌گرایان و حامیان لابی سلاح، قوانین حمل سلاح را ضامن آزادی بی‌قید و شرط مردم در برابر حکومت، عامل جلوگیری از بروز دیکتاتوری و همچنان، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ آمریکایی می‌دانند، اما به چه قیمتی؟ آمریکا

تنها کشور جهان است که حمل سلاح گرم نه تنها در آن آزاد است؛ بلکه به ازای هر ۱۰۰ نفر ۱۲/۵ قیضه سلاح در کشور وجود دارد، بله، تعداد سلاح در آمریکا از تعداد مردم به مراتب بیشتر است. در این چند هفته اخیر و در همین حین که بحث بر سر قوانین سختگیرانه‌تر در کنگره داغ است، آن‌رای بی‌هیچ تغییری در تقویم سالانه‌اش و بدون ذره‌ای توجه به احساسات برانگیخته شده والدین آمریکایی همایش بزرگ خود را در ایالت تگزاس برگزار کرده است، همان ایالتی که درست چند روز قبل شاهد یکی از خونین‌ترین حوادث تیراندازی در مدارس بوده است. اما آنها به همین جا بسنده نکردند، همایش دارای بخش نمایشگاهی هم هست؛ جایی که انواع سلاح‌های دستی و نیمه اتومات در رنگ‌ها و طرح‌های مختلف به معرض نمایش عامه جامعه در آمده است. البته مردم و افراد سرشناس زیادی در حمایت از خانواده‌های داغ دیده به برگزاری این نمایشگاه اعتراض کردند؛ اما نباید با چنین واکنش‌هایی، درباره نگرش جامعه آمریکا نسبت به مسئله حمل سلاح به اشتباه افتاد و راه غلو را پی کرد، طبق آمار افکارسنجی (you gov)، ۵۴



درصد) از مردم معتقدند قوانین باید سختگیرانه‌تر شود، ۳۰ درصد خواستار آن هستند که قوانین به شکل فعلی باقی بماند و ۱۶ درصد معتقدند قوانین باید کمتر سختگیرانه باشد، همانطور که می‌بینیم برتری حامیان محدودیت حمل سلاح در آمریکا شکستنده است و اگر نفوذ مالی و فرهنگی لابی اسلحه را به آن اضافه کنیم، حداقل در اوضاع فعلی نمی‌توان امیدي به تغییرات ساختاری داشت.

اخبار واصله از سوی خبرگزاری فرانسه از هیوستون حاکی از آن است که دونالد ترامپ، که حالا به شاخص‌ترین فرد جناح راست بدل شده است، خواستار مسلح شدن هر چه بیشتر مردم آمریکا برای مبارزه با چیزی که بدی می‌نامد شده است، این مسئله قابل حدس بود؛ اما نکته جالب موضوع گیری بایلدن، رئیس جمهوری دموکرات آمریکاست، سخنگوی کاخ سفید، بایلدن را مخالف ممنوعیت فروش اسلحه در آمریکا اعلام می‌کند و او را صرفاً خواستار ممنوعیت فروش سلاح‌های تهاجمی و انبارهای حاوی انواع سلاح اعلام می‌کند، این موضع‌گیری‌ها به خوبی نشان می‌دهند که هم بایلدن و هم ترامپ به خوبی می‌دانند که بدون حمایت‌های مالی و انتخاباتی لابی سلاح عملاً شناسی برای پیروزی در انتخابات آتی ریاست جمهوری ندارند، آنها مجبور به سازش هستند

اما حوادث اخیر، نشان‌دهنده بحرانی به مراتب پیچیده‌تر و نگران‌کننده‌تر در جامعه امروز آمریکا هم هستند، یک دو قطبی ساختاری در امر سیاست‌گذاری، درست پس از تیراندازی تگزاس، ۱۳۴ نماینده دموکرات مجلس نمایندگان به رهبری چاک شومر خواستار تصویب قوانین جدیدی در امر کنترل سلاح به هر شکل و در هر قالب شدند؛ اما جمهوری‌خواهان با تکیه بر قانون حداقل ۶۰ رأی از تصویب و مؤثر کردن قوانین جدید به راحتی جلوگیری به عمل آوردند.

واضح است که در کشوری که سیاستمداران آن در بحث واکسن و ماسک زدن نمی‌توانند به توافق برسند، بحث بر سر مسئله ریشه‌داری، مانند حمل سلاح عملاً بیهوده می‌نماید. این دو قطبی که با غروب هژمونی آمریکا بر جهان، هر روز عمیق‌تر و عیان‌تر می‌شود، هر مسئله‌ای را به گره‌ای غیر قابل گشایش بدل می‌کند، جمهوری خواه و دموکرات بر سر هر موضوعی بی‌صبرانه به دنبال آن هستند که در برابر هم صف‌آرایی کنند، آن قدرها هم مهم نیست که دعوا بر سر چیست، یک روز سیاست خارج‌جه، یک روز سقف جنین و حالا هم حمل سلاح.

حکمرانی شایسته

و اصلاح نظام یارانه

ایمان لطفی‌نسب

دکتری علوم سیاسی
حقوق تجارت بین‌المللی

جستن از نهج البلاغه و آیات و روایات است که در صورت رجوع به این گنجینه گرانسنگ می‌توان شاهد نتایج بسیار ارزشمندی بود؛ مسئله‌ای که در دهه‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب در شعارهای سال بیان کرده‌اند و رجوع کارگزاران به آن و تمسک به آن ضروری است.

بی‌شک نظام استکبار جهانی با به راه انداختن تروریسم اقتصادی به دنبال ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران است و یکی از انتخاب‌های راهبردی مسئولان در وضعیت کنونی انتخاب راهبردهای قوی است که در حوزه‌های گوناگون پاسخگوی نیازها، مطالبات داخلی و بین‌المللی باشد؛ بنابراین، اصلاح نظام یارانه‌ها (هدفمند کردن یارانه) که از دهه ۸۰ آغاز شده است، به منزله یک تکلیف قانونی و یک راهبردی کلیدی برای تحول اقتصادی و بالابردن کیفیت زندگی معیشتی ضروری است.

حکمرانی شایسته

در نهج البلاغه از حاکم اسلامی با عنوان ملک یا سلطان که به معنای تملک یا سلطه‌گری است، یاد نشده است؛ بلکه با کلماتی، مانند امام و والی رویه‌رو هستیم. رهبر و امام کسی است که جمعیت و امتی را ارا به دنبال خود می‌کشاند و خود پیش‌قراول و پلایه‌دار حرکت است. والی و ولایت به معنای پیوستگی است. والی امت و رعیت کسی است که امور مردم را به عهده دارد و با آنها پیوسته است. وقتی در نهج البلاغه در مفهوم حکومت تأمل می‌شود، می‌بینیم کسی که در رأس حکومت است، ولی امر و متصدی کارهای مردم است و مکلف به تکلیف الهی مهمی است. او انسانی است که بیشترین و سنگین‌ترین بار مسئولیت را بر دوش دارد. در سوی دیگر مردم قرار دارند که باید همه ارزش‌های مادی و معنوی و آرمان‌های مادی و معنوی و آرمان‌های‌شان مورد احترام قرار گیرد و دین و دنیای آنها با هم و در تعامل ملاحظه شود. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۷)

نگاه و توجه امام علی (ع) به مسئله حکومت نگاهی الهی است و این نگاه دربردارنده عدالت در جامعه است که بی‌شک یکی از نمونه‌های حکمرانی شایسته در طول تاریخ قلمداد می‌شود و امروزه نیز نظام جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی به دنبال حاکم کردن معنویت، عدالت، آزادی در جامعه است که بی‌شک نمونه بی‌بدیلی در جهان قلمداد می‌شود.

وضعیت کنونی کشور که ایالات متحده آمریکا به دنبال ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران است و اتخاذ راهبردی بنیادین و اصولی به ویژه در بعد اقتصادی و در قالب اجرایی کردن جراحی بزرگ اصلاح و هدفمند کردن نظام یارانه با الهام از حکمرانی شایسته بی‌شک می‌توان به نتایج شگفت‌انگیزی در حوزه اقتصاد داخلی و بین‌المللی دست پیدا کرد.

در این راستا می‌توان به نتایجی دست پیدا کرد که از قبل این اصلاح و حکمرانی شایسته محقق خواهد شد:

- کاهش قاچاق خصوص کالاهای اساسی؛
- کمک به تولید و تولیدکننده و تقویت بخش مولد؛
- تحقق عدالت اقتصادی و به تبع آن عدالت اجتماعی؛
- حذف رانت در حوزه اقتصادی؛
- مقاومت در تکان‌های بین‌المللی در حوزه اقتصاد و تأثیرپذیری کمتری از نوسانات اقتصادی بین‌المللی؛
- ارتقای شأن و منزلت و حذف وابستگی به یارانه نقدی که نتیجه زیادی در کیفیت سفره مردم و تولید ندارد؛
- صرفه‌جویی ارزی؛
- ایجاد بازار متعادل (عرضه و تقاضا)؛
- پررنگ شدن نقش نظارتی دولت بر بازار؛
- ایجاد انگیزه برای مجموعه‌های دانش‌بنیان در امر تولید.

نتیجه‌گیری

حکمرانی شایسته که به عنوان یک مدل نظری و عملی در راستای توسعه سیاسی در جهان طی سال‌های اخیر از آن یاد می‌شود، در سیره عملی و سیاسی انبیاء (ص) و امام معصوم به ویژه امام علی (ع) مشاهده می‌شود و طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز از آن یاد شده است. در دولت فعلی به منظور اصلاح و هدفمند کردن نظام یارانه که خود به منزله یک جراحی بزرگ اقتصادی به دنبال حاکم کردن عدالت در حوزه تولید و کیفیت بخشی به سطح زندگی مردم از یک طرف و همچنین به منظور ایجاد اصلاحات و تحولات چشمگیری در حوزه اقتصاد، نظام مالیاتی، نظام بانکی، بودجه و بودجه‌ریزی، کاهش هزینه‌های دولت... است، می‌تواند با استفاده از حکمرانی شایسته که برآمده از آموزه‌های دینی و همچنین اصول و منویات رهبر معظم انقلاب و ایجاد عدالت در جامعه است، شرایطی فراهم کند که کشور در این تروریسم و جنگ اقتصادی سربلند بیرون آید.

نتایج احتمالی اصلاح نظام یارانه (هدفمند کردن یارانه)

در صورتی که دولت و مردم بتوانند با درک

روزنه

بریکس، ایران و نظم آینده جهان

محسن محمدی‌الموتی

عمو هیئت علمی دانشگاه

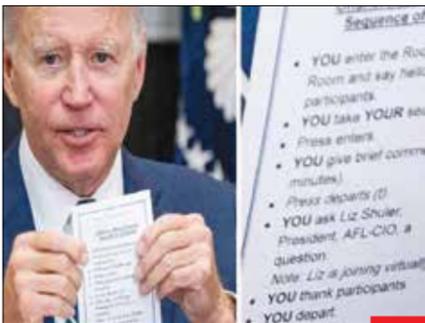


دعوت چین از ایران برای شرکت در اجلاس بریکس پلاس و سخنرانی رئیس جمهور در این نشست و اعلام آمادگی برای همکاری‌های همه‌جانبه با اعضای این نهاد نوظهور بین‌المللی و تأکید بر ابتکار امنیت جهانی، از منظر تأثیرگذاری بر شکل‌گیری نظم آینده جهان و کنش‌های مرتبط با آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. بریکس به مجموعه‌ای از قدرت‌های نوظهور اطلاق می‌شود که از کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تشکیل شده است. بر اساس برآورد آماری سال ۲۰۱۹، اعضای بریکس بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان، ۲۵ درصد از سرزمین‌های جهان و ۳۳ درصد از حجم تولید ناخالص جهانی را در اختیار دارند. ظهور و بروز نشانه‌های افول هژمونی آمریکا از مقطع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بعد و قدرت‌یابی سایر بازیگران بین‌المللی، نظیر چین و روسیه نشان داد، جهان به تدریج شاهد «تغییر» در نظم بین‌الملل و تحول در موقعیت و منزلت قدرت‌ها و بازیگران در چرخه سیستمی قدرت خواهد بود. در این فضای جدید، شاهد خیزش قدرت‌های نوظهوری هستیم که در قالب دسته‌بندی‌های مختلف، مدعی سهم خواهی از قدرت جهانی هستند. از تشکیل بانک بریکس و سازمان همکاری شانگهای تا اقدامات چین در قالب تأسیس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و ابتکار یک کمربند یک راه و نقش آفرینی گروه ۲۰ در بحران مالی جهانی نمونه‌هایی از این کنشگری قدرت‌های نوظهور به‌شمار می‌آید. در متن و بطن سهم خواهی این قدرت‌های نوظهور، ادعای آنها مبنی بر ناکارآمدی و ناعادلانه بودن ساختارهای نظم پیشین و انتقاد به تلاش ناتمام آمریکا برای ایجاد یک نظم هژمونیک به چشم می‌خورد؛ از این رو ضمن نقد ارکان نظم قدیم، در تلاشند برای کسب و تثبیت جایگاه خویش، از کان جدید و جایگزین را به نظام بین‌الملل عرضه کنند که متضمن ارتقای جایگاه آنها باشد. بر این اساس، روند تحولات بین‌المللی نشان می‌دهد نظم آینده جهان، نظمی چند قطبی و با ویژگی‌های متفاوت از گذشته خواهد بود. معروف‌ترین شاخص آن خیزش قدرت‌های نوظهور است که در عرصه سیاسی امنیتی مخالف یکجانبه‌گرایی آمریکا هستند و از تقسیم قدرت در نهادهای تجاری اقتصادی بین‌المللی هم رضایت ندارند و به صورت انفرادی و گروهی ابتکارات خود را در عرصه بین‌المللی عرضه می‌کنند و امکان و مطلوبیت نظم تک قطبی آمریکایی را زیر سؤال می‌برند. چنین نظمی دست‌یابی به نقش‌های نوین را برای قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای، از جمله ایران بیش از پیش تسهیل می‌کند. با توجه به منطبق نظام سلطه انقلاب اسلامی و تلاش در جهت نقد و به چالش کشیدن نظم تک قطبی آمریکا محور، همگرایی مشهودی میان اهداف گروه بریکس و سیاست ایران وجود دارد. همسویی بریکس با ایران در تلاش برای موازنه‌سازی در قبال ایالات متحده می‌تواند نقشی اساسی در نگاه جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای سطح همکاری با اعضای بریکس داشته باشد. استقبال اعضای شانگهای از عضویت ایران در این سازمان و سخنرانی رئیس جمهور در اجلاس بریکس پلاس، ناظر به جایگاه و نقش کانونی جمهوری اسلامی ایران در چرخش قدرت از آتلانتیک به آسیا-پاسفیک و ایجاد یک بلوک قدرتمند و موازنه‌سازی در برابر غرب قابل ارزیابی است.

عکس و مکت



کافیه؟ / سفیر روسیه این‌گونه به رئیس جمهور کشورمان احترام گذاشته است و احتمالاً ایرادگیران با محاسبه سینوس زاویه کردن سفیر و فاصله سفیر و رئیس‌جمهور ریسی از هم، نتیجه خواهند گرفت که سفیر به ایران بی‌احترامی کرده است!



پیری و هزار درد! / تصویر کاغذی که به بایدن گفته است وارد اتاق شو، روی سندی پیشین، دو دقیقه صحبت کن و تشکر از حضار و خداحافظی! رئیس‌جمهور آمریکا در انجام کارهای یومی هم مشکل دارد!



سلام فرمانده / اجتماع خانوادگی «سلام فرمانده» با حضور پرشکوه مردم ولایت‌مدار قم در مسجد مقدس جمکران برگزار شد. سلام فرمانده تا ظهور فرمانده زرمزه خواهد شد.



هرج و مرج در انگلستان / هزاران نفر از کارکنان شبکه ریلی در انگلیس در اعتراض به دستمزدها به اعتصاب گسترده و فلج‌کننده‌ای دست زده‌اند که به گفته کارشناسان در بیش از سه دهه اخیر بی‌سابقه بوده است.



به یاد پدر / تصویری از خواب آرام فرزند شهید صیاد خدایی در کنار قاب عکس پدر؛ شهید صیاد خدایی در خردادماه امسال به درجه رفیع شهادت نائل شد.



زلزله ویرانگر / در پی زلزله ۶ ریشتری در کشور همسایه‌مان افغانستان، بیش از هزار نفر کشته و زخمی شدند. هلال احمر ایران تاکنون دو فروند هواپیمای کمک‌رسانی به این کشور ارسال کرده است.

کابوس بی پایان

نگاهی به تبعات ترور ناجوانمردانه سردار سلیمانی

اشتباه تاریخی

رصد رسانه‌ها و مواضع کشورها و رسانه‌های داخلی و بیرونی آمریکا نشان می‌دهد، ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی یکی از اساسی‌ترین اشتباهات آمریکا در طول یک قرن اخیر بوده است که در زمان دونالد ترامپ اتفاق افتاد. این رفتار آمریکا ابهت و حیثیت ظاهری آمریکا را در دنیا بی اعتبار کرد و اوضاع منطقه‌ای را برای این کشور سخت و میدان مبارزه با نیروهای تروریستی آمریکا در منطقه (سنتکام) را باز کرد. «نیویورک تایمز» در گزارشی می‌نویسد: «برخی مقامات آمریکایی اکنون اعتراف می‌کنند ترور ژنرال سلیمانی باعث نشده است نیروهای نیابتی ایران در رفتارهای شان در داخل عراق و جاهای دیگر تجدیدنظر کنند.» در حالی نخیکان و رسانه‌های آمریکا از بی نتیجه بودن ترور حاج قاسم سلیمانی در راستای اهداف آمریکا سخن می‌گویند که مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق آمریکا در مصاحبه‌ای با شبکه سعودی «العربیه» از ترور بزدلانه شهید سلیمانی به‌عنوان موفقیت یاد کرد و مدعی شد، هشدار و وجود داشت که اگر به سردار سلیمانی حمله کنید، جنگی رخ خواهد داد؛ ما این کار را انجام دادیم و هیچ جنگی روی نداد. در این شماره تنها گوشه‌ای از پیامدهای آشکار شده این اقدام تروریستی و البته احمقانه را بررسی خواهیم کرد.



اخراج از قلب زمین

پیامدهای ترور سردار سلیمانی برای کاخ سفید



گروه گزارش

صبح صادق

در طول چهل سال اخیر آمریکا و رؤسای جمهوری آن به ویژه دونالد ترامپ، همواره به دنبال از بین بردن اقتدار و مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران بوده است. واکاوی رفتار و موضع گیری ترامپ نشان می‌دهد، جایگاه اجتماعی نظام در داخل، توان هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای، قدرت موشکی و ظرفیت‌های اقتصادی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های قدرت ایران از دید این قاتل بوده است؛ از این رو وی به دنبال محدودسازی و مهار آنها بود. بنابراین، ترامپ با مشاوره صهیونیست‌ها و سعودی‌ها در اردیبهشت ۹۷ از برجام خارج شد تا بتواند کارزار فشار و تحریم‌های حداکثری را علیه ایران برقرار کند و با کمک آنها، سبب فروپاشی اقتصاد ایران شود. طبیعی است که ترامپ فکر می‌کرد با تضعیف شدن اقتصاد کشور، نفوذ منطقه‌ای ایران نیز خودبه‌خود از بین خواهد رفت و توسعه برنامه موشکی ایران هم متوقف خواهد شد. او حتی امیدوار بود این فشارهای عظیم و بی‌سابقه در تاریخ بشر، موجب فروپاشی اجتماعی ایران خواهد شد و در نهایت ایران به نشانه تسلیم به وی زنگ خواهد زد؛ اما در عمل نه تنها این گونه نشد، بلکه با تدبیر و درایت رهبری آمریکا دچار یک ناکامی اساسی در مواجهه دولت ترامپ سبب شد که آنها با ساده‌انگاری تمام و بدون در نظر گرفتن عواقب تصمیم خود، اقدام به ترور حاج قاسم سلیمانی بکنند و با خیال آنکه حداقل در منطقه خود را موفق نشان دهند. با چنین هدفی بود که ترور فرمانده نیروی قدس و افراد مؤثر جبهه مقاومت در کشورهای عراق، فلسطین، لبنان و سوریه در دستور کار آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت.

آغاز بحران آمریکا

دونالد ترامپ و مایک پمپئو در مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای متعددی از موفق بودن ترور شهید سلیمانی سخن به میان آوردند و آن را در راستای منافع آمریکایی موفق جلوه دادند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، آن دو به ویژه وزیر خارجه سابق آمریکا بیشتر در راستای توجیه آن ترور بزدلانه سخن می‌گویند و آمریکا بعد از ترور ضربات متعددی را در راستای انتقام سخت از آزادی‌خواهان جهان دریافت کرده است. البته گفتمانی است، هنوز پنجره

انتقام سخت باز است و تا زمانی که قاتلان و عاملان ترور شهید سلیمانی هزینه‌ای در اندازه حاج قاسم ندهند، این روند ادامه خواهد یافت. «رابرت بان» مأمور پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در گفت‌وگویی اعلام کرد: «موضوعاتی که مرا شوکه کرد، اظهارات غیرمسئولانه مقامات آمریکایی بود. معاون رئیس جمهوری آمریکا بعد از ترور سردار سلیمانی در مقابل دوربین‌ها ظاهر شد و گفت، اکنون آمریکایی‌ها امنیت بیشتری نسبت به گذشته دارند. این کاملاً مزخرف است؛ زیرا زنده بودن (سردار) سلیمانی خطر حادی برای آمریکا نداشت و با این ترور، موقعیت ایران تضعیف نشد؛ بنابراین راهبرد ترامپ علیه ایران شکست خورده است.»

هراس همیشگی

طبق اعتراف دونالد ترامپ و مایک پمپئو در ترور مذکور نقش اصلی را داشته‌اند؛ از این رو این دودر هراسی دائمی روزگار می‌گذرانند. بنا به گزارش رسانه‌های آمریکایی، دولت فدرال آمریکا به طور تقریبی ماهانه ۲ میلیون و ۱۷۵ هزار دلار برای حفاظت از پمپئو و دیگر مقامات دخیل در ترور سردار سلیمانی هزینه می‌کند. ترامپ و پمپئو اکنون در وضعیتی پیچیده و هراس‌انگیز گرفتار شده‌اند. رئیس‌جمهور و وزیر خارجه سابق آمریکا باید نگاهی به اختفای بیش از ۳۰ ساله سلمان رشدی که به اسلام توهین کرد بیندازند. سلمان رشدی از سال ۱۳۶۷ در هیچ مکان عمومی رؤیت نشده و بدون محافظ جرت قدم گذاشتن در هیچ مکانی را ندارد. شاید مرگ برای وی بسیار راحت‌تر از ۳۰ سال زندگی در خفا و ترس می‌بود. وضعیتی که در حال حاضر پمپئو به آن دچار شده است. به گزارش مجله نیویورک، یکی از نزدیکان ترامپ می‌افزاید که رئیس‌جمهور بازنده آمریکا بابت دستگیر شدن نیز نگران است.

شکست ابهت آمریکا

تصویرسازی رسانه‌های محور عبری-غربی باعث شده بود که آمریکا ابهت خاصی در دنیا برای خود داشته باشد و کسی جرئت تعرض به منافع آمریکا را در دنیا نداشته باشد. در واقع، پس از جنگ جهانی دوم هیچ پایگاه آمریکایی هدف حمله مستقیم قرار نگرفته بود که این موضوع حاشیه‌امنی را برای آمریکا به وجود آورده بود؛ اما به برکت خون حاج قاسم، پایگاه آنها در عراق هدف اصابت مستقیم موشک‌های ایرانی قرار گرفت. واکنش ایران در حمله به پایگاه آمریکا در عین‌الاسد عراق قاطع و بی‌سابقه بود که هزینه

روانی و حیثیتی آن برای آمریکا در میان کشورهای جهان غیر قابل وصف است. ترامپ برای لا‌پوشانی به این وضعیت اعلام کرد هیچ سرباز آمریکایی نه تنها کشته نشده است؛ بلکه حتی صدمه هم ندیده است. در واقع رفتار ترامپ فرار از پرداختن به اصل موضوع مبنی بر هدف قرار گرفتن پایگاه آمریکایی بوده است. ایران با حمله به پایگاه‌های آمریکایی در عراق نشان داد که می‌تواند اهداف آمریکایی را در منطقه با دقتی باور نکردنی هدف قرار دهد. البته اینکه ترامپ می‌گوید در این حمله هیچ آمریکایی کشته نشد، تغییری در ایسن واقعیت ایجاد نمی‌کند که هیچ‌کس نتوانست موشک‌های ایران را رهگیری کند. سفیر سابق انگلیس در سوریه ترور سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی را اشتباه محاسباتی بزرگ از سوی «دولت تروریستی آمریکا» توصیف و تصریح کرد اگر ایران انتقام نمی‌گرفت، واشنگتن گستاخ‌تر می‌شد و [این کار] ایران، آمریکا را محدود کرد [۱].

از دست رفتن امنیت آمریکا در عراق

گزاره‌ها نشان می‌دهد، آمریکایی‌ها برای حضور بلندمدت در عراق برنامه‌ریزی کرده بودند و برای حضور ۱۵۰ هزار نظامی آمریکا در پایگاه‌های نظامی در عراق برنامه‌ریزی مفصلی داشتند؛ اما پس از شهادت حاج قاسم، فقط ۲۵۰۰ نظامی آمریکایی در چند پایگاه محدود حضور دارند که شکست سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا را ملموس‌تر می‌کند. در جریان پس از ترور سیدالشهدای مقاومت بود که عراق یکپارچه علیه حضور نظامی آمریکا شوریدند و روزی نیست که خبر از ضربه زدن به نیروها و تجهیزات آمریکایی در عراق مطرح نباشد. «ویل اسمیت» تحلیلگر مسائل امنیتی و منطقه‌ای با انتشار یادداشتی با عنوان «چگونه ترور [سردار] سلیمانی به منافع آمریکا در عراق لطمه زد؟» استدلال کرده که پیامدهای عملیات ترور باعث ایجاد وضعیتی کاملاً خلاف وضعیت از پیش تعیین شده است. به نوشته اسمیت، افزایش فزاینده حملات به پایگاه‌های ایالات متحده از ژانویه ۲۰۲۰ باعث رد این استدلال شده که این عملیات ترور «بازدارندگی واقعی» را دوباره برقرار و از حملات بیشتر جلوگیری کرد. از سوی دیگر، با وجود آن‌که ایران بلافاصله پس از ترور سردار سلیمانی، اقدام به تلافی کرد و اقدامات تلافی‌جویانه از سوی گروه‌های شبه‌نظامی علیه منافع ایالات متحده ادامه داشته، دو سال اخیر آستان تشدید تنش‌هایی بوده که عمدتاً ناشی از خلأ قدرتی بود که در فقدان سردار سلیمانی در عراق

ایجاد شده است. سرویس‌های امنیتی عراق مدعی هستند عملیات ترور ایالات متحده که هم سردار سلیمانی و هم ابومهدی المهندس را هدف گرفت به مدیریت نیروهای عراقی آسیب زد و منجر به به اشعاب و اختلاف در میان آنها شد. در واقع هرج و مرج عظیمی که به دنبال این عملیات ترور در عراق به راه افتاد، به منافع ایالات متحده در عراق آسیب وارد کرد و سیاستگذاران باید در آینده انجام عملیات‌های مشابه را متوقف کنند.

خروج شبانه از افغانستان

خروج وحشیانه و شبانه آمریکا از افغانستان دال دیگری بر هزینه‌بر بودن ترور حاج قاسم سلیمانی برای آمریکاست. «جیمز متیس» وزیر دفاع وقت آمریکا در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد، با اعزام ۳۰۰۰ سرباز جدید شمار سربازان آمریکایی برای تقویت نبرد با طالبان و... خیر داد. در واقع آمریکایی‌ها برنامه‌ریزی بلندمدتی برای حضور در افغانستان کرده بود که با بعد از ترور حاج قاسم، به صورت شبانه از آنجا خارج شدند. به اذعان برخی رسانه‌های آمریکا، این کشور برای تأسیس و تجهیز پایگاه‌های آمریکا در افغانستان ۲ تریلیون دلار هزینه کرده بودند. آیا راه کردن تجهیزات مدرن آمریکایی در پایگاه‌ها و فرار شبانه آنها از افغانستان از دید امثال پمپئو به دور بوده است؟ آیا این امر از نگاه امثال پمپئو شکست به شمار نمی‌آید؟

شکست دیپلماسی عمومی

ایالات متحده که سرمدار تفکر لیبرالیسم در جهان شناخته می‌شود، با سیاست لیبرالیسم سبب دوگانگی در کشورهای شده است؛ به گونه‌ای که عده‌ای با طرفداری از ایسن تفکر حتی در داخل کشورمان راه توسعه در ایجاد رابطه با آمریکا دنبال می‌کنند. ترور حاج قاسم سلیمانی باعث یکدست شدن سراسری جامعه علیه آمریکا شد و همه مردم ایران خواستار انتقام از آمریکا برآمدند. به بیان دیگر، افکار عمومی در داخل کشورمان که در جریان برجام و عملیات رسانه‌ای دشمن تلاش شده بود رفتارهای ضدآمریکایی تطهیر شود که مذاکره و اعتماد با آمریکا به عنوان خواست عمومی مطرح شود، این وضعیت بعد از ترور بزدلانه شهید سلیمانی، نتیجه عکس داد و امروز افکار عمومی جمهوری اسلامی ایران کاملاً خواستار انتقام‌های بیشتر و حتمی از عاملان ترور شهید بزرگوار هستند. بنابراین ایالات متحده از حیث دیپلماسی عمومی نیز دچار خسران و زیان شد. در منطقه هم وضعیت به این منوال است. تشیع

بیکر سردار سلیمانی و ابومهدی در عراق و ضرباتی که عراقی به آمریکا در این مدت وارد کردند، نشان می‌دهد آمریکا دیگر در عراق نیز پایگاه اجتماعی ندارد. واکنش‌های عمومی در سوریه، لبنان، فلسطین، پاکستان، افغانستان، هند و... نشان از هزینه‌بر بودن این اقدام تروریستی آمریکا دارد. بی‌جهت نیست که رهبر معظم انقلاب فرمودند که شهید سلیمانی از حاج قاسم سلیمانی برای دشمنانش خطرناک‌تر است. کتمان آثار ترور حاج قاسم از امثال مایک پمپئو نشان می‌دهد، دشمن توان ضربه‌پذیری بیشتر را ندارد و به دنبال وارونه‌سازی از واقعیت شهید سلیمانی است. نبود «استراتژی» پس از ترور حاج قاسم سلیمانی مهم‌ترین دلیل سردرگمی آمریکاست. اینکه دونالد ترامپ مطرح می‌کند که در ترور حاج قاسم از وی سوءاستفاده شده است، خود نیز از آثار هزینه‌بر بودن ترور برای آمریکاست. «ابهام» در نحوه پاسخ و «میزان» آن مقامات سیاسی و امنیتی آمریکا را آشفته کرده است و آنها عملاً از اقدام دولت قبل در ترور شهید سلیمانی دچار تردید شدند.

اعتراف رسانه‌های آمریکایی

بی‌جهت نبود که پایگاه خبری-تحلیلی «نشنال اینترست» در گزارشی، به پیامدهای ناگوار این اقدام آمریکا (ترور حاج قاسم سلیمانی) برای منافع ملی این کشور اشاره کرده و اساساً ارتکاب این جنایت از سوی رهبران آمریکا را ناشی از تفکرات سادولوخانه حاکم بر دستگاه سیاست خارجی آمریکا ارزیابی کرده است. این نشریه در ادامه می‌نویسد: «با افزایش انجام حملات علیه نیروهای آمریکایی مستقر در عراق، اینطور مشخص شد که اساساً ادعاهای پمپئو اعتباری نداشته و نباید به آنها توجهی کرد. اکنون بسیاری فهمیده‌اند که سوءاستفاده ترامپ از قدرت اجرایی خود و صدور فرمان ترور ژنرال سلیمانی موجب شد تا آمریکا در ادامه راه با بحران‌های گسترده‌ای رو به رو شود که تبعات آن حتی در شرایط کنونی نیز آمریکا را شدیداً دچار مشکل کرده و می‌کند.» «پیامدهای ناگوار ترور ژنرال سلیمانی برای آمریکا و منافع این کشور در منطقه و جهان، به خوبی نشان‌دهنده محدودیت‌هایی است که نیروی نظامی جهت مقابله با تهدیدات نامتقارن از آنها برخوردار است. آمریکا با ترور ژنرال سلیمانی، به جای اینکه فضای امنی را برای خود ایجاد کند، عملاً ایران را تحریک به قدرت‌گیری بیشتر کرد و میزان ناامنی پیرامون خود را نیز به نحو قابل توجهی افزایش داد.»

شوگ انتخاباتی

دولت مکرون از پیچ تاریخی فرانسه عبور می کند؟

ثمانه اکوان

دبیر گروه بین الملل



تنها چند هفته پس از آنکه امانوئل مکرون توانست برای بار دوم رئیس جمهور فرانسه شود، ائتلاف احزاب حامی او در پارلمان فرانسه اکثریت خود را از دست داده و مجموعه‌ای از نمایندگان دست راستی و چپ افراطی توانستند اکثریت پارلمان را به دست بگیرند. با وجود اینکه مکرون توانسته بود رأی خوبی در انتخابات ریاست جمهوری به دست آورد و باقی ماندن خود در کاخ الیزه را تضمین کند، به نظر می‌رسد او در پنج سال آینده درگیری‌های فراوانی با نمایندگان احزاب مقابل خود در پارلمان داشته باشد. در انتخابات پارلمانی که نتایج آن هفته گذشته در فرانسه اعلام شد، رأی‌دهندگان فرانسوی به دو حزب راست‌گرای جبهه ملی و مجموعه‌ای از ائتلاف‌های احزاب چپ رأی دادند و ائتلاف احزاب میانه‌رو که از رئیس‌جمهور فرانسه حمایت می‌کردند، تنها توانستند ۲۴۵ کرسی را از آن خود کنند. این در حالی است که تا پیش از این، این احزاب صاحب ۳۴۵ کرسی در مجلس بودند. در همین حال، ائتلاف احزاب چپ به رهبری «ژان لوک ملانشون» ۱۳۱ کرسی را از آن خود کرد و جبهه ملی به رهبری «مارین لوپن» نیز ۸۹ کرسی به دست آورد.

رأی مردم به نمایندگان مجلس ملی فرانسه سبب شد جایگاه نخست‌وزیر این کشور به خطر بیفتد؛ اما «الیزابت بورن» که به‌تازگی بر مسند نخست‌وزیری نشسته بود، در این باره گفته است تلاش می‌کند تا اکثریتی در پارلمان برای حمایت از طرح‌ها و لوایح دولت ایجاد کند. او همچنین گفته است این موقعیت کم‌نظیر ممکن است کشور ما را به خطر بیندازد؛ به ویژه در شرایطی که با تهدیدات گوناگونی در داخل و خارج از کشور مواجه هستیم؛ اما به رأی مردم احترام می‌گذاریم و به مثابه یک گروه بزرگ از سیاستمداران در پارلمان، مسئولیت خود برای کشور را انجام خواهیم داد.

با این حال، ژان لوک ملانشون، رهبر ائتلاف احزاب چپ‌گرای فرانسه که ائتلاف حزبی خود را تنها دو ماه پیش به وجود آورد و توانست پیروزی بزرگی در این انتخابات داشته باشد، اعلام کرده است رأی مردم به حزب او و همچنین حزب مارین لوپن نشان می‌دهد، آنها به‌دنبال ساقط کردن رئیس‌جمهوری هستند که به‌صورت گستاخانه در حال عمل بر خلاف منافع ملی کشور است

و هیچ‌کس نمی‌داند که اصلاً برای چه هدفی انتخاب شده است.

به نظر می‌رسد، با وجود اینکه مکرون نگران جایگاه خود در فضای سیاسی فرانسه نیست؛ اما نتایج انتخابات اخیر ممکن است پیامدهای بسیار بدی برای ادامه فعالیت دولت داشته باشد. این موقعیت از دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون ایجاد نشده بود و هرگاه رئیس‌جمهوری رأی می‌آورد، حزب متبوع او دارای اکثریت کرسی‌های پارلمان می‌شد. موقعیت فعلی به‌معنای این است که پارلمان به‌احتمال زیاد می‌تواند دولت را در مسائل گوناگون تحت فشار قرار دهد و لوایح دولتی برای عبور از سد پارلمان فرانسه با چالش‌های زیادی مواجه خواهد شد. این نتایج همچنین سبب می‌شود برای هفته‌های آتی مذاکرات سخت و فشرده‌ای میان امانوئل مکرون و احزابی که بیشترین تعداد کرسی‌های مجلس را در اختیار دارند، صورت گیرد تا شاید بتواند ائتلافی برای پیشبرد اقدامات خود در پارلمان این کشور ایجاد کند و به اکثریت موردنظر برسد. با این حال، برخی تحلیلگران فرانسوی معتقدند، انتخابات نتایج انتخابات پارلمانی می‌تواند در نهایت منجر به برگزاری انتخابات زودهنگام در طول یک سال آینده شود؛ زیرا رئیس‌جمهور فرانسه پس از مدتی به دلیل مخالفت‌های احزاب دست راستی و چپی به‌شدت تحت فشار قرار گرفته و ضعیف خواهد شد.

نتایج انتخابات پارلمانی از نظر تحلیلگران فضای سیاسی فرانسه به‌معنای شکل دادن دوباره به این فضاست. نکته جالب توجه و مهم این است که برخی از احزاب چپ‌گرا در فرانسه به‌دنبال خروج این کشور از ناتو و تشکیل اتحاد‌های منطقه‌ای نظامی هستند و در عین حال از حمایت فرانسه از تحریم‌های روسیه در ماجرای جنگ اوکراین ناراضی هستند و معتقدند دولت مکرون تمام منابع مالی را که می‌تواند در داخل کشور هزینه شود، خرج جنگ در اوکراین کرده است. البته انتخابات ریاست‌جمهوری نیز نشان داد، هم در بین احزاب چپ و هم راست مخالفت‌های شدیدی با پیروی فرانسه از آمریکا در مقابله با روسیه وجود دارد و این مسئله ممکن است فضای سیاسی فرانسه را بیش از پیش متشنج کرده و ادامه حیات دولت مکرون را با چالش مواجه کند.

گزارش

دعوی تورم و تحریم

نگاهی به رویکرد دولت آمریکا برای انحراف افکار عمومی آمریکا

اقتصادی در غرب را بگیرد. بایدن چهارشنبه گذشته در سخنرانی ویژه‌ای که درباره افزایش بی‌سابقه قیمت بنزین در آمریکا انجام شد، ادعا کرد واشنگتن و اروپا تا تأثیر تحریم‌های ضد روسیه بر بازار انرژی آگاه بودند. وی توضیح داد که همه طرف‌ها به‌وضوح درک کردند که محدودیت‌های اعمال شده برای فدراسیون روسیه سبب افزایش قیمت منابع انرژی خواهد شد. رئیس‌جمهور آمریکا در این باره اظهار داشت: «روسیه یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت در جهان است. ما واردات نفت به ایالات متحده را قطع کردیم و شرکای ما در اروپا نیز همین کار را کردند، اما می‌دانستیم که با افزایش قیمت بنزین مواجه خواهیم شد.» طبق این گزارش، بایدن ادامه داد که واشنگتن می‌تواند چشمان خود را بر روی اقدامات فدراسیون روسیه بیندازد تا از افزایش بی‌سابقه قیمت سوخت جلوگیری کند. به نوشته اسپوتنیک، وی تأکید کرد: «به‌نظر من این اشتباه

در حالی که رئیس‌جمهور آمریکا این روزها تلاش دارد افزایش تورم و گرانی‌های بی‌سابقه در این کشور را به جنگ اوکراین نسبت دهد و تقصیر را بر گردن روسیه بیندازد، به نظر می‌رسد مراکز آساری و تخصصی اقتصادی در آمریکا با این صحبت‌های او مخالفت دارند. بایدن در حالی ادعا می‌کند تورم در آمریکا و اروپا به جنگ روسیه در اوکراین مرتبط است که «جروم پاول» رئیس فدرال رزرو، هفته گذشته در سخنانی با اصرار مکرر بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر اینکه تهاجم روسیه به اوکراین عامل اصلی تورم در ایالات متحده است، مخالفت کرد.

بایدن البته در اظهارات خود با اذعان به آسیبی که تحریم‌های ضد روسیه به کشورش زده‌اند، مدعی شد واشنگتن و اروپا انتظار چنین آسیب‌هایی را داشتند. با این حال هنوز مشخص نیست انتظار چنین توری را داشتن، با چه اقداماتی همراه بوده است تا جلوی بحران بیشتر

است. آن زمان اینطور فکر می‌کردم و اکنون هم همین نظر را دارم.» رئیس‌جمهور آمریکا اعتراف کرد که از زمان آغاز عملیات ویژه روسیه در اوکراین، قیمت بنزین در ایالات متحده به‌طور متوسط دو دلار و در سایر کشورها حتی بیشتر افزایش یافته است.

در همین حال، در طول جلسه استماع کمیته بانکی سنا، سناتور بیل هاگرتی از پاول رئیس فدرال رزرو آمریکا خواست اذعان کند قبل از حمله روسیه به اوکراین در ۵ اسفند هم میزان تورم در آمریکا بالا بود.

هاگرتی خاطر نشان کرد، اوایل دی ماه سال گذشته، تورم از ۱/۴ درصد در دی ۱۳۹۹، زمانی که بایدن روی کار آمد، به ۷ درصد افزایش یافته است؛ اما از زمانی که تانک‌های روسی از مرز اوکراین عبور کردند، تورم آمریکا به‌طور فزاینده‌ای به سطح فعلی خود، یعنی ۸/۶ درصد افزایش یافته است.

با بیان این آمار، هاگرتی از پاول پرسید که آیا او معتقد است که جنگ در اوکراین «محرک اصلی» تورم است؟ همانطور که دولت بایدن تلاش کرده است چنین موضوعی را القا کند. پاول پاسخ داد: «نه قبل از آن و اتفاقاً قبل از شروع جنگ در اوکراین هم تورم بالا بود.»

هاگرتی به پاول گفت: «خوشحالم که با من موافقتی که حقیقت آن چیزی نیست که دولت آمریکا می‌گوید. بایدن به‌صورت مکرر سعی دارد افکار مردم را منحرف کند و خود را بی‌تقصیر نشان دهد. آنها سعی می‌کنند بگویند حمله پوتین به اوکراین بزرگ‌ترین محرک تورم بود.»

پاول در این جلسه سعی کرد به مردم آمریکا اطمینان دهد که فدرال رزرو نرخ‌های بهره را به اندازه کافی بالا و سریع افزایش می‌دهد تا تورم افسارگسیخته را فرو نشانند؛ بدون اینکه اعتبارات را به حدی کاهش دهد که اقتصاد را زمینگیر کند و سبب رکود شود.

جهان

شماره ۱۰۵۲ | دوشنبه ۶ تیر ۱۴۰۱

صداقت

پیشخوان

اعتصاب ریلی

در انگلیس



ده‌ها هزار نفر از کارکنان معترض شبکه راه‌آهن انگلیس، پس از شکست مذاکرات درباره افزایش حقوق و بهبود شرایطشان از کار دست کشیدند. به گزارش گاردین، این حرکت اعتراضی نیمی از شبکه ریلی سراسر انگلیس را فلج کرده و مابقی هم به صورت نیمه فعال درآورده است. شرکت نتورک ریل که زیرساخت شبکه ریلی انگلیس به‌شمار می‌رود، هشدار داده است اعتصاب سه روزه کارکنان در عمل باعث بروز شش روز هرج و مرج در شبکه ریلی این کشور می‌شود.

گزارش‌ها حاکی است، بالغ بر ۴۰ هزار نفر از کارکنان شبکه ریلی انگلیس در این حرکت اعتراضی شرکت کرده و ۱۳ اپراتور قطار مختل شده‌اند. وزیر حمل‌ونقل انگلیس این حرکت اعتراضی را یک فلاکت تمام‌عیار خوانده است.

«میک لینچ» دبیر کل اتحادیه آرام‌تی در اظهار نظری، وزیر حمل‌ونقل انگلیس را به دلیل کاهش میلیاردها پوند از بودجه حمل‌ونقل عمومی سرزنش کرد و مدعی شد، او در تلاش است تا هزاران شغل را در شبکه ریلی کشور کاهش دهد.

چه کسی شیرین را

کشت؟



بر اساس تحقیقات روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز»، شیرین ابو عاقله، خبرنگار شبکه الجزیره به‌ضرب گلوله نیروهای رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده است.

روزنامه نیویورک تایمز آمریکا نوشت، گلوله‌ای که سبب به شهادت رسیدن شیرین ابو عاقله شد، به احتمال زیاد از سوی یکی از سربازان نخبه ارتش رژیم صهیونیستی شلیک شده است. براساس تحقیق یک ماهه این روزنامه، شواهد و ادله نشان می‌دهند، ۱۶ گلوله از محل استقرار نیروهای اسرائیلی به سمت شیرین ابو عاقله شلیک شده که با روایت رژیم صهیونیستی تناقض دارد.

شواهد و مدارک همچنین نشان می‌دهند، در نزدیکی مکانی که این خبرنگار فلسطینی به شهادت رسید، هیچ نیروی مسلح فلسطینی حضور نداشت و این مسئله با ادعاهای اسرائیلی تناقض دارد که ابو عاقله به دلیل هدف قرار دادن اشتباه یک نیروی مسلح فلسطینی کشته شد.

تشکیلات خودگردان فلسطین مخالفت خود را با انجام تحقیق مشترکی با طرف صهیونیستی اعلام کرد؛ اما تأکید کرد مانع انجام تحقیق بین‌المللی در این پرونده نمی‌شود.

احضار پمپئو

دادگاهی در اسپانیا وزیر خارجه سابق آمریکا را احضار کرد تا درباره ادعایی مبنی بر اینکه آمریکا قصد داشته پنیانگزار ریگه «ویکی‌لیکس» را به قتل برساند، شهادت دهد. سال گذشته رسانه‌ها گزارش دادند، مقامات آمریکایی گزینه ترور «جولیان آسانژ» افشاگر ویکی‌لیکس را در مدت اقامتش در سفارت اکوادور در لندن بررسی کردند. سانتیاگو پدراز، قاضی دادگاه ملی اسپانیا رهبری تحقیقات را برعهده دارد درباره اینکه آیا در زمان اقامت آسانژ در سفارت اکوادور، شرکت امنیتی اسپانیایی «یوسسی گلوبال» که مسئول تأمین امنیت این سفارت بوده، از آسانژ جاسوسی کرده است یا خیر؟



برکناری یک میلیون دلاری

نخست‌وزیر برکنار شده پاکستان آمریکا را متهم کرد که پس از دیدار او با پوتین درست در روز حمله روسیه به اوکراین، برنامه رأی عدم اعتماد را چید و او را از عرصه قدرت در اسلام‌آباد پایین کشید. به گزارش خبرگزاری فرانسه، «عمران خان» مدعی است آمریکا به نمایندگان حزبی یک میلیون دلار رشوه داده تا علیه او در پارلمان رأی بدهند. وی «دونالد لو» دیپلمات آمریکایی را در برکناری اش مقصر می‌داند و معتقد است، او گفته بود پاکستان در صورت باقی ماندن عمران خان در قدرت متحمل «عواقبی» خواهد شد؛ اما اگر او برکنار شود، «همه چیز بخشیده خواهد شد.»



افزایش حقوق اردوغان

قانونگذار ارشد عضو حزب «جمهوری‌خواه خلق» در پارلمان ترکیه ادعا کرد، رجب طیب اردوغان طی فرمانی حقوق دریافتی خود را افزایش داد. «اوزگور اوزل» قانونگذار ارشد عضو بزرگ‌ترین رقیب حزب حاکم عدالت و توسعه ترکیه در پیامی تویتری از دستور ویژه رجب طیب اردوغان، رهبر این حزب برای افزایش چشمگیر حقوق خود خبر داد. نایب رئیس فرانسوی حزب «جمهوری‌خواه خلق» در پارلمان ترکیه در این توییت ادعا کرد: «(رجب طیب اردوغان با بودجه تکمیلی که با اعضای خود به رئیس‌مجلس تقدیم شد، دارد حقوق خود را به ۱۴۱۴۵۳ لیره افزایش می‌دهد؛ حقوقی که در ماه ژانویه ۴۰/۴ درصد افزایش یافته بود.»



منهای
نفتنگاهی به جایگاه و نقش مالیات
برای عبور از اقتصاد نفتی

پیش درآمد

چرا اصلاح قوانین مالیاتی
ضروری است؟

گروه اقتصاد

صبح صادق

بخشی از درآمد مالیاتی کشور، در بلندمدت به میزان GDP کشور وابسته است؛ یعنی برای مالیات بیشتر، باید نرخ رشد اقتصادی بیشتری وجود داشته باشد؛ اما بخشی از درآمدهای مالیاتی وابسته به قوانین مالیاتی است. طبیعتاً آنچه باید امروز مورد بحث و تأمل باشد، بخش دوم و اصلاح قوانین مالیاتی است؛ چرا که با ادامه همین قوانین و روش های مالیاتی موجود، شاید تحقق ایران بدون نفت و اداره کشور با تکیه بر درآمدهای مالیاتی شدنی نباشد.

بنابراین، هم باید نظام مالیاتی کشور و هم قوانین مالیاتی کشور اصلاح شوند. اگر بخواهیم وضعیتی در اقتصاد ایجاد شود که دولت بتواند هزینه های جاری خود را به صورت کامل با درآمدهای مالیاتی پوشش دهد، سهم مالیات در GDP کشور باید به بیش از ۱۵ درصد افزایش یابد. در آن صورت است که می توان ادعا کرد دولت می تواند بدون درآمدهای نفتی کشور را اداره کند؛ اما به دلیل نبود بسیاری از پایه های مالیاتی در کشور و البته وسعت زیاد اقتصاد زیرزمینی در ایران تحقق این امر نیازمند انجام یک سری اصلاحات قابل توجه روی قوانین مالیاتی کشور است. بر اساس برخی از تخمین های صورت گرفته، بیش از ۵۰ درصد از اقتصاد کشور اقتصاد زیرزمینی است یا بیش از ۲۰ درصد از بخش های اقتصادی کشور، از پرداخت مالیات معاف هستند که بخش قابل توجهی از این معافیت ها، نه تنها ضروری نیست؛ بلکه برای اقتصاد مخرب است.

امروزه، به بررسی ترکیب مالیاتی کشورهای دیگر، مشاهده می کنیم یکی از درآمدهای مالیاتی عمده این کشورها، مالیات انرژی است. مالیات بر انرژی، در کشورهای اروپایی و حتی در کشوری مانند ترکیه، سهم بالایی از درآمدهای مالیاتی را به خود اختصاص می دهد. بنابراین، به نظر می رسد برای رسیدن به این هدف یعنی اداره ایران با درآمدهای مالیاتی و بدون وابستگی به درآمدهای نفتی- اول باید ابزارهای لازم را فراهم کرد. برای شروع این کار نیز باید پایه های مالیاتی جدیدی تعریف شود، شمار بخش های تحت پوشش مالیاتی افزایش یابد، معافیت های مالیاتی هدفمند شود و در نظام اطلاعات اقتصادی عاملان اقتصادی، سرمایه گذاری بیشتری صورت گیرد. با مجموعه این اصلاحات و اقدامات، این هدف قابل تحقق است.

نکته دیگر در مورد مالیات ها این است که برای ایجاد نظام پویای مالیاتی باید شفاف سازی اتفاق بیفتد؛ یعنی باید فضا و شرایطی ایجاد شود که بتوان جریان تمام وجوه در اقتصاد کشور را رصد کرد. اگر دولت نتواند چنین کاری انجام دهد، نمی تواند به درستی نیز مالیات بگیرد. در واقع باید جریان تمام وجوه در نظام بانکی دنبال شود؛ اما متأسفانه طی سال های گذشته بحث هایی درباره محرمانه بودن اطلاعات اقتصادی وجود داشت که کاملاً با اصول اداره بهینه اقتصاد کشور و افزایش درآمدهای مالیاتی مغایر بود. اطلاعات اقتصادی افراد اعم از افراد حقیقی یا بنگاه های اقتصادی شاید برای افراد دیگر و سایر بنگاه ها کاملاً محرمانه باشد، اما این اطلاعات برای نهادهایی مانند سازمان مالیاتی که وظایف دولتی دارند، نه تنها محرمانه نیست؛ بلکه از نان شب واجب تر بوده و ضرورتی انکارناپذیر است. در واقع باید پذیرفت وقتی قرار است دولت اقتصاد را اداره کند، باید از تمام فعالیت های اقتصادی فعالان اقتصادی، دارایی، ثروت، درآمد... تمام شهروندان حقیقی و حقوقی اطلاع دقیق داشته باشد.



میثم مهرپور

دبیر گروه اقتصاد

با بررسی نحوه عملکرد نظام مالیاتی در گذشته اقتصاد ایران متوجه می شویم دولت ها در ایران، عموماً با چند رقم مالیات مشخص اداره می شدند. روندی که شاید حتی بتوان مدعی شد، جای خالی آن در نظام مالیاتی امروز ما خالی است. وقتی به کتب تاریخی و روایت موجود در آن مراجعه می کنیم، مشاهده می کنیم نظام مالیاتی جاری در ایران در برخی از برهه های تاریخی نظام مالیاتی مترقی بوده است. برای نمونه، در زمان ساسانیان، ایران از نظام مالیاتی نسبتاً پیشرفته ای برخوردار بوده است. به گونه ای که تمام زمین ها مساحی داشتند و کشاورزان بر اساس مساحی زمین

خود مالیات می پرداختند. روش مساحی نسبت به روش مقاسمه که روش قدیمی تری بود، بسیار پیشرفته تر بود. همین موضوع نشان می دهد، در آن دوران دولت بر میزان مساحت تمام زمین های کشاورزی در سراسر ایران واقف بوده است.

با در نمونه ای دیگر در زمان انوشیروان، بر هر واحد جریب (معادل ۲۴۰۰ مترمربع)، از حیوات یک درهم، تاکستان هشت درهم و یونجه هفت درهم، مالیات مقرر می شده است. از طرفی برای هر چهار نخل و شش درخت زیتون، یک درهم مالیات باید پرداخت می شد، اما سایر محصولات زراعتی و تک درختان میوه خارج از باغات، از پرداخت مالیات معاف بودند. این موضوع نیز نشان می دهد، اولاً محصولات و تولیدات مختلف با مالیات های متفاوتی مواجه بوده اند و ثانیاً نظام آماري نسبتاً به روز و پویایی وجود داشته است که می توانسته برای مورد به مورد اینها مالیات های

درس هایی از تاریخ

مشخص و مجزایی وضع کرده و مالیات های وضع شده را دریافت کند. با باز در همان مقطع تاریخی کلیه افراد ذکور بین ۲۰ تا ۵۰ سال مشمول پرداخت مالیات سرانه بوده اند و میزان آن نیز به نسبت درآمد سرانه افراد، بر اساس آمارهای تاریخی ۶ یا ۸ یا ۱۲ درهم بوده است. البته اعضای خانواده های هفت گانه: خانواده های سلطنتی، روحانیون، دیران، نظامیان، اداری، رؤسای اداری و افرادی که در خدمت شاه بودند، از پرداخت مالیات معاف بودند. «هیواتسنگ» مورخ چینی آن دوران، در این باره می گوید: «در ایران، هر خانواده، نظام مالیاتی در دوران ایلخانسان نیز یکی دیگر از دوران قابل بررسی است. در آن دوران، یک نظام مالیاتی به نام «تمغا» وجود داشت؛ یعنی مالیاتی حدود ۱۰ درصد سود، از صنعتگران شهری اخذ می شد که به دو صورت بود: اول، تمغای بازرگانی که میزان متعارف

آن ۱۰ درصد بود. دوم، تمغای متفرقه که میزان آن ۱۰ تا ۱۲ درصد بود. در نگاهی کلی، تمغا را مالیات بر درآمد شهرنشینان می دانستند که بخش عمده ای از درآمد ایلخانسان را به خود اختصاص می داد و همه تجار، بازرگانان و صنعتگران آن را می پرداختند. علاوه بر تمغا، مالیات دیگری نیز اخذ می شد که «قوبجور» نام داشت و با «جزیه» مترادف بود و آن را از پنج گروه پیران، رنجوران، معلولان، درویشان و کودکان نمی گرفتند.

باخواندن این اطلاعات اولین چیزی که به ذهن هر یک از ما خطور می کند، این است که وقتی دولت ها در آن دوران چنین قوانین مالیاتی وضع کرده و پرداخت مالیات با این دقت و شفافیت وجود داشته است، قطعاً دسترسی مناسبی نیز به اطلاعات کسب و کارها، فعالیت های اقتصادی و ثروت و درآمد خانوارها وجود داشته است.

عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز در گفت و گو با صبح صادق

ابر ثروتمندان در اولویت

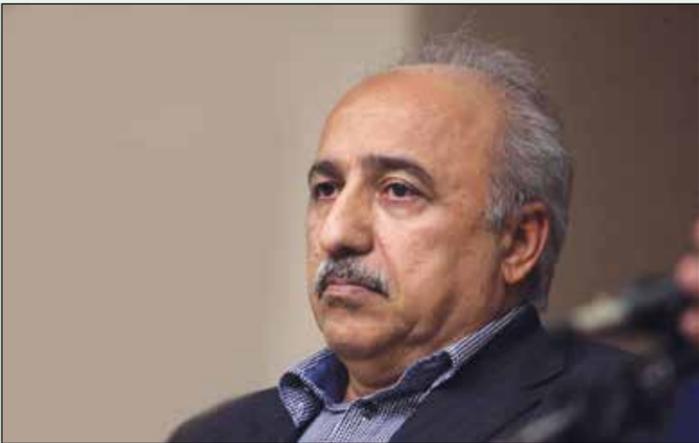
استفاده کنند تا رونق اقتصادی به قوت خود باقی بماند؛ از این رو دریافت مالیات موضوعی بسیار مهم در اقتصاد کشورهای توسعه یافته به شمار می رود.»

عضو هیئت علمی دانشگاه اهواز در خصوص مقاومت مردم در کشورهای نفت خیز در برابر پرداخت مالیات و دلایل آن به صبح صادق گفت: «به دلیل وجود ذخایر انرژی در ایران و بسیاری از کشورهای نفت خیز منطقه، در دهه های گذشته تا کنون مقاومت قابل توجهی در برابر پرداخت مالیات به دولت از سوی مردم وجود داشته است.

بیشتر مردم معتقدند در حالی که دولت درآمدهای نفتی دارد نباید از آنها مالیاتی بگیرد؛ چرا که نیازی به دریافت درآمدهای مالیاتی وجود ندارد؛ به همین دلیل است که در دولت های شبیه به ایران درصد درآمدهای مالیاتی نسبت به GDP عدد بسیار ناچیزی است.»

وی در این باره توضیح داد: «بسیاری از اعتراضاتی که مردم در دهه های اخیر به موضوع افزایش نرخ مالیات داشته اند، از این منظر بوده که آنها به درآمدهای دولت در بخش انرژی استناد می کنند. بنابراین، از قدیم الایام تا کنون معترض به پرداخت مالیات یا افزایش نرخ مالیات بوده اند و قدمت این مسئله در ایران را می توان به پیدایش و فروش نفت در کشور مرتبط دانست؛ اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این موضوع با استناد به عبور از درآمدهای نفتی مورد توجه حاکمیت قرار گرفت و گام هایی نیز در مسیر افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در اداره کشور برداشته شد.»

این تحلیلگر مسائل اقتصادی در خصوص اتکای مدیریت اقتصاد بر پایه درآمدهای مالیاتی گفت: «با وجود اینکه حکمرانسان و دولتمردان جمهوری اسلامی در دهه های گذشته بر موضوع اتکا نداشتن به درآمدهای نفتی تأکید داشته اند؛ اما به دلیل سهیل الوصول بودن درآمدهای نفتی بر موضوع اخذ مالیات به خصوص از دهک های بالای درآمدی و درآمدهای غیر ثابت و اتفاقی تمرکز چندانی وجود نداشته است. به این دلیل، جامعه ما به نحوی با موضوع پرداخت مالیات و به تبع آن اداره اقتصاد با اتکا به درآمدهای مالیاتی



مهیثم مهرپور، دبیر گروه اقتصاد

انتظار دریافت خدمات دارد. نمی توان بین خدماتی که در ایران و خدماتی که در کشورهای توسعه یافته به مردم ارائه می شود تفاوت قایل شد؛ زیرا در ازای مالیاتی که از مردم این کشور گرفته می شود و تأکید می شود سهم درآمدهای دولت در این کشور از مالیات مثلاً ۸۰ درصد است، باید به این نکته هم اشاره شود که خدمات دولت به مردم نیز سهم بالایی دارد، بنابراین در این مقایسه ها نباید قیاس مع الفارق کنیم، چرا که نقش خدمات دهی دولت ها با اخذ مالیات باید نسبت برابری داشته باشد.»

وی در این باره افزود: «در صورتی که کشورهای توسعه یافته در ازای مالیاتی که دریافت می کنند به مردم خدمات ندهند یا اعتراض های مردمی رویه رو می شوند، پس دولت ایران زمانی می تواند روی بحث اخذ مالیات از همه دهک های درآمدی تأکید کند که خود را برای ارائه خدمات مختلف و ایجاد رضایت عمومی در میان مردم آماده کرده باشد.»

وی در این باره افزود: «اصولاً دولت هایی که مانند کشورهای جهان سومی خدمات پایینی به شهروندان شان می دهند، نمی توانند انتظار داشته باشند مردم نیز مالیاتی شبیه کشورهای توسعه یافته به آنها بپردازند. نکته دیگر این است که مالیات پردازان انتظار دارند سلیقه های آنها در ارائه خدمات از سوی دولت رعایت شود. بنابراین قاعدتاً دولت باید سلیقه اکثریت مردم جامعه را در موضوعاتی که از دولت انتظار دارند رعایت و اعمال کند؛ در غیر این صورت افزایش پرداخت های مالیاتی بدون عدم ارائه خدمات متناسب به مردم نه تنها امکان پذیر نیست؛ بلکه ظلم بزرگی به مردم است که قطعاً با مخالفت های مردمی نیز رو به روی می شود.»

این استاد اقتصاد در خصوص عبور از درآمدهای نفتی در ایران گفت: «با تشدید تحریم ها و کاهش درآمدهای نفتی توجه بیشتری به اخذ مالیات شده است. دولت سیزدهم نیز با شعار گره زدن اقتصاد کشور به موضوع برجام درصدد است با افزایش درآمدهای مالیاتی، بخشی از درآمدهای خود را تأمین کند؛ اما افزایش مالیات در شرایط اقتصاد تورمی باید از دریافت مالیات فراربان مالیاتی و ابر بدهکاران و ابر ثروتمندان آغاز شود.»

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز ادامه داد: «متأسفانه به دلیل سوءتدبیر های گذشته ابر ثروتمندانی در ایران رشد کرده و متولد شده اند که در فضای عدم نظارت نه تنها مالیاتی پرداخت نکرده و نمی کنند؛ بلکه سهم بسیار زیادی از اقتصاد ایران دارند که باید مشمول پرداخت مالیات های بزرگی شوند. به نظر می رسد دولت باید اخذ مالیات را از ابر ثروتمندان و دارندگان سرمایه که مالیات نمی دهند شروع کند؛ چرا که فشار به کسب و کارهای خرد و کارمندانی که در ریافتی هایی زیر خط فقر دارند موثر واقع نمی شود و هدف دولت را محقق نمی کند.»

حقوق بگیران دو برابر مشاغل مالیات می‌دهند

علی مرزبان

خبرنگار



«مالیات» پولی است که دولت‌ها از شهروندان یک جامعه دریافت می‌کنند. درآمدی که البته باید برای توسعه و ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز برای فعالیت همان شهروندان هزینه شود؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت درآمدهای شهروندان از طریق فعالیت‌های مختلف اقتصادی مرهون پرداخت مالیات‌هاست؛ چرا که تا مالیاتی پرداخت نشود، توسعه‌ای نیز رخ نمی‌دهد و البته تا توسعه‌ای وجود نداشته باشد، مالیاتی نیز پرداخت نخواهد شد. با این حال، سهم درآمدهای مالیاتی از بودجه دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته آنقدر بالاست که وقتی این سهم با کشورهای، مانند ایران به عنوان کشوری نفتی مقایسه می‌شود، نتایج به دست آمده قابل مقایسه نیست. از اواخر دهه ۸۰ تحولاتی در حوزه نظام مالیاتی در ایران آغاز شد که البته سرعت آن بسیار اندک و کند بود. با روی کار آمدن دولت سیزدهم، عزم دولت و سازمان امور مالیاتی برای اصلاحات و ایجاد تغییراتی در نظام مالیاتی کشور جزم شده است. صبح صادق در گفت‌وگویی با دکتر مهدی موحدی بک نظر، رئیس مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی مالیاتی سازمان امور مالیاتی و عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد اقدامات دولت سیزدهم در حوزه مالیات‌ها را بررسی کرده است.



هستیم که برخی از صاحبان مشاغل به خریداران می‌گویند کارت نکشید و مثلاً کارت به کارت کنید یا پول خرید را از طریق نرم‌افزاری خاص و... پرداخت کنید. در واقع فروشندگان عملاً از استفاده از دستگاه POS ابا دارند. سازمان امور مالیاتی باید این موضوع را اعلام کند که برای سال بعد اطلاعات حاصل از کارت به کارت، انواع حواله کردها، ساتنا، پایا، شتاب و کلیه اطلاعات شاپرکی که ناظر به تراکنش‌های ثبت شده در یک حساب بانکی است، مبنای فروش خواهد بود. لذا استفاده نکردن از دستگاه POS صرفاً نمی‌تواند محلی برای فرار مالیاتی باشد.

چه اقداماتی باید انجام داد تا اصناف در راستای پرداخت مالیات‌شان توجیه باشند و برای سال‌های آینده تشویق در این حوزه میان دولت و اصناف ایجاد نشود؟

همه این عوامل، به بنیان‌ها یا زیرساخت‌های اطلاعاتی برمی‌گردد که در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار می‌گیرد. وضعیت کلان نظام مالیاتی ما امروز به گونه‌ای است که وقتی این اطلاعات به میدان می‌آید، شرایط بسیار بهتر و پذیرش آن راحت‌تر خواهد بود. اطلاعات دستگاه‌های POS یا ساماندهی این دستگاه‌ها حاکی از این است که مشاغل و اصناف باید آگاه باشند که این دستگاه‌ها می‌توانند اطلاعاتی را در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار دهند. علاوه بر این موضوع، همه تلاش ما باید در این راستا باشد که با انجام شفاف‌سازی و به اصطلاح ارائه آموزش‌های لازم در عرصه عمومی و فرهنگ‌سازی بتوانیم در یک رابطه سالم و مبتنی بر حقیقت اطلاعاتی بین سازمان امور مالیاتی و سودی وارد و بدل کنیم تا بنیان وصول مالیات حقه صاحبان مشاغل به گونه‌ای باشد که مبتنی بر آن مالیات خودشان را پرداخت کنند. البته این موضوع و تحقق آن نیازمند تلاش عمومی رسانه‌هاست؛ چرا که هرچقدر آگاهی بخشی صحیح‌تر، زودتر و واضح‌تر صورت بگیرد، بخش قابل توجهی از این سوءتفاهم‌ها نیز حل خواهد شد.

در این باره ذکر می‌کردند که خیلی جالب بود. برای نمونه، فردی سال گذشته ۳ میلیون تومان مالیات داده بود؛ اما امسال سرجمع بستنکاری حساب متصل به دستگاه POS او حدود ۸۰ میلیارد تومان بوده است. خوب، این اعداد هیچ انطباق یا تناسبی با هم ندارند. این مسئله حاکی از این است که به واسطه فقدان اطلاعاتی که ماطی سال‌های گذشته در سازمان امور مالیاتی داشته‌ایم، مالیات واقعی و حقیقی از بسیاری از صاحبان مشاغل دریافت نشده است. اما خوب قرار بر این است که تغییراتی صورت گیرد. البته مالیاتی که قرار است دریافت شود نباید غیرمنصفانه و به دور از دسترس باشد. برای نمونه، فرض کنید قواعدی که برای اجرای تبصره ۱۰۰ صورت گرفته، این است که اگر مثلاً اطلاعات فروش برای واحدی کمتر از یک میلیارد تومان باشد، این فرد حداکثر سه برابر مالیات سال قبلش را تا سقف ۵ میلیون تومان پرداخت کند، یعنی سازمان امور مالیاتی یکسری قواعد را برای پرداخت مالیات قرار داده تا اجحافی به صاحبان مشاغل صورت نگیرد و به مشاغل کمک شود تا حداقل تصورشان از نحوه تعیین مالیات اصلاح شود. مثلاً کسانی که اطلاعات ثبت شده تراکنش‌های‌شان در دستگاه‌های POS بین یک تا ۳ میلیارد تومان باشد، حداکثر سه برابر مالیات سال گذشته تا سقف ۱۰ میلیون تومان پرداخت کنند. کسانی که از ۳ میلیارد تا ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان فروش داشته باشند نیز حداکثر سه برابر سال گذشته تا سقف ۱۵ میلیون تومان مالیات پرداخت خواهند کرد و... لذا تا حد امکان سعی شده است با مودیان صاحبان مشاغل همراهی شود.

آنچه شما می‌گویید تنها برای تراکنش‌های دستگاه POS است؛ در حالی که فروش یا درآمد صاحبان مشاغل فقط از طریق تراکنش این دستگاه‌ها نیست و ممکن است از طرق دیگری رخ دهد. فکری به حال این موضوع نیز شده است؟

بله، همان‌طور که گفتیم ما با این موضوع مواجه

نسبتی ضرب می‌شده و برای سال بعد عددی متناسب با مالیات دریافتی در سال گذشته تعریف می‌شده است. یعنی تعیین مالیات برای صاحبان مشاغل در یک رابطه بین مودی و ممیز و آن هم بدون هیچ گونه اطلاعاتی به نتیجه می‌رسیده است؛ اما این روند امسال تفاوت کرده است. حتی بر اساس یکی از احکام بودجه‌ای در تبصره ۱۲ باید اطلاعات مربوط به حساب دستگاه POS شما همان حساب فروش باشد؛ یعنی تمام اطلاعات کارت به کارت، حواله‌هایی که به حساب فروش شما واریز می‌شود و... حاکی از میزان فروش شماست. البته سازمان مالیاتی یک پله از این موضوع پایین‌تر آمد و امسال اعلام کرد، اطلاعات موجود از تراکنش‌های ثبت شده در دستگاه پرداخت یا همان POS شما حاکی از فروش شماست. لذا امسال برای اولین بار، یک سری اطلاعات در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار گرفته و به اصطلاح دست سازمان مالیاتی از جهت اطلاعاتی پر شده است. خوب در این وضعیت، وقتی یکی از صاحبان مشاغلی که طی سال‌های گذشته ۵۰۰ هزار تومان مالیات می‌داده است، یکبار امسال مالیاتش بر اساس اطلاعات دستگاه POS مثلاً ۸۰ میلیون تومان شده است؛ خوب اعتراض می‌کند. اطلاعات موجود در دستگاه POS ما حاصل اطلاعات ناشی از فروش آن صاحب شغل است که سازمان امور مالیاتی نیز موظف است آن را اجرایی کرده و بر اساس آن مالیات دریافت کند؛ اما صاحبان مشاغل تصور می‌کردند امسال نیز طبق سنوات گذشته قرار است بر اساس یک توافق نانوشته، افزایش مشخصی در میزان مالیات پرداختی آنها ایجاد شود. این در حالی است که سازمان مالیاتی بر اساس اطلاعات فروشی که در اختیار داشت اقدام به تعیین میزان پرداختی مالیات برای صاحبان مشاغل کرد که این موضوع منجر به اعتراضاتی هم شد.

نمونه یا مصداقی از این اعتراض‌ها دارید؟

برای نمونه، وقتی با برخی از مسئولان و مدیران امور مالیاتی تهران صحبت می‌کردم، مثال‌هایی را

میلیون مالیات صاحبان مشاغل مقایسه می‌کنیم، مشخص می‌شود که حقوق‌بگیران به صورت میانگین مالیات بیشتری نسبت به صاحبان مشاغل پرداخت می‌کنند. نکته دوم مسئله توزیع آن است. آیا وقتی می‌گوییم میانگین، یعنی همه صاحبان مشاغل سالیانه حدود ۵ میلیون تومان مالیات داده‌اند؟

طبیعتاً این طور نیست و میانگین پرداختی ۵ میلیون تومان بوده است. ممکن است فردی یک میلیون تومان و دیگری ۱۰۰ میلیون تومان مالیات بدهد. لطفاً اگر آمار در این زمینه دارید بفرمایید؟

با سیاست‌هایی که سازمان امور مالیاتی برای تعیین مالیات مقطوع در سال جاری اتخاذ کرده است، پذیرش می‌کند که به عنوان اظهارنامه صفر برای برخی از مودیان تعیین کرده‌ایم، حدود یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر بوده است؛ یعنی حدود ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر هیچ مالیاتی پرداخت نکرده‌اند و مالیات‌شان صفر بوده است. حدود ۸۰ درصد مودیان مالیاتی نیز زیر ۵ میلیون تومان پرداخت می‌کنند و حدود ۴۰۰ هزار مودی مالیاتی صاحب شغل نیز عددی بین ۵ تا ۲۰ میلیون تومان مالیات پرداخت می‌کنند. حدود ۱۰۰ هزار نفر نیز هستند که بیش از ۲۰ میلیون تومان مالیات پرداخت می‌کنند؛ یعنی اگر به توزیع پرداخت مالیات‌ها نیز دقت کنیم، نشان می‌دهد سازمان مالیاتی تا جای ممکن انصاف و عدالت را رعایت کرده است.

پس چرا در سال جاری برای تغییراتی که در دریافت مالیات از اصناف و صاحبان مشاغل صورت گرفت، شاهد اعتراضاتی بودیم؟

شاید این اعتراض‌ها به سابقه موجود باز می‌گردد؛ یعنی فرض کنید صاحب شغل و درآمد ما، طی سالیان گذشته مبلغ مشخصی را در سال مالیات می‌داده است. بعد برای سال بعد یک توافق نانوشته‌ای وجود داشته و چون اطلاعاتی در اختیار سازمان امور مالیاتی نبوده، این عدد در

معروف است که حقوق‌بگیران همواره قبل از اینکه حقوق خود را بگیرند، مالیات آن را می‌پردازند؛ اما این پرداخت مالیات در سایر اقشار وجود ندارد. دولت‌ها نیز عموماً افزایش درآمدهای مالیاتی خود را از این محل جبران می‌کنند. سازمان امور مالیاتی در سال جاری به سمت اصلاح دریافت مالیات از صاحبان مشاغل رفته است. به نظر تان وضعیت پرداخت مالیات در حقوق‌بگیران و صاحبان مشاغل چگونه است؟

واقعیت امر این است که اگر بخواهیم با رویکرد جدیدی که در سازمان امور مالیاتی ایجاد شده، این مسئله را بررسی کنیم، باید چند ملاحظه را در نظر بگیریم. اول اینکه نگاهی به گذشته داشته باشیم و اینکه وضعیت ما در گذشته به چه شکلی بوده است؟ اگر به عملکرد سال گذشته مان نگاه بیندازیم، متوجه می‌شویم صاحبان مشاغل ما از ۳۰۶ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی که سازمان امور مالیاتی کشور تلاش داشته تا آن را وصول کند، سهمی حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان داشته است که طبیعتاً نسبت بسیار کمی است. این در حالی است که حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار اظهارنامه مالیاتی از سوی صاحبان مشاغل ثبت شده است؛ یعنی اگر این ۱۷ هزار میلیارد تومان را بر این ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار اظهارنامه صاحب مشاغل تقسیم کنیم، تقریباً عدد ۵ میلیون تومان به دست می‌آید؛ یعنی می‌توان گفت به صورت میانگین هر صاحب شغلی در ایران سالیانه رقمی حدود ۵ میلیون تومان مالیات پرداخت می‌کند. حالا اجازه بدهید این عدد را با مالیات پرداختی حقوق‌بگیران دولتی مقایسه کنیم. حقوق‌بگیران دولتی در سال گذشته حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان مالیات پرداخت کردند که اگر این عدد را بر ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار حقوق‌بگیر دولتی تقسیم کنیم، تقریباً عدد ۹ میلیون تومان به دست می‌آید؛ یعنی هر کارمند دولت به طور متوسط حدود ۹ میلیون تومان مالیات به دولت می‌پردازد. وقتی این ۹ میلیون تومان را با ۵

مشاوره سیاه

بررسی چرایی حساب ویژه کاخ سفید بر اعتراضات صنفی

پیش درآمد

دشمن به دنبال دوگانه‌سازی مردم و نظام است

اکبر معصومی

دبیر گروه پرونده



ایالات متحده آمریکا در آذر ۱۳۵۸ حضور نظامی خود را در منطقه استراتژیک خلیج فارس شروع کرد. رسانه‌های وابسته به محور شیطان‌ی عبّری-عربی هدف آمریکا از حضور غیرقانونی و نامشروع در خلیج فارس را محاصره اقتصادی ایران مطرح کردند. در واقع، پس از آن اتفاق بود که دورویکرد نظامی با اولویت نخست و رویکرد اقتصادی به عنوان محور دشمنی آمریکا با ایران مطرح شد.

دورویکردی که ایالات متحده آمریکا از طرق مختلف آن را پیش برد و در آخر هم هیچ نتیجه‌ای نگرفت. محاصره اقتصادی که در قالب تحریم مطرح بود، در طول چهار دهه نه تنها هیچ نفعی برای غرب نداشت، بلکه در بسیاری از جهات، سلاح تحریم نزد جهانیان نیز بی اعتبار شده است. اگرچه همچنان تحریم ادامه دارد؛ اما نحوه اثرگذاری آن بر جمهوری اسلامی ایران تغییر کرده است.

به بیان بهتر، ایالات متحده آمریکا برای پیشبرد راهبرد خود نسبت به نظام اسلامی، تغییر تاکتیک داده و با رویکرد «مهار از داخل» به سمت جنگ با ایران رفته است. غرب با راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای بی‌شمار و در پیش گرفتن سیاست «ابهام‌افکنی» و «دروغ‌پرانی» به دنبال بی‌هویت‌سازی انقلاب اسلامی نزد افکار عمومی است. مطرح شدن روزانه صدها دروغ از طریق رسانه‌های محور عربی-عبری غربی و نشر حداکثری آن از طریق فضای مجازی به این دلیل است که اولاً جریان تحریف را تقویت کند و ثانیاً اعتماد مردم به نظام اسلامی را کاهش دهد.

استفاده از ایرانیان خائن برای پیشبرد جداسازی مردم از نظام هم، از جمله ترفندهای غرب به شمار می‌آید که البته در این زمینه به موفقیتی نرسیده‌اند. بنابراین، در وضعیت فعلی پیش زمینه اثرگذاری تمام خصومت‌های آمریکا، تلاش برای اثرگذاری در باور و ادراک ایرانیان است که هزینه میلیارد دلاری در این زمینه صرف می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران در این بازی هوشمند باید تدابیر هوشمندی را اتخاذ کند و با آگاه‌سازی جامعه نسبت به اهداف رسانه دشمن، اجازه پیشبرد رویکرد «دوگانه‌سازی مردم-نظام» را به دشمن ندهد. تقویت رسانه‌های کشور، افزایش سواد رسانه‌ای جامعه و مدیریت و پاکسازی فضای مجازی کشور از عناصر ضد انقلاب بخشی از رویکرد آفتندی است که می‌تواند ارتباط مردم-نظام را بیش از پیش تقویت کند.

فؤاد ایزدی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

در گفت‌وگوبا صبح صادق مطرح کرد

دشمنی با ایران هزینه‌بر و بی‌فایده

داده نمی‌شود، افزود: «اگر این افراد واقعیت‌ها را که در ایران رخ می‌دهد، می‌گفتند، بدیهی است هیچ استفاده‌ای از آنها نمی‌شد. همانطور که از کارشناسان خود آمریکا وقتی حقایقی را درباره ایران بیان می‌کنند، استقبال نمی‌شود.»

ایزدی تعیین مقاصد سیاسی آمریکا را متأثر از تصمیمات صهیونیست دانست و گفت: «اصولاً مقاصد سیاسی در ایالات متحده آمریکا متأثر از افشار ثروتمند آن است و چون افشار ثروتمند آمریکا را صهیونیست‌ها تشکیل می‌دهند، سیاست‌های آمریکا متأثر از آنهاست. صهیونیست‌ها علیه ایران هزینه‌های زیادی می‌کنند، ولی سیاستمداری که متناسب با نفوذ صهیونیست‌ها اقدام می‌کند، علناً افشانی‌کننده‌ی بابت تصویب قانونی علیه ایران پولی دریافت کرده است. جلسه استماعی در کنگره برگزار می‌کند و با دعوت از برخی از این اشخاص حرف‌هایی را که مخاطب می‌پسندد، می‌زند و در ادامه با ژست کارشناسی به این معنا که ما مشورت گرفته‌ایم، فعالیت‌های ضد ایرانی خودشان را توجیه و پیگیری می‌کنند.»

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با اشاره به اینکه راهی به جز استفاده از این اشخاص برای آمریکا هست، اظهار داشت: «آمریکا می‌تواند واقعیت‌های ایران را همانگونه که هست بازتاب دهد، شکل‌های شکست‌خورده را ادامه ندهد، به دشمنی خود با ایران خاتمه دهد؛ منتها همانطور که گفته شد، به دلیل آنکه سیاست‌های ایالات متحده آمریکا را قشر ثروتمند این کشور، یعنی

ملیحه زرین‌پور

خبرنگار



ایزدی با بیان اینکه مشورت گرفتن آمریکا از ضد انقلاب‌ها و سلطنت‌طلبان خیانت به جمهوری اسلامی ایران و خود آمریکاست، تصریح کرد: «برای آمریکا بهتر بود بعد از فروپاشی رژیم پهلوی در ایران، سیاست‌های خود را اصلاح می‌کرد و در حمایت خودش از رژیم پهلوی درس عبرت می‌گرفت و خلاف آن را تجربه می‌کرد؛ همچنین با مردم جمهوری اسلامی ایران آشنی کرده و روابط خود را با ایران عادی می‌کرد؛ منتها به جای انجام این اقدامات به سمت تقابل و تحریم و حمایت از صدام و فشار

حداکثری به جمهوری اسلامی ایران منتهی شد.» عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تصریح کرد: «اقدامات ضد ایرانی آمریکا علاوه بر اینکه برای جمهوری اسلامی ایران و مردم ایران ضرر داشته، برای منافع آمریکا نیز خطر آفرین بوده است. دعوی با جمهوری اسلامی ایران؛ هم در خود ایران و هم در منطقه هزینه دارد و ایالات متحده آمریکا این هزینه‌ها را می‌پردازد و سودی هم نمی‌برد.»

ایزدی در پایان با بیان اینکه مشاوران ضد انقلاب ایرانی در تعیین سیاست‌های کلی نظام آمریکا تأثیرگذار نیستند، گفت: «این مشاوران در توجیه سیاست ضد ایرانی نقش آفرینی می‌کنند. وقتی قرار است سیاست ضد ایرانی اجرا شود، ایالات متحده آمریکا برای اینکه ظاهر کارشناسی به اقدامات خود دهد، از مشاوران ایرانی که حاضرند به کشور خود خیانت کنند، استفاده ابزاری می‌کند و از این سبک و روش برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌گیرد.»

صهیونیست‌ها تشکیل می‌دهد، نمی‌تواند از ادامه روند جلوگیری کند با وجود اینکه پایان دادن به دشمنی با جمهوری اسلامی ایران و مردم ایران به نفع خود ایالات متحده آمریکاست. البته این تغییر رویه به نفع صهیونیست‌ها نیست؛ ولی برقراری روابط عادی با جمهوری اسلامی ایران به نفع آمریکا نیز هست؛ منتهی چون نمی‌خواهد این کار را انجام دهد به سمت چهره‌های این چنینی می‌رود که هم به کشور خودشان (ایران) ضربه می‌زنند هم به کشور آمریکا.»

کارشناس مسائل بین‌المللی با بیان اینکه محور تصمیم‌گیری آمریکا پیروی از خواسته صهیونیست‌هاست، افزود: «افرادى که در نقش مشاور وارد عمل می‌شوند، وظیفه دارند در راستای اهداف ضد ایرانی صهیونیست‌ها اقدام کنند.»

این تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به اینکه آمریکا به افرادی که در پیشبرد اهداف صهیونیستی آمریکا عمل می‌کنند، مزیت‌های زیادی می‌دهد، اظهار داشت: «کمتر فردی پیدا می‌شود که به کشور و مردم کشور خود خیانت کند؛ لذا آنها در ازای خیانت به کشور خود هدایایی هم می‌دهند. هیچ کس به این راحتی و مجانی به کشور و مردم خود خیانت نمی‌کند، افراد زیادی در این موقعیت قرار می‌گیرند که با مزیت‌ها و پاداش‌هایی به کشور خود خیانت کنند که قبول نمی‌کنند؛ ولی هستند افرادی که به راحتی به کشور خود خیانت می‌کنند. برای همین آمریکا مجبور است برای رسیدن به اهداف صهیونیستی خود این هزینه‌ها را بپردازد.»

بررسی زبان مالی آمریکا در پی مشاوره خائنان به ایران به روایت عطا بهرامی کارشناس اقتصاد

خسارت ۱۰ تریلیون دلاری

چون از استحکام نظام جمهوری اسلامی و نادانی طیف مخالف عقب‌افتاده شناختی ندارد، مخالفان و مشاوره‌های آنها را جدی گرفته و در دشمنی با ایران خود را در معرض آسیب‌های مختلفی قرار داده است.»

عطا بهرامی درباره خسارت تحریم نفت ایران و اثرات بین‌المللی این موضوع گفت: «یکی از ضد راهکارهایی که از طرف مشاوران نادان به آمریکایی‌ها داده شد، تحریم نفت و گاز ایران است؛ تحریمی که در اقتصاد ایران چندان مؤثر نبود. به یقین اگر دولت روحانی اراده جدی برای این موضوع داشت، ما نیز مانند روسیه که توانست با سیاست‌گذاری‌های درست تحریم‌های آمریکا را خنثی کند، از این معرکه به سرعت خارج می‌شدیم و ایران هم به این نقطه می‌رسید.» وی در این باره توضیح داد: «تحریم نفت ایران و روسیه منجر به افزایش قیمت انرژی در آمریکا و اروپا شده است؛ به گونه‌ای که مردم این کشورها به افزایش قیمت‌ها معترض شده‌اند؛ چرا که ماهیانه باید ۳۰۰ یورو هزینه بنزین بدهند. به همین نسبت قیمت برق و خدمات رفاهی در اروپا و آمریکا بالا رفته و صدای مردم را درآورده است. پس تحریم‌ها و مشاوره‌هایی که می‌گفت مردم ایران را برای سقوط نظام جمهوری اسلامی تحریم کنید، دستاوردی نداشته است.»

استاد اقتصاد به مشاوره‌های غلطی که به افزایش قیمت انرژی منتهی شد، اشاره کرد و گفت: «اگر آمریکایی‌ها مشاوره‌های غلط را باور نمی‌کردند، الان قیمت هر بشکه نفت حدود چهل دلار بود و به نفع اقتصادی کشور‌های جهانی بود؛ کما اینکه مانع از هم پاشیده شدن نظم آمریکایی می‌شد؛ اما امروز غربی‌ها به دلیل دنباله‌روی از مشاوره‌های غلط مستهکم شده‌اند و پس از چهل سال کلنجار رفتن بسا ایران و تنش‌زایی با ایران در حالی از خاورمیانه به سمت چین می‌روند که پرونده خاورمیانه را دو دستی تقدیم ایران کردند و در این پرونده کمترین عایدی و موفقیتی نداشتند.»

احمد رجبی

خبرنگار

به گزارش صبح صادق، «عطا بهرامی» کارشناس اقتصاد و استاد دانشگاه با تأکید بر صحیح بودن بیانات رهبر معظم انقلاب درباره مشاوره دادن‌های غلط دشمنان ملت ایران در داخل و خارج از کشور و تأثیر این موضوع بر روابط دنیای غرب با ایران گفت: «مسئله‌ای که رهبر معظم انقلاب از دادن آدرس غلط به غربی‌ها از سوی برخی از مخالفان داخلی و خارج‌نشین به آمریکایی‌ها و سران کشورهای غربی مطرح کردند، از نظر اشتباه بودن تحلیل‌های آنها درباره سرنوشت جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که مخالفان ملت و نظام اسلامی سال‌هاست اینگونه به غربی‌ها مشاوره می‌دهند که گویی ایران ماه آینده سقوط می‌کند.» وی در این باره خاطر نشان کرد: «وعده سقوط ایران از سوی مشاوران غربی و دشمنان ملت ایران مدام در حال تکرار است؛ در حالی که این موضوع برای غرب نه تنها دستاوردی نداشته، بلکه فرصت برقراری ارتباطات و تعاملات سیاسی و اقتصادی مفید با ایران را از آنها گرفته و کنش‌های منطقه‌ای آنها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.»

بهرامی در این باره تصریح کرد: «اگر آمریکایی‌ها می‌دانستند نظام جمهوری اسلامی ایران سقوط نمی‌کند، ممکن بود به دنبال ایجاد بلوا در سوریه و عراق نبودند و تسا به امروز بابت دخالت‌های منطقه‌ای ۱۰ تریلیون دلار هزینه نمی‌کردند. آنها با این سرمایه می‌توانستند مشکلات داخلی کشور خود را حل و فصل کنند.» عطا بهرامی افزود: «اگر آمریکایی‌ها می‌دانستند مشاوران آنها در ایران یا در خارج از کشور درباره بقای جمهوری اسلامی اطلاعات غلطی به آنها می‌دهند، قطعاً در عراق ۷ تریلیون دلار هزینه نمی‌کردند و امروز ایران در سوریه و عراق حضور نداشت.» طرف غربی و آمریکایی

نگاهی به ضرورت جهاد تبیین

در برابر جنگ ترکیبی دشمنان ملت ایران

طرح سه ضلعی

زمان جنگ سرد نقش برنامه‌ریزی برای تبلیغ و تخریب رسانه‌ای شوروی را بر عهده داشت و اکنون برای کشورهای غیر همسو با غرب، همچون چین، روسیه و ایران طرح‌ریزی می‌کند. پالمیر با تمرکزی که بر پرونده ایران دارد، با اذعان به اینکه جنگ نظامی علیه تهران، نه امکان‌پذیر است و نه اثربخش خواهد بود، تئوری «تغییر صلح‌آمیز حکومت در ایران» را مطرح کرده و طی گزارشی در سال ۲۰۰۴، پانزده راهکار که محور اکثر آنها را جنگ نرم تبلیغاتی تشکیل می‌دهد، برای تغییر نظام حاکمیتی ایران از درون پیشنهاد داده است؛ راهکارهایی که هم اکنون نیز از سوی دولت آمریکا و متحدان آن نیز در حال اجراست.

برخی از راهکارهایی که پالمیر در گزارش خود برای تغییر «صلح‌آمیز» نظام حاکمیتی ایران مطرح کرده، عبارتند از: «بهره گرفتن از ضعف‌های اقتصادی و اختلافات درونی در ایران، دامن زدن به نافرمانی‌های مدنی در تشکل‌های دانشجویی و نهادهای غیردولتی، تأسیس شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برای مخاطبان ایرانی، حمایت از مخالفان ایران و فرستادن افرادی در قالب جهانگرد برای پیوستن به نافرمانی‌های مدنی، تسهیل فعالیت NGOها در داخل ایران، دعوت از جوانان ایرانی برای حضور در سمینارهای کوچک و...».

نکته پایانی

بخش عمده‌ای از این روش‌های جنگ غیرنظامی- یا به تعبیر پالمیر «صلح‌آمیز»- با هدف اثر گذاشتن بر اندیشه‌ها، نظام باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک تفکر عموم مردم، یعنی دستگاه شناخت آنها طراحی شده است؛ اثرگذاری در شناخت نه از طریق ایجاد تغییرات مبتنی بر واقعیت، بلکه از طریق تحریف واقعیت و کاشتن نوعی شبه‌تفکر به جای تفکر واقعی و اصیل.

اکبر کریمی

کارشناس سیاسی



امروزه، به دلیل پرهزینه بودن جنگ مستقیم نظامی، جنگ شناختی به منزله یکی از زیرشاخه‌های عملیات روانی، یکی از اصلی‌ترین حوزه‌هایی است که کشورهای غربی از آن برای در هم شکستن روحیه و اراده کشورهای مستقل استفاده می‌کنند.

به منظور بررسی میزان فعالیت دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران، کافی است بررسی مختصری درباره برنامه‌های ۳۰۰ ماهواره تلویزیونی فعال در دنیا داشته باشیم؛ از این تعداد، حدود ۱۱۶ ماهواره فضایی ایران را پوشش می‌دهند و شگفت‌آور اینکه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی به بیش از ۲۶۰ کانال می‌رسد؛ میزان تولید محتوایی که در نوع خود بی‌سابقه است و برای هیچ زبان و ملت دیگری در این حد برنامه و زیرساخت در نظر گرفته نشده است. با پیشرفت فناوری، شبکه‌های اجتماعی و بستر اینترنت نیز در خدمت دشمن علیه ملت ایران قرار گرفته است.

هدف نهایی نظام سلطه در جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، ایجاد نافرمانی مدنی منجر به براندازی نظام در کشور است. دشمن در این مسیر به دنبال ایجاد شکاف بین ملت و دولت است تا دست حاکمیت در بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی خود در پیشبرد اهداف و برنامه‌ها و همراهی جامعه با آن کوتاه بماند. سه ضلع طراحی هجوم دشمن در مقطع فعلی را ایجاد فضای انفجاری مبتنی بر نارضایتی، فشارهای بین‌المللی و کشاندن کانون‌های مسئله‌ساز به کوچه و خیابان می‌توان برشمرد. «مارک پالمیر» یکی از تئوری‌پردازان «کمیتة خطرات فعلی» است. این کمیتة در

خبرنگار

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نحوه و شکل توطئه غرب علیه کشور ما تغییر کرده است. آمریکایی‌ها دیگر نتوانستند به شکل آشکار، مانند ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با ایجاد یک کودتا، بر کشور ما مسلط شوند یا لویاجی، چون کاپیتولاسیون را علیه ملت ایران روا دارند، اما تا همین امروز هم از توطئه‌های خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران دست برنداشته‌اند و همواره به دنبال فضاسازی در کشور ما هستند تا به نحوی آب را به نفع خود گل آلود کنند. بیش از چهار دهه از عمر انقلاب می‌گذرد؛ اما دشمنان قسم خورده این مرز و بوم در هر دهه از آن دست از جنایت برداشته و علاوه بر ترور گسترده شخصیت‌های مهم و برجسته علمی و سیاسی، به دنبال ایجاد فضایی ناآرام و افزایش تنش در کشور بوده‌اند. علاوه بر جنایات منافقین در دهه ۶۰، حمایت جهان غرب از دولت بعث صدام حسین در هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران نیز نمونه بارز دشمنی‌ها علیه این مرز و بوم است که رشادت‌های غیورمردان این سرزمین، هم دست امثال رجوی را از کشور قطع کرد و هم مانع از دست دادن حتی یک وجب خاک ایران شد. با این همه دشمنان لحظه‌ای از توطئه‌های خود دست نکشیدند. در دهه هفتاد، در حالی که کشورمان سال‌های سخت جنگ را پشت سر گذاشته بود، با روی کار آمدن دولت هفتم بسیاری از فتنه‌ها در کشور پایه‌ریزی شد. البته در آن زمان شعارهای عوام‌فریبانه رئیس دولت اصلاحات، جو کشور را به سمتی برده بود که اولاً با حمایت ۸۰ درصدی مردم روی کار آمد؛ ثانیاً شعارهایی چون جامعه مدنی، قانون‌گرایی، توسعه سیاسی و نهادینه کردن آزادی قدرت این را داشت که پس از دوران جنگ، انگیزه رسیدن به ایده‌آل‌های سیاسی را میان مردم زنده کند. بنابراین کسی گمان نمی‌کرد روزی این ایده‌آل‌سازی‌های سیاسی به بستری پر آشوب در کشور تبدیل شود.

البته دیری نپایید که پس از انتخابات دوم خرداد، بلوای کوی دانشگاه به پا شد. البته سرور تاریخ حکایت از این دارد که غائله ۱۸ تیر ۱۳۷۸، یک شبه رخ نداد؛ بلکه حاصل برنامه‌های بلندمدت دشمنان نظام-در داخل و خارج-بود. با اتکا به مرکز اسناد انقلاب اسلامی می‌توان دریافت که یکی از نشانه‌های نقش دشمنان خارجی در سناریوسازی فتنه ۱۸ تیر، اطلاع آنها از آشوب‌های سال ۱۳۷۸، یک سال قبل از وقوع حادثه کوی دانشگاه بود. تکاپوهای مراکز دشمنی با ملت ایران، برای طرح‌ریزی غائله ۱۸ تیر، یک سال قبل از این غائله آغاز شد. دشمنان در خارج و دست‌نشانندگان آنها در داخل، در پیام‌ها، مصاحبه‌های مطبوعاتی و سخنرانی‌های خود از «وقوع یک حادثه که می‌تواند منجر به فروپاشی نظام ایران شود»، خبر می‌دادند. چنین روندی ناظر بر برنامه‌ریزی، طرحی و سناریوسازی دشمنان‌خارجی

انسیه ربیعی

خبرنگار

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نحوه و شکل توطئه غرب علیه کشور ما تغییر کرده است. آمریکایی‌ها دیگر نتوانستند به شکل آشکار، مانند ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ با ایجاد یک کودتا، بر کشور ما مسلط شوند یا لویاجی، چون کاپیتولاسیون را علیه ملت ایران روا دارند، اما تا همین امروز هم از توطئه‌های خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران دست برنداشته‌اند و همواره به دنبال فضاسازی در کشور ما هستند تا به نحوی آب را به نفع خود گل آلود کنند. بیش از چهار دهه از عمر انقلاب می‌گذرد؛ اما دشمنان قسم خورده این مرز و بوم در هر دهه از آن دست از جنایت برداشته و علاوه بر ترور گسترده شخصیت‌های مهم و برجسته علمی و سیاسی، به دنبال ایجاد فضایی ناآرام و افزایش تنش در کشور بوده‌اند. علاوه بر جنایات منافقین در دهه ۶۰، حمایت جهان غرب از دولت بعث صدام حسین در هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران نیز نمونه بارز دشمنی‌ها علیه این مرز و بوم است که رشادت‌های غیورمردان این سرزمین، هم دست امثال رجوی را از کشور قطع کرد و هم مانع از دست دادن حتی یک وجب خاک ایران شد. با این همه دشمنان لحظه‌ای از توطئه‌های خود دست نکشیدند. در دهه هفتاد، در حالی که کشورمان سال‌های سخت جنگ را پشت سر گذاشته بود، با روی کار آمدن دولت هفتم بسیاری از فتنه‌ها در کشور پایه‌ریزی شد. البته در آن زمان شعارهای عوام‌فریبانه رئیس دولت اصلاحات، جو کشور را به سمتی برده بود که اولاً با حمایت ۸۰ درصدی مردم روی کار آمد؛ ثانیاً شعارهایی چون جامعه مدنی، قانون‌گرایی، توسعه سیاسی و نهادینه کردن آزادی قدرت این را داشت که پس از دوران جنگ، انگیزه رسیدن به ایده‌آل‌های سیاسی را میان مردم زنده کند. بنابراین کسی گمان نمی‌کرد روزی این ایده‌آل‌سازی‌های سیاسی به بستری پر آشوب در کشور تبدیل شود.

غائله کوی دانشگاه

البته دیری نپایید که پس از انتخابات دوم خرداد، بلوای کوی دانشگاه به پا شد. البته سرور تاریخ حکایت از این دارد که غائله ۱۸ تیر ۱۳۷۸، یک شبه رخ نداد؛ بلکه حاصل برنامه‌های بلندمدت دشمنان نظام-در داخل و خارج-بود. با اتکا به مرکز اسناد انقلاب اسلامی می‌توان دریافت که یکی از نشانه‌های نقش دشمنان خارجی در سناریوسازی فتنه ۱۸ تیر، اطلاع آنها از آشوب‌های سال ۱۳۷۸، یک سال قبل از وقوع حادثه کوی دانشگاه بود. تکاپوهای مراکز دشمنی با ملت ایران، برای طرح‌ریزی غائله ۱۸ تیر، یک سال قبل از این غائله آغاز شد. دشمنان در خارج و دست‌نشانندگان آنها در داخل، در پیام‌ها، مصاحبه‌های مطبوعاتی و سخنرانی‌های خود از «وقوع یک حادثه که می‌تواند منجر به فروپاشی نظام ایران شود»، خبر می‌دادند. چنین روندی ناظر بر برنامه‌ریزی، طرحی و سناریوسازی دشمنان‌خارجی

ردپای غرب

نگاهی به نقش دشمنان در آشوب‌ها و اغتشاشات در ایران اسلامی

ابران برای آسیب رساندن به انقلاب اسلامی بود.

برای نمونه، رئیس سازمان جاسوسی آمریکا اعلام کرده بود: «در سال ۱۹۹۹ در ایران انتظار حوادثی را داریم که در این بیست سال گذشته، یعنی از اول انقلاب تاکنون بی سابقه است.»

◆ **۱۸ روز زودتر**

نشریه آمریکایی «میدل ایست اکونومیک دیجست» هم در اوایل تیر ماه ۱۳۷۸، وعده داده بود: «بیشتر ناظران در تهران بر این اعتقادند که تابستان امسال شاهد یک آزمون حیاتی قدرت و حتی شاهد دورنمای رویارویی جدی بین جناح محافظه‌کار و اصلاح‌گرایان خواهد بود.» بر همین اساس، بین سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۸ وقایعی اتفاق افتاد که در ظاهر بیسن آنها رابطه‌ای وجود نداشت؛ اما در واقع کاملاً مرتبط با هم عمل کردند تا به غائله ۱۸ تیرماه رسیدند. این زمینه‌ها عبارت بودند از کاهش درآمدهای نفتی، ایجاد شبکه جهانی جنگ روانی علیه نظام اسلامی، تلاش در جهت تضعیف دستگاه‌های امنیتی و قضایی و تقویت شبکه‌های جاسوسی در داخل کشور.

◆ **پادوهای داخلی غائله ۸۷**

با بررسی دقیق فضای جامعه پس از انتخابات دوم خرداد به‌خوبی مشخص می‌شود که غائله کوی دانشگاه برنامه‌ای از پیش طراحی‌شده بود. از مدت‌ها قبل روزنامه‌های اصلاح‌طلب که به دلیل هماهنگی در پرداختن به سوژه‌ها و خبرها به روزنامه‌های زنجیره‌ای معروف شده بودند، هم‌صدا با رسانه‌های بیگانه از اتفاقی در سال جاری ایران خبر داده بودند. بعد از آن حوادث کوی خیرنگاران و عکاسان روزنامه‌هایی، ماننددیلی تلگراف، نیویورک تایمز، واشنگتن پست به همراه شبکه‌های تلویزیونی سی‌ان‌ان، ان‌بی‌سی، فاکس نیوز، بی‌بی‌سی، الجزیره و خبرگزاری‌های رویترز، فرانسه، آسوشیتدپرس، یونایتد پرس، فرانس پرس در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ تیر بالاترین حجم اخبار، گزارش‌ها و تصاویر خود را به سراسر دنیا ارسال کردند. به‌گونه‌ای که بسیاری از سران کشورهای دنیا خود را آماده فرستادن پیام تبریک برای پادشاه یا رئیس‌جمهور آینده ایران کرده بودند.

فتنه ۸۸

دهه ۸۰هم یکی از دهه‌های پر از اتفاق در تاریخ کشور ماست. ۱۰ سال پس غائله کوی دانشگاه، فتنه ۸۸ در قالب انقلاب مخملین اتفاق افتاد. ماجرا از روز ۲۲ خرداد ۸۸ شروع شد، زمانی که میرحسین موسوی کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری نتوانست بر حریف خود، یعنی محمود احمدی‌نژاد غلبه کند و از همان ابتدا شروع به جوسازی‌هایی علیه انتخابات

کرد. موسوی با برگزاری نشست خبری در شب انتخابات و بیان پیروزی خود با قاطعیت آرا اعتراض خود را به صورت رسمی نشان داد. موسوی معتقد بود در انتخابات ۸۸ از سوی دولت وقت که رئیس دولت نیز خود کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری بوده، تقلب صورت گرفته است. این موضوع کم‌کم جدی‌تر شد تا زمانی که این موضوع به کف خیابان‌ها و در بین طرفداران دو طرف کشیده شد.

◆ **فتنه با سکوت آغاز شد**

در روز ۲۵ خرداد طرفداران موسوی در تجمعی که معروف به راهپیمایی سکوت بود، اعتراض خود را به تاییح انتخابات اعلام کردند، اما رفته رفته حامیان موسوی متوجه شدند که از تقلب در انتخابات خبری نبوده و این موضوع نه تنها واقعیت نداشته، بلکه ادعایی بیش نیست؛ زیرا در همان زمان عباس آخوندی رئیس ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی به صراحت اعلام کرد، تقلبی در انتخابات اتفاق نیفتاده است. این موضوع به همگان حتی حامیان موسوی فهماند که موضوعی اعتراضات، نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری نیست. با کاهش یافتن حامیان موسوی در کف خیابان شعله آتش اعتراضات در حال خاموش شدن بود، اما این موضوع برای ضد انقلاب و سرویس‌های جاسوسی اعم از M۱6، CIA، MOSSAD و استخبارات شورهای مترج عربی خوب نبود؛ از این‌رو با تعلیم نیروهایی در خارج و داخل کشور قصد زنده نگه داشتن آتش اعتراض را داشتند و حتی برای اینکه احساس مردم را جریحه‌دار کنند، به کشته‌سازی واقعی با کاذب دست زدند.

◆ **هزینه‌های میلیون دلاری اوپاما**

او در بخشی از کتاب خاطراتش به مسئله اغتشاشات بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران نیز اشاره کرده و نوشته است: «دولت باراک اوپاما، رئیس جمهوری آمریکا در سال‌های بعد از اغتشاشات انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران با صرف ده‌ها میلیون دلار به آموزش بیش از ۵۰۰۰ نفر از مخالفان ایران در سراسر دنیا پرداخت.»وزیر خارجه سابق آمریکا در کتاب خود با اشاره به حمایت‌های پشت پرده وزارت خارجه تحت امرش از اغتشاشات سال ۱۳۸۸ ایران می‌نویسد: «تیم من در وزارت خارجه در پشت صحنه، تماس‌های مستمری با فعالان در داخل ایران برقرار می‌کرد و با مداخله‌ای فوری توانست از توقف توتینتر به خاطر تعمیرات جلوگیری کند. اگر توتینتر تعطیل می‌شد تظاهرات‌کنندگان یکی از ابزارهای مهم‌شان برای ارتباط را از دست می‌دادند.» کلیتون در ادامه با اشاره به حمایت‌های دولت اوپاما از مخالفان ایران در سال‌های بعد از اغتشاشات

می‌افزاید: «ما در سال‌های بعد ده‌ها میلیون دلار هزینه کردیم و بیش از ۵ هزار فعال را در سراسر دنیا آموزش دادیم.»

◆ **پیام آمریکا به‌موسوی**

لدین در یادداشتی می‌نویسد: «دولت (آمریکا) تصمیم گرفت پیامی برای گروه (میرحسین)موسوی و جنبش سبز بفرستد. سناتور شامر دوستی در وال استریت داشت که با سبزه‌ها در ارتباط بود و همان فرد به عنوان رابط انتخاب شد.» وی در ادامه می‌نویسد:

«از شامر خواسته شد از طرف دولت این پیام را به رهبران سبزه‌ها منتقل کند: «سبزه‌ها باید بدانند که این سوالات از جانب وزیر خارجه(آمریکا) ارسال شده است. سوالات اینهاست: ما باید چه کاری انجام دهیم؟ چه کاری نباید انجام دهیم؟» پاسخ این پیام در یک یادداشت هشت صفحه‌ای در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۹ (۹ آذر ۸۸) دریافت شد. نویسندگان محتاط بوده‌اند، و متن امضا نشده و من دلایل روشی دارم که چند نفر در تهران روی آن کار کرده‌اند.»

آشوب دی ماه ۹۶

هرچند که آمریکا و دست‌نشانده‌های داخلی‌اش در سال ۱۳۸۸ هم از تحقق آمال و آرزوهای خود علیه ملت ایران ناکام ماندند؛ اما فتنه‌انگیزی آنها به پایان نرسید و در دهه ۹۰ هم مسبب اعتراضات خیابانی شدند؛ از این رو دی ماه ۹۶ هم به تاریخ سیاسی کشور پیوست. روزهای ابتدا و میانه دی‌ماه ۹۶، روزهای ملتهبی برای کشور بود. آشوب‌های پراکنده و خشونت‌آمیز گروهی که در میان‌آنها از مارکسیست تا درویش حضور داشت، برای یکی دو هفته اوضاع امنیتی کشور را به هم ریخت. مبدأ این آشوب‌ها در تهران، دانشگاه تهران بود. سررد دانشگاه تهران، در آن روزها کانون درگیری‌ها و التهابات شده بود. التهاباتی که شاید اگر حضور به موقع و هوشمندانه دانشجویان نبود، ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کرد. در توضیح بلوای دی ماه ۹۶ جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان وقت تهران گفته بود: «طبق یک تحلیل، طراحی این جریان با آمریکایی‌ها بود که از چند سال پیش، یعنی پس از شکست جریان فتنه در سال ۱۳۸۸ با همکاری گروهک منافقین و با این رویکرد که مقابله با جمهوری اسلامی در حوزه سیاسی موفق نخواهد بود، نتیجه گرفتند که باید اعتراضات در جمهوری اسلامی‌را در حوزه‌های اجتماعی- اقتصادی متمرکز نمایند.»

◆ **تمرکز آمریکا بر اغتشاشات خیابانی**

جعفری‌دولت‌آبادی ویژگی دیگر طرح آمریکایی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران را «شروع از پیرامون» اعلام کرد و در توضیح افزود: «فتنه سالل ۱۳۸۸ و تجمعات اغتشاشی از تهران شروع شد، اما این بار

آمریکایی‌ها بر این باور بودند که باید از پیرامون به مرکز رسید؛ ضمن اینکه در ابتدا باید بر تظاهرات و تجمعات اعتراضی تکیه نمود.» دادستان تهران در تبیین مراحل طرح آمریکایی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، دو مرحله را تفکیک کرد و در توضیح این مراحل اظهار داشت: «مرحله اول که از ۹ دی شروع شد و قرار بود تا ۲۰ بهمن ادامه یابد، در مجموعی چهل روز را در بسر می‌گرفت که طبق برنامه پیش‌بینی شده باید صبح و بعد از ظهر هر روز تظاهرات اعتراضی ادامه می‌یافت تا با درگیر شدن پلیس وفرسایش آن، قدرت انتظامی‌و اجتماعی کشور فلج شود و بدین ترتیب بتوان به تدریج نظام سیاسی را از پا آورد؛ در مرحله دوم نیز پیش‌بینی شده بود از ۲۰ بهمن تا اسفند ماه با تشابه‌سازی انقلاب ۱۳۵۷، تظاهرات خشن و مسلحانه راه‌اندازی و اجرا شود.»

آبان ۹۸

ناکامی دشمنان در سالل ۱۳۹۶ نیز آنها را ذرهای از اهداف شوم‌شان علیه ملت ایران دلسرد نکرد. حوادث آبان ۱۳۹۸ یکی از تلخ‌ترین اتفاقات پس از انقلاب بود که برای چند روز شهرهای مختلفی را دچار ناآرامی کرد و در نهایت جان ده‌ها هموطن را گرفت و هزاران میلیارد تومان خسارت به کشور وارد کرد. ماجرا از جمعه ۲۴ آبان کلید خورد. روزی که دولت به طور ناگهانی خبر از افزایش قیمت بنزین به دو نرخ جدید داد: بنزین سهمیه‌ای ۱۵۰۰ تومانی و بنزین آزاد ۳۰۰۰ تومانی. زرمزه گرانی بنزین البته از ماه‌ها قبل بر سر زبان‌ها افتاده بود و هیچ کارشناسی در مورد لزوم اصلاح قیمت بنزین شک نداشت؛ اما دولت مدام هرگونه تصمیم در این‌باره را تکذیب می‌کرد. ساعات پایانی روز ۲۳ آبان بود که کم‌کم زرمزه تغییر بنزین در میان جامعه مطرح شد. عده‌ای به پمپ‌بنزین‌ها هجوم بردند و صف‌های طولانی در بعضی از شهرها ایجاد شد. از ساعت صفر ۲۴ آبان، خبر گران شدن بنزین به طور رسمی اعلام شد؛ تصمیمی که در شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه گرفته شده بود.

◆ **پروژه کشته‌سازی**

از عصر جمعه، به‌تدریج ورق برگشت. چند پمپ‌بنزین به آتش کشیده شد و به ساختمان بانک‌ها حمله شد. بدترین اتفاق در سیرجان افتاد. جایی که عده‌ای آشوب‌طلب سعی کردند با حمله به مخازن نفت، آنجا را منفجر کنند. یک نفر در جریان این حمله به دست نیروی انتظامی کشته شد. به نظر می‌رسید ضدانقلاب خیلی زود به اولین هدفش رسیده بود: کشته‌سازی در همان روز اول. ضدانقلاب هم به‌طور یکپارچه به حمایت از آشوبگران برخاسته بود. سزازمان مجاهدین خلق (منافقین)، سلطنت‌طلب‌ها وسایر اپوزیسیون خارج از کشور، حمایت خود را از آشوب‌ها اعلام کردند و خواستار رفتارهای خشونت‌آمیز شدند. رسانه‌هایی همچون بی‌بی‌سی، آلمنیوز، رادیوفرداو… نیز تمام‌قد از اغتشاشات حمایت می‌کردند. کم‌کم پای بعضی سیاستمدار داخلی هم به اعتراضات باز شد. عده‌ای از مسئولان سعی کردند ضمن اعلام مخالفت با تغییر قیمت بنزین، حساب خود را از بقیه جدا کنند؛ حتی بعضی از نمایندگان زرمزه استیضاح رئیس‌جمهور را سر دادند.

مدعیان قلابی

چهره‌سازی مصنوعی محور عبری- غربی با هدف مشروعیت‌زدایی از نظام اسلامی

مهدیه شادمانی

خَبرنگار

محور عبری- غربی، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، در تلاش برای مشروعیت‌زدایی از نظام و تضعیف ایدئولوژی انقلاب اسلامی بوده است. در حقیقت، قدرت‌های سلطه‌گر با عبور از تهاجم نظامی، از طریق جنگ نرم به دنبال تخریب باورهای دینی و شکاف بین حکومت اسلامی و مردم هستند. الگوی تحقق چنین اهدافی نیز همچون تجربه تغییر رژیم‌های سیاسی در بلوک شرق و شوروی سابق ترسیم شده است. در انقلاب‌های رنگی رخ داده در کشورهای قریق‌رستان، اوکراین، گرجستان ولهستان شاهد بهره‌گیری غرب از طریق تاکتیک‌های جنگ نرم و ابزار رسانه هستیم که مخرج مشترک همه آنها برپایه ایجاد تغییر در الگوهای رفتاری ملت‌ها و بی‌ثباتی سیامی بوده است.

بنابراین جریان رقیب، طی چهار دهه جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی، به دنبال فروپاشی از درون با بهره‌گیری از ظرفیت توده‌های مردم و نخبگان بوده تا با استفاده از راهبرد دلتا طبق تاکتیک‌های دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی از نافرمانی زمینه‌سرنگونی نظام اسلامی را فراهم کند. تاکتیک اصلی دشمن، ساخت واقعیت‌ها و رفتار-سازی در زمینه‌های روان‌شناختی، اقتصادی و فرهنگی بوده است تا به اهدافی همچون سبیه‌نمایی، ناکارآمد جلوه دادن نظام،

ایجاد ناراضیاتی، بحران و ساختار شکنی نائل شود.

البته تمرکز اصلی نظام سلطه بر لژیونرهای ضد نظام و اپوزیسیون به منزله اصلی‌ترین نیروهای سیاسی تأثیرگذار در داخل بوده تا با تبدیل آنها به مراجع اجتماعی، زمینه تخریب ابعاد اصیل هویت ایرانیان، یعنی اسلامیت و ایرانیت و آسیب به مشروعیت نظام را ایجاد کند. مسیح علی‌نژاد را می‌توان یکی از مهره‌های سیاسی برشمرد که جریان رقیب نظام اسلامی به سرکردگی آمریکا در کنار جدال استراتژیک، امید بسیاری به ظرفیت وی در جهت ناکارآمدسازی ساختار سیاسی دارد.

وی که خبرنگار پارلمانی بود، با اخراج از مجلس شورای اسلامی و تلاش در جهت انتقاد به مسئولان نظام، توانست شهرتی دست و پا کند. گریز از کشور نیز سبب شد تا با سرمایه‌گذاری آمریکا و لابی صهیونیستی به یک مهره در جهت استحاله نظام دینی تبدیل شود. شاید بتوان راهبرد غرب در بهره‌گیری از این مهره را در قالب نظریه جنگ نرم فوکویاما تحلیل کرد که معتقد است برای پیروزی بر یک ملت، باید میل و ذائقه آن ملت را تغییر داد و نظام ارزشی آن را نابود کرد. راه‌اندازی صفحه آزادی‌های یواشکی در فیس بوکش در سال ۱۳۹۳ بخشی از پروژه جنگ نرم و تغییر باورهای دینی زنان به شمار می‌رود. تحرکات وی در جهت مقابله با حجاب و عفت و حیا بود که در قالب ثبت تصاویری بحجاب‌زنان، انعکاس‌ردسسر و سبختی‌های حجاب شروع به فعالیت کرد. در حقیقت، آمریکا

به دنبال الگوسازی از علی‌نژاد به عنوان نماد یک زن آزاد و موفق برای زنان ایران است تا از طریق ابزار رسانه، تبلیغات و شخصیت دین‌ستیزانه وی، اقدام به ایجاد تضادهای فکری، ایدئولوژیک و در نتیجه شکاف‌های درون ساختاری کند.

از سوی‌علی‌نژاد به مثابه نقطه اتصال گروه‌های ضد انقلاب با ایجاد اپوزیسیون فرهنگی از حوزه‌های فضای مجازی، رسانه و آموزش برای گسیختگی فرهنگی دختران در قالب پروژه توانمندسازی زنان نیز به شمار می‌رود. البته نخبه‌سازی مصنوعی دشمن، تنها به تأثیرگذاری بر جمعیت دختران خلاصه نمی‌شود. کنش‌های ضد اسلامی و ایرانی علی‌نژاد و تلاش برای آموزش آن به زنان و دختران سبب شده است با چهره‌سازی از این فرد برای اهداف بزرگ‌تری، همچون نافرمانی مدنی، افزایش تحریم‌ها و مشروعیت‌زدایی از نظام بهره گرفته شود.

بنابراین وی را می‌توان مهره اجرای سیاست شبکه‌سازی ایالات متحده‌نایمد که با تمرکز بر گروه‌های فمینیستی زنان، فعالان اجتماعی و سیاسی وروشنفکران دانشگاهی، سعی در به چالش کشیدن مفاهیم دینی، قداست‌زدایی و کم‌رنگ کردن ارزش‌های انقلابی و همچنین پرونده‌سازی حقوق بشری علیه نظام دارد.

وی از عواملان اصلی پرونده تحریم جمهوری اسلامی ایران نیز به شمار می‌رود. علی‌نژاد چندروز قبل در اجلاس کمیته یهودیان آمریکا پس از اخذ جایزه به دلیل سرسختی در مبارزه با جمهوری اسلامی،

تقویم انقلاب

نگهبان قانون اساسی

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



یکی دیگر از نهادهای مهم حاکمیت که در قانون اساسی دیده شده، «شورای نگهبان» است که بدون حضور آن مجلس اعتبار ندارد.

بر اساس تصریح قانون اساسی، نهادی که بر کار قانونگذاری مجلس نظارت دارد، «شورای نگهبان» است که در اصل ۹۱ قانون اساسی وظایف و اعضای تشکیل دهنده آن مشخص شده است: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی در نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها شورای به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: ۱- شش نفر از قضای عادل و آگاه و مقتضیات زمان و مسائل روز که انتخاب این عده با مقام رهبری است. ۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی از میان حقوقدانان مسلمان که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌شوند.

اولین قضای شورای نگهبان را امام خمینی (ره) در اول اسفند ماه ۱۳۵۸ منصوب کردند که عبارت بودند از: آیت‌الله صافی، آیت‌الله محمد رضا مهدوی کنی، آیت‌الله احمد جنتی، آیت‌الله غلامرضا رضوانی، آیت‌الله یوسف صانعی و آیت‌الله عبدالرحیم ربیانی شیرازی. همانطور که اشاره شد طبق اصل ۹۱ قانون اساسی، اعضای شورای نگهبان از بین حقوقدانان صاحب صلاحیت از طرف رئیس قوه قضائیه به مجلس معرفی می‌شوند و با رأی نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند. معمولاً رئیس قوه قضائیه دو برابر عده لازم، یعنی ۱۲ نفر را به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌دهد و حائزین رأی اکثریت انتخاب می‌شوند.

اولین کسانی (حقوقدان) که در مورخ ۲۶ تیر ماه سال ۱۳۵۹ از طرف مجلس شورای اسلامی انتخاب شدند، عبارت بودند از: آقایان گودرز افتخار جهرمی، حسین، محسن هادوی، مهدی هادوی، علی راد و محمد صالحی. بنابراین شورای نگهبان در مورخ ۲۹ تیر ماه سال ۱۳۵۹، در مجلس شرکت و بعد از این تاریخ رسماً کار خود را آغاز کرد. امور شورای نگهبان و اداره جلسات به وسیله دبیر و قائم مقام رئیس و نایب رئیس که از بین اعضا و با رأی اکثریت آنها انتخاب می‌شوند انجام می‌گیرد. رویه تاکنون این بوده است که دبیر از میان قضا و قائم مقام دبیر از میان حقوق دانان انتخاب می‌شوند. چهل روز قبل از انقضا و موعد نامه‌ای از طرف شورای نگهبان به رهبر معظم انقلاب و رئیس قوه قضائیه نوشته می‌شود و به ترتیب اسامی سه نفر از قضا و سه نفر از حقوقدانان که دوره عضویت آنها به پایان رسیده است، اعلام می‌شود تا نسبت به جایگزینی آنها در موعد مقرر اقدام شود. ملاک رأی در شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس رأی اکثریت است؛ ولی چون قانون از دو بعد انطباق با موازین اسلام و قانون اسلامی بررسی می‌شود، رأی گیری متفاوت است. در مورد مغایرت نداشتن مصوبه مجلس با قانون اساسی همه ۱۲ نفر عضو حق رأی دارند و چنانچه اکثریت، یعنی حداقل شش به علاوه یک نفر- هفت نفر- به مغایرت مصوبه‌ای با قانون اساسی رأی دهند، آن مصوبه خلاف قانون اساسی شناخته می‌شود و مجلس باید درصدد اصلاح آن برآید؛ ولی در ارتباط با انطباق مصوبه با موازین شرع فقط شش نفر از قضای عضو شورای نگهبان صلاحیت اظهار نظر و رأی دارند و حقوقدانان در این رأی گیری شرکت نمی‌کنند.

حذف ناجوانمردانه ممنوع!

مشی امام خمینی (ره) در مواجهه با مخالفان

آیا آن آدم هم در نوشتجات خود، چنین نظریاتی ابراز کرده است؟

به امام عرض کردم که بنده اغلب آثار آقای بنی صدر را در گذشته‌ها خوانده‌ام. نامبرده در آن آثاری که من خوانده‌ام، منکر هیچ یک از ضروریات دین نشده و بلکه در مورد مثلاً ضرورت حفظ حجاب، کتاب هم نوشته است! امام فرمود اگر اینطور است، پس شما آن فرد را از طرف من نهدی کنید و اجازه ندهید که این کار را انجام دهد... و افزودند: من در روزهای آخر که او مغرور شده بود و در سرایشی سقوط قرار داشت، برای نجات او خواستم که نزد من بیاید و قصدم آن بود که در همینجا بنشیند کتاب و مقاله بنویسد و اگر نظر منطقی دارد، بطور معقول عرضه کند تا نظام آن را بررسی کند، ولی او نیامد و به منافقین پناه برد و برای ابد خود را ضایع کرد و من یقین دارم دیر یا زود منافقین هم او را تنها خواهند گذاشت...

این نمونه‌ای از روش و منش علوی امام خمینی درباره کسی بود که زشت‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین اهانت‌ها را علیه نظام و رهبری در رسانه‌های خارجی، مطرح ساخت. ولی روش و منش علوی امام، به او اجازه نمی‌داد که حکمی بر مهدور الدم بودن وی صادر کند و حتی در مرحله پایانی هم در فکر نجات او از سقوط بود و می‌خواست که نزد ایشان برود و در ایران بماند و در حوزه فرهنگی کار کند و اگر نظرانی دارد، آنها را به طور منطقی مطرح سازد... و می‌دانیم که امام همین نظریه را در مورد یکی از آقایان قم هم به طور مکتوب ابراز نمود و خواستار آن شد که ایشان بدون دخالت در امور، به کار تدریس و نظریه پردازی علمی بپردازد و حوزه را گرمی ببخشد که همگان از چگونگی آن آگاه هستند».

نظیر از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی در اینجا بازگو شود. وی درباره روش و منش امام خمینی (ره) در برخورد با مخالفان چنین نقل می‌کند: «پس از ماجرای عزل بنی صدر و فرار وی به خارج، جناب اندیشمند بزرگ قرن! ترور در ایران را نبرد آزادی بخش نامید و هر روز در گفت‌وگوهای خود با رسانه‌های غربی، نظام اسلامی ایران را تحت عنوان حکومت ملاتاریا! مورد اتهام و هجمه قرار می‌داد... در آن ایام، اعلام همبستگی با فرقه نفاق و به اصطلاح شورای ملی مقاومت! امر رایجی شده بود و هر کسی که می‌خواست در غرب بماند، به پنهان‌های به آن ملحق می‌شد! در این میان، یکی از برادران دانشجو که در شهر «جنوا» تحصیل می‌کرد و عضو انجمن اسلامی دانشجویان در ایتالیا بود، نزد من آمد و اطلاع داد که می‌خواهد به پاریس برود و به مقاومت! ملحق شود و پس از جلب اعتماد سران آن بنی صدر را ترور کند... البته او در ضمن از من به عنوان یک روحانی، مجوز شرعی می‌خواست و به دنبال موافقت مرکز یا نهاد دیگری نبود... اما من به او گفتم که بنده نه قاضی شرع هستم و نه حاکم دادگاه انقلاب و نه اهل حکم و فتوی در این قبیل امور، و اگر قرار بود در این زمینه‌ها مسئولیتی را بپذیرم، در ایران دعوت شهید آیت‌الله قدوسی برای سرپرستی یکی از دادگاه‌های انقلاب را قبول می‌کردم؛ اما من نپذیرفتم، چون هر کسی را خداوند برای کاری ساخته است و کار من، کار فرهنگی است و در امور دیگر، دخالتی نداشته‌ام و قصد هم ندارم که دخالت کنم.

اصرار نامبرده بر عملی ساختن تصمیم خود باعث شد که من به او بگویم: برای شرکت در سمینار سفرای ایران در خارج، که هفته آینده در

تهران منعقد خواهد شد، عازم ایران هستم و «حکم شرعی» این امر فقط از «امام خمینی» که شما مقلد ایشان هستید، خواهم پرسید و پاسخ را برای شما خواهم آورد! برادر دانشجو که در خلوص او شکی نبود و بعدها هم جزء کادر رسمی وزارت امور خارجه شد، خیلی خوشحال گشت و قرار شد که منتظر پاسخ و نظریه امام خمینی باشد... هفته بعد که به ایران آمدم و در دیدار با امام، موضوع را به عنوان یک سؤال شرعی مطرح کردم؛ امام فرمودند: برای چی ایسن کار را می‌خواهد انجام دهد؟ گفتم آقای بنی صدر در خارج، مصاحبه‌های زیادی علیه حضرت‌عالی و نظام اسلامی انجام می‌دهد و مقالاتی نیز در روزنامه «انقلاب اسلامی» خود، علیه ولایت فقیه می‌نویسد...

امام فرمود: «مگر کسی را که علیه من حرف می‌زند، می‌توان کشت؟ ولایت فقیه هم که ما به آن معتقدیم یک مسئله فقهی است و آقایان فقها هم در باره آن نظرات مختلفی دارند و البته آن آدم، در مقالات خود که جناب‌عالی برای من فرستاده بودید و من بعضی از آنها را خواندم، به من فحش می‌دهد، آیا کسی را که به من فحش می‌دهد می‌توان به قتل رساند؟ البته این بیانات امام به اصطلاح طلبه‌ها «استفهام استنکاری» بود. یعنی نمی‌شود کسی را با این اتهامات، به قتل رساند... من پس از این بیانات سکوت کردم، ولی امام افزودند: البته من وقت نداشتم همه کتاب‌ها و نوشته‌های این آدم را بخوانم. اگر جناب‌عالی مطالعه کرده‌اید، آیا مطلبی در آنها دارد که منکر ضروریات دین، مثلاً حجاب شده باشد؟ مانند آن خبیث که منکر حکم قطع بد سارق که یک حکم الهی است، شد و گفت که او اسلامی را می‌خواهد که در آن قطع بد سارق نباشد، این یعنی انکار یکی از احکام قرآنی...

حافظه

اشغال نیکاراگوئه

مروری بر نفوذ و دخالت آمریکا در قاره آمریکا



پس از قدرت‌یابی تدریجی آمریکایی‌های جداشده از انگلستان، ایالات متحده با اتخاذ سیاست‌هایی تلاش کرد تا سرزمین آمریکای مرکزی و لاتین را به حیاط خلوت خود بدل کند. این امر زمانی محقق شد که اسپانیا دچار افول شد و مستعمرات عمده خود در قاره آمریکا را از دست داد و شاهد استقلال مستعمرات اسپانیا در قرن نوزدهم هستیم. در طول قرون شانزدهم تا نوزدهم، نیکاراگوئه تحت سلطه اسپانیا بود و سرانجام توانست در سال ۱۸۳۸ میلادی، استقلال یابد؛ اما آمریکایی‌ها همواره به آن چشم طمع داشتند. آمریکا در سال ۱۸۵۴، نیکاراگوئه را از طریق نیروی دریایی بمباران کرد. سه سال بعد به بهانه مصادوم شدن یک آمریکایی، مجدد این کشور را بمباران کرد و بعد از یک سال نیکاراگوئه را مجبور به پذیرفتن قرارداد «کاس-ایریسای» کرد؛ بنابر این قرارداد، ایالات متحده مجاز به رفت و آمد در نیکاراگوئه و دخالت در آن کشور شد. هیچ یک از کشورهای دیگر آمریکای مرکزی به میزان نیکاراگوئه، تحت مراقبت آمریکا نبوده است. وجود معادن طلا در آن کشور و بهره‌برداری شرکت‌های آمریکایی از آن، بسرای توجه این مراقبت کافی نیست و دلیل واقعی آن است که نیکاراگوئه، به راه وصول به آبراه پاناما نظارت دارد و به سبب وجود دریاچه نیکاراگوئه و رودخانه «سان خوان» به آسانی می‌شود کانال دیگری مابین دو اقیانوس خفر کرد. در بین سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۳۳، بار دیگر نیکاراگوئه به اشغال آمریکایی‌ها در آمد و به مستعمره‌ای برای احتکار شرکت‌های آمریکایی تبدیل شد. در سال ۱۹۱۴،

دهلیز

دختر زمین خوار پهلوی

مروری بر مفاسد دربار دیکتاتوری پهلوی

فیاتک؛ شرکت آناهیتا؛ شرکت ایران موبیل هومز؛ شرکت بازرگانی واردات؛ شرکت نان شهر؛ شرکت کشتیرانی دماوند و کانون ورزشی مهر بودند. به رغم ثروت هنگفت، شمس برای کسب درآمد بیشتر دست به هر عمل زشتی می‌زد.

فریدون هویدا در کتاب «سقوط شاه» که توسط انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است می‌نویسد: «علاوه بر زمین‌هایی که از پدرش به او (شمس) ارث رسیده بود، با اتکا به موقعیت خانوادگی و توسل به فعالیت‌های زمین‌خواری، صاحب زمین‌های زیادی شد. شمس با اعمال نفوذ موفق شد مسیر بزرگراه تهران-کرج را به نوعی منحرف کند که از وسط املاکش در کرج بگذرد تا وی بتواند زمین‌ها را چند برابر نرخ معمول به خریداران بفروشد... همچنین ادامه می‌دهد: «عمل زشتی که شمس انجام می‌داد، گرفتن مبالغ هنگفت از واردکنندگان اشیای گرانبها، طلا، جواهر و کالاهای پر قیمت بود. سرمایه‌داران به او باغ می‌دادند و در مقابل، کالاهای خود را به عنوان دربار شاهنشاهی وارد مملکت می‌کردند و از هرگونه بازرسی و مالیات معاف می‌شدند.»



خاندان پهلوسی را می‌توان فاسدترین خاندان پادشاهی در این سرزمین دانست که منابع این کشور را رسماً به تاراج می‌دادند تا منافع شخصی شان تأمین گردد. در این مسیر رقابت عجیبی بین همه فرزندان رضاشاه ایجاد شده بود و هر کدام در گوشه‌ای از این سرزمین مشغول غارت اموال عمومی بودند!

نمونه‌ای از این افراد شمس پهلوی، بزرگ‌ترین خواهر تنی شاه بود که ریاست جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران و ریاست کانون بانوان ایران را نیز بر عهده داشت و به ظاهر در فعالیت‌های خیریه و کمک‌رسانی به محرومین و عرصه هنر و... مشغول بود. و کاخ مروراریدر مهرشهر کرج را بسرای زندگی برگزیده بودند که با هزینه گزاف ساخته شده بود در عین حال شمس در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و ملکی بسیار فعال بود. وی علاوه بر زمین‌هایی که از پدرش به او ارث رسیده بود، با اتکا به موقعیت خانوادگی و توسل به فعالیت‌های زمین‌خواری، صاحب زمین‌های زیادی شد. وی علاوه بر سوءاستفاده از اموال دولتی برای منافع شخصی خود، به همراه همسر و فرزندان صاحب و یا سهامدار عمده چندین مؤسسه اقتصادی از جمله: شرکت پرشپیان متال فورمز؛ شرکت صنعتی آلوم شارس؛ شرکت ساختمانی فرامین؛ شرکت شهر صنعتی کوروش؛ شرکت ساختمانی و مهندسی مهرشهر؛ شرکت مهندسی و ساختمانی ایرا؛ شرکت ایراس؛ شرکت سازندگان؛ شرکت ایرا اس. پی. کاپاک؛ شرکت سازندگان؛ خطوط لوله‌ای ایران؛ شرکت عمرانی شهر صنعتی ساوه؛ شرکت ساختمانی

اندیشه ایستادگی و دولت قوی

بازنمایی مؤلفه‌های مقاومت و پیروزی روسیه در برابر فشار غربی‌ها در جنگ اوکراین



مصطفی قربانی
دکترای علوم سیاسی

تحولات اخیر نظام بین‌الملل، به ویژه حمله روسیه به اوکراین از دورهیافت اساسی اندیشه و اقتصاد سیاسی حاوی نکات و آموزه‌های بسیاری است که نیازمند بازخوانی و درس گرفتن از آنهاست.

شاید بتوان گفت، از نظرگاه اندیشه سیاسی، هر گاه یک ملت و واحد سیاسی در کنه باور ملی خود به مقاومت و ایستادگی در برابر هر نوع مظاهر تعدی و ظلم اعتقاد داشته و حاضر باشد برای آن هزینه بدهد، نتیجه نهایی آن پیروزی و کامیابی معنوی یا مادی یا هر دوست. این موضوع در وجدان جوامع بشری قابل استنباط است و سبب پیدایش اسطوره‌های قهرمانی در ادبیات سیاسی ملت‌ها هم شده است. آموزه‌های اسلامی به این موضوع رنگ و صبغه دینی و مذهبی هم داده‌اند و این اندیشه ناب را می‌توان در لایه‌های زیرین اندیشه یک فرد و جامعه مسلمان جست‌وجو کرد و مبتنی بر آن به دهه‌ها مورد رشادت در تاریخ اسلام اشاره کرد. مصداق اتم آن پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم حیات آن با وجود صدها مانع و رادع از ابتدا تا کنون است که در سایه مقاومت و ایستادگی ملت ایران، کشورمان امروز در قله پیشرفت‌ها و تحولات منطقه‌ای و جهانی ایستاده و الهام‌بخش حرکت‌هایی نیز شده است.

اما از منظر اقتصاد سیاسی، مهم‌ترین موضوع یا درس حائز اهمیت برای ایران در این جنگ، چگونگی تاب‌آوری روسیه در برابر تحریم‌های غرب و در واقع، احیای اقتصاد ملی در برابر تحریم‌های غرب از سوی روسیه بود؛ زیرا با حمله روسیه و متعاقب آن، اعمال تحریم‌های ضدروسی، تصور آن بود که روسیه با توجه به خلأها و ضعف‌های اقتصادی‌اش، مجبور به عقب‌نشینی از اوکراین خواهد شد؛ اما هم‌اکنون نه تنها روسیه از اوکراین عقب‌نشینی نظامی نکرده است، بلکه تقریباً تمام منطقه لوهانسک به کنترل روسیه درآمده و در همین زمینه، شرکای غربی

اوکراین از ضرورت «واگذاری زمین از سوی اوکراین» سخن می‌گویند و این در حالی است که روسیه توانسته است ارزش روپل در مقابل دلار را به قبل از آغاز جنگ با اوکراین برساند و تورم را نیز مدیریت کند.

❖ خنثی‌سازی تحریم

هر چند نوع و سطح بازیگری روسیه به منزله یک قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل با جمهوری اسلامی ایران تفاوت‌های زیادی دارد و آنچه در روسیه اتفاق افتاده، بیشتر به دلیل وابستگی گازی اروپا به روسیه است، اما در این میان نمی‌توان نقش متغیر «دولت قسوی و مؤثر» در مدیریت بحران اقتصادی در روسیه را نادیده گرفت که توانست با سیاست‌گذاری درست، ارزش پول ملی را احیا کند. در واقع، اگرچه تحریم‌های زیادی علیه روسیه اعمال شد، اما دولت این کشور، به ویژه بانک مرکزی و شخص رئیس‌جمهور با انعطاف مناسب و اتخاذ تصمیم‌های سیاسی درست توانستند روسیه را از بحرانی که غرب و جهانیان مترصد آن بودند، نجات دهند.

درس بزرگ مدیریت مؤثر اقتصادی از سوی مقامات روسیه آن هم در شرایط تراکم فشارهای تحریمی و هزینه‌های فزاینده جنگ برای اقتصاد ایران که همچون اقتصاد روسیه متأثر از فشارهای تحریمی است، آن است که شرایط تحریمی به هیچ‌وجه نمی‌تواند مانع از اتخاذ تصمیم‌های درست و مقتضی اقتصادی برای عبور از فشارها و تکانه‌های خارجی باشد. در واقع، اگرچه فشارهای تحریمی به منزله یک واقعیت نامطلوب پیش‌روی اقتصاد قرار دارد، اما راه‌حل مسائل اقتصادی هنوز در داخل وجود دارد و دولت و مقامات سیاسی با تصمیم‌گیری درست و فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصاد ملی می‌توانند فشارهای خارجی را خنثی کرده و تضمین‌بخش پویایی حیات اقتصادی باشند. ناگفته پیداست که این اتفاق در سایه وجود یک دولت قوی و فعالی امکان‌پذیر است که اولاً درک درستی از مسائل داشته باشد و برای نمونه، در شرایط تشدید فشارهای خارجی، پیوسته راه‌حل را در مذاکرات خارجی جست‌وجو نکند، ثانیاً دارای قدرت

انعطاف لازم در سیاست‌گذاری و اقدام باشد، ثالثاً از توانایی استخراجی لازم و کافی برخوردار باشد؛ یعنی بتواند از تمامی ظرفیت‌های موجود در کشور به نحو مطلوب استفاده کند و اساساً همه این ظرفیت‌ها را بتواند برای تحقق اهدافش بسیج کند.

رایعاً از توانایی تنظیمی لازم و کافی هم برخوردار باشد؛ یعنی بتواند روابط افراد با همدیگر، افراد با ساختارها و ساختارها با همدیگر را در راستای تحقق اهداف خود تنظیم کند و در برخورد با مخاطبان، قاطعانه عمل کند.

آنچه گفته شد، می‌توان به صورت خلاصه اینگونه بیان کرد که اگرچه شرایط تحریمی مضیق‌های زیادی به بسار می‌آورد، اما بر خلاف تصویری که حفظ پویایی‌های اقتصادی در شرایط تحریم را در رفع تحریم‌ها جست‌وجو می‌کند، تجربه روسیه ثابت کرد حتی در شرایط تحریمی، راه عبور از چاله‌های تحریمی در داخل کشور وجود دارد و با انسجام سیاسی، انضباط در تصمیم‌گیری و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی می‌توان موانع تحریمی را پشت سر گذاشت. این تجربه، درستی و اقتان

شویه «خنثی‌سازی تحریم‌ها» در داخل بر «رفع تحریم‌ها» از خارج را نیز اثبات می‌کند. در عین حال، سستی و ضعف ادعاهای غرب مبتنی بر گریزناپذیر بودن جهانی‌سازی و هضم در آن را نیز نشان می‌دهد.

❖ دولت سیزدهم و ایران قوی

همانگونه که شعار محوری آیت‌الله رئیسی در جریان مبارزات انتخاباتی نیز «ایران قوی» بود، به نظر می‌رسد از مهم‌ترین الزامات پیش‌روی دولت برای حل مشکلات کشور، انعطاف در تطبیق با شرایط پیچیده کشور، انسجام در تصمیم‌گیری‌ها و تلاش برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود است که متأثر از تجربه روسیه در مواجهه با تحریم‌های غرب، این امر اکنون از اقتان بیشتری برخوردار است. خوشبختانه به نظر می‌رسد دولت سیزدهم هم درک مناسبی از این مقوله دارد و هم ریل‌گذاری نسبتاً مناسبی در این زمینه انجام داده است که تاکنون منجر به اقداماتی

آفاق

چهره پنهان سیاست- ۴۴

نفوذ روانی و عاطفی را جدی بگیریم

از علم، مؤخر است. این امر همان شوق یا حب و طلب کار یا نتیجه آن است. (حقانی، ۱۳۹۰: ۲۱۸) بنابراین، اراده انسان تحت تأثیر بُعد عاطفی و شوقی اوست. چیستی و منبع انگیزه به منزله یکی از میدان‌های عملیات نفوذ، حائز اهمیت است. انگیزه عاملی درونی است که انسان را به حرکت وامی‌دارد. با این حال، این عامل از دنیوی یا محرک درونی و بیرونی متأثر است. مهم‌ترین محرک‌های درونی، نیازها، شناخت‌ها و هیجان‌ها هستند. (همان: ۱۰۲) نیروهای بیرونی عمدتاً مقاصدی هستند که فرد، تحت تأثیر محرک‌های درونی به سوی آنها کشیده می‌شود یا از آنها فرار می‌کند؛ این نیرو «هدف» نامیده می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۷) این نکته نیز در شناخت انگیزه اهمیت دارد که اغلب، انگیزه هم‌زمان از دو جنبه سلبی و ایجابی برخوردار است. افراد برای رسیدن به هر هدفی تنها به امید کسب موفقیت و پیروزی تلاش نمی‌کنند، بلکه ترس از شکست نیز در به حرکت در آوردن آنها نقش دارد.

بازگیران نفوذ به خوبی این حقیقت را می‌دانند که احساسات و عواطف از محرک‌های مهم و اساسی رفتار انسان به شمار می‌آیند. به همان دلیل که بخشی از عملیات نفوذ اغواگراییانه در حوزه ادراک و محاسبات صورت می‌گیرد، حوزه عواطف نیز میدان عملیات نفوذ اغواگراییانه است. نفوذگرها مبتنی بر تکنیک‌های روانشناسی می‌دانند که چگونه محرک‌های درست روانی را در محتوای پیام‌های خود طراحی کنند تا جامعه هدف جذب خواسته‌های آنها شده و آنگونه رفتار کنند که می‌خواهند.



سیامک باقری
دکترای علوم سیاسی

در نگاه اولیه، به نظر می‌رسد تمام تصمیمات افراد از منطق محاسباتی ناشی می‌شود؛ در حالی که بخش قابل توجهی از تصمیمات و رفتارها متأثر از بعد عاطفی انسان است. به باور روانشناسان، این جنبه از شخصیت انسان نسبت به سایر جنبه‌ها بسیار پیچیده است؛ زیرا هم با زمینه فیزیولوژیکی و هم با زمینه‌های عقلی و اجتماعی ارتباط نزدیک دارد و تاریخ حیات انسان نیز نمایشگر این حقیقت است که آدمی، بیشتر تحت تأثیر عواطف قرار دارد تا زیر نفوذ عقل. (شریتمنداری، ۱۳۷۹، ۴۳)

از یک نظر خلقت انسان بر دو خصوصیت ذاتی سرشته شده است: یکی دستگاه ادراک و دیگری دستگاه اراده. در حوزه ادراک، علم و شناخت دخیل است که به بیش‌ترین تغییر می‌شود و در اراده، میل، رغبت و انگیزش نقش دارد که به گرایش تعریف می‌شود. این دو عامل اساسی، یعنی بینش و گرایش موجب پیدایش کنش، یعنی رفتار می‌شود. به بیان دیگر، انسان برای انجام کاری اختیاری به مبادی‌ای نیاز دارد: نخست باید آن عمل و فعل تصور شود؛ پس از تصور، احتمالاً تصدیق به فایده آن پیدا می‌شود؛ پس از تصدیق، فرد به آن کار شوق می‌یابد؛ پس از شوق، انسان آن کار را اراده می‌کند؛ یعنی تصمیم می‌گیرد که آن را انجام دهد. انگیزه امری است که بر اراده، مقدم و

سیاست نامه

سیدمحمد کاظم یزدی- ۳۵

ارتجاع مشروطه و مشروطه ارتجاعی



فتح‌الله پوریشان
دبیر گروه اندیشه

در چند شماره گذشته در ذیل بررسی اندیشه سیاسی یکی از مراجع و رهبران فکری نهضت مشروطه مرحوم سیدمحمدکاظم طباطبایی‌یزدی به طور اجمالی چرایی ناکامی این نهضت و حرکت اجتماعی آغازین مردم ایران را آسیب‌شناسی کردیم. در این نوشته با توجه به مباحثی که رهبر معظم انقلاب در خصوص ضرورت ممانعت از بازگشت رگه‌های ارتجاع به سبک زندگی و سیاست غربی فرمودند، می‌خواهیم در این باره و نقش ارتجاع روشنفکری غربی در شکست مشروطه نکاتی را بازخوانی کنیم تا از کاربست آنها برای صیانت از انقلاب اسلامی بهره بگیریم. رهبر معظم انقلاب در تحلیل خود درباره جریان روشنفکری ایران، از دو اصطلاح «روشنفکری بیمار» و «ارتجاع روشنفکری» به مثابه دو نکته کلیدی در شناخت جریان روشنفکری در ایران استفاده کرده‌اند و معتقدند روشنفکری در ایران «بیمار متولد شد». این بیمار متولد شدن، یعنی روشنفکری تئی ایرانی داشت با مغز و ذهنی غربی! بدون تردید، زایش فکری این چنین مجموعه‌ای جز افراد و جامعه‌ای وابسته، خود کم بین، ایستا و منتظر آمدن فکر و ایده و حتی ساختار و مدیر از آن طرف مرزها نخواهد بود. مگر تقی‌زاده آن مرد روشنفکر غرب‌مآب و غرب‌اندیش نگفت ما گریزی جز غربی شدن از سر تا نوک پا برای پیشرفت و توسعه ایران نداریم! تقی‌زاده‌ها و آخوندزاده‌ها محصول غرب‌اندیشی و غرب‌زیستی هستند و امروز هم در جامعه ما زیاندارند. در برهه مشروطه نیز افرادی نظیر ملک‌خان نماد ارتجاع روشنفکری ایرانی بودند؛ چرا که می‌گفتند نمی‌توان با داشته‌های ایرانی و اسلامی حکومت تشکیل داد و باید به نظامات غربی تن داد. این تیپ جریان‌ها و آدم‌ها پروژه روشن‌اندیشی و روشنگری ایرانی در مشروطه را ضایع کردند. در واقع، تقلید کورکورانه از نظامات فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و هنری غربی، نماد ارتجاع روشنفکری ایرانی بود که نتیجه‌ای جز مشروطه ارتجاعی هم نداشت. آنها با ارتجاع دو کار بزرگ کردند؛ هم استعداد ایرانی را از گردونه مدیریت کشور به کنار زدند و هم ایده، ساختار و سبک زندگی و مدیریتی‌ای را در ایران حاکم کردند که هیچ تناسب و نسبتی با فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی ایرانی نداشت. نتیجه آن شد که در تاریخ دیدیم، بلافاصله پس از سامان‌یابی ساختار سیاسی مشروطه به سبک و سیاست غربی و انگلیسی، در وهله بعد زمینه برای دیکتاتوری رضاخانی آماده شد؛ یعنی غربی‌ها حتی به ظاهر هم شده حاضر نبودند و حوصله نداشتند روند استمرار ایران آن روز را با لفافه روشنفکر مآبی و روندهای دموکراتیک غربی ببینند. ارتجاع روشنفکری غرب‌اندیش ایران را کامل در آغوش استعمارگران قرار داد و سال‌ها طول کشید که عصری و نسلی بیاید و امامی از جنس اسلامی در بین‌شان بانگ بیداری برآرد و آنها را از این مسیر غلط رفته برگرداند. امروز شکی نیست که انحراف نخبگان و دانشمندان در هر جامعه‌ای به لحاظ جایگاه ویژه آنها، بسیار خطرناک‌تر از انحراف افراد عادی یک جامعه است؛ حال اگر این انحراف در بین نخبگان نهادینه شود، به مراتب خطر آن بیشتر خواهد بود.

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین- ۷

رسالت امروز تبیین

امیر قلی‌زاده

کارشناس فرهنگی

رهبر معظم انقلاب از «تهاجم ترکیبی» دشمن علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی سخن گفتند. تهاجم ترکیبی یا هیبریدی ترکیبی انواع هجمه‌ها و حمله‌ها، از حمله سخت نظامی و نیمه سخت اقتصادی تا جنگ سایبری و امنیتی و شناختی و ادراکی را شامل می‌شود. البته در شرایط امروز به دلیل ناکامی دشمنان انقلاب بیشتر تمرکزشان از سر تاگریزی روی جنگ شناختی و تغییر باورها و محاسبات مردم و مسئولان است؛ اما اینکه در مقابل این تهاجم ترکیبی باید چه کرد؟ معظم‌له جهاد ترکیبی را بیان کردند. جهاد ترکیبی واکنش تدافعی و البته تهاجمی مسلمانان به این نوع جنگ است. در جهاد ترکیبی نقطه کانونی جهاد تبیین است.

جهاد تبیین را می‌توان در دو رویکرد ایجابی و کنش‌ی و پدافندی و واکنشی تقسیم کرد. رویکرد ایجابی و کنشی تلاش می‌کند با ابزارهای قابل دسترس و با منطق و عقلانیت و با کمک احساسات و عواطف و توأم با اخلاق اسلامی حقایق نظام و اسلام و انقلاب را در سطوح مختلف کشور منتشر کند. در این رویکرد ایجابی حقایق انقلاب با اقتضای شرایط و با بهره‌گیری از هنر و ظرفیت‌های کار رسانه‌ای به افکار عمومی داخل و خارج ارائه می‌شود. گستره و تأثیرگذاری نشر حقایق انقلاب

اسلامی را آنجایی می‌توان در صحنه نظام بین‌الملل درک کرد که قدرت‌های سلطه‌گر و مدعیان آزادی بیان همواره برای رسیدن پیام‌های انقلاب اسلامی به خصوص از جانب رسانه‌های برون‌مرزی اختلال ایجاد کرده و از پخش این امواج از طریق ماهواره‌های مشرف بر فضای دیگر کشورها جلوگیری می‌کنند. رویکرد پدافندی و واکنشی می‌کوشد به خنثی‌سازی حرکت دشمنان برای تحریف یا کتمان یا انحراف حقایق و کم ارزش کردن آنها نزد افکار عمومی بپردازد.

به تعبیر رهبر معظم انقلاب، در قبال این حرکت گمراه‌کننده که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و به خصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است.

دشمن از این فرآیند به دنبال بی‌اعتمادسازی مردم نسبت به نظام اسلامی است که باید با ارتقای کارآمدی دولت و سایر قوا این مسیر را برای دشمنان مسدود کرد. اصحاب رسانه‌ها و تریبون می‌توانند با تشریح حداکثری حقایق و واقعیت‌های نادیده گرفته شده یا کوچک‌نمایی شده مسیر رو به جلو، امیدبخشی به آینده روشن نظام و انقلاب را در منظر مردم قرار دهند و دشمنان را ناکام کنند.

نکته گرام

حسین امیرعبداللہیان، وزیر امور خارجه:

جمهوری اسلامی ایران ضمن استقبال و تبریک به مردم کلمبیا به دلیل مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری در فضایی آزاد و دموکراتیک؛ پیروزی جناب آقای گوستاوو پترو به عنوان رئیس جمهور منتخب را تبریک گفته و در راستای توسعه و رفاه این کشور برای ایشان و مردم کلمبیا آرزوی موفقیت دارد.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: بر اساس قانون از ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده، یک درصد متعلق به حوزه درمان است. وزارت اقتصاد باید بر اساس وظیفه قانونی خود پانزدهم هر ماه که پول به خزانه واریز می شود، عین آن را به وزارت بهداشت پرداخت کند. در نامه‌ای به وزارت اقتصاد و خزانه اعلام کردیم که عدم واگذاری یک درصد از مالیات بر ارزش افزوده برای حوزه درمان خلاف قانون است. حل مشکلات مالی حوزه درمان و تأمین دارو به خصوص بیماری‌های صعب‌العلاج اولویت کشور است.

بیژن مقدم، فعال رسانه‌ای: شرط بندی روی اسبی که شانس بیشتری برای برنده شدن دارد، «شرط عقل» است. آن دسته از اصلاح طلبانی که به پهلوی‌ها امید بسته‌اند، شرط بندی روی «اسب بازنده» کرده‌اند. این یک «باتلاق» است و امید بستن به نتایج آن «توهم».

مهدی محمدی، تحلیلگر: چمران نمادی از یک تیپ ایده‌آل است. چیزی که من آن را «اسلسله سرداران عارف» می خوانم. مردانی که هم روز بیدارند و هم شب خوابیدن برای ششان دشوار است. آن را مزاحمتی ندیای می دانند. از معدود مواردی که التماس می کنند به چشم‌های شان است که طاق تیاورد و بسته نشود.

علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت: یک دستور دیگر رئیس جمهور به سرانجام رسید و کارخانه آزمایش مرودشت بعد از بازدید رئیس جمهور در مهر ۱۴۰۰، امروز به مدار تولید بازگشت. احیای کارخانه‌های تعطیل شده با رفع موانع تولید و اشتغال، گامی بزرگ برای تحقق ایران قوی است.

سیدعزت‌الله ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی و گردشگری: در مجلس گفتیم، با توجه به اینکه بازی‌های جام جهانی قطر در پیش است، پروژه‌ی ایران‌هراسی و نگرانی از استقبال گردشگران خارجی از ایران، وارد مرحله جدیدی شده است. مقابله با «ایران‌هراسی» وظیفه ملی هر ایرانی است.

محسن رضایی، فرمانده اسبق کل سپاه: شهید چمران دانشمندی متعهد، مجاهدی خستگی ناپذیر و سیاستمداری بصیر بود. جهاد علمی را از آمریکا آغاز کرد، در مصر و لبنان برای سرفرازی اسلام بدر مقاومت را کاشت و در خاک مقدس ایران برای دفاع از وطن جان داد. او دنیا و عالم را دید؛ اما دل‌بسته وطن و اعتقادش ماند.

محمد ایمانی، فعال رسانه‌ای: کلمبیا در آمریکای لاتین، حیاط خلوت کاخ سفید بوده و دولت آمریکا برای حمایت از شورشیان ونزوسلا، از این کشور استفاده می‌کرد؛ اما حالا مردم کلمبیا، رئیس جمهوری ضد آمریکایی انتخاب کرده‌اند. گوستاوو پترو می‌گوید «اسلمانی»، معمار غلبه بر بنیادگرایی فاشیست داعش در عراق و پیروزی کردها و اعراب برای رسیدن به مردم‌سالاری بود؛ آمریکا مزد او را با ترور داد. آمریکا همیشه از شرورها حمایت می‌کند.»

نگاه نو به دانش بنیان‌ها

استارت‌آپ‌ها وارد مرحله جدید می‌شوند

امیر مهدی صالحی

کارشناس فناوری اطلاعات

یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین استارت‌آپ‌های کشور به نام «تپسی»، با تکمیل فرآیندهای اداری توانست پس از یک مسیر تقریباً سخت، به بورس کشور پا بگذارد و در تالار شیشه‌ای قیمت‌گذاری شود. تپسی صف‌شکن فرآیندهایی بود که تاکنون کسب‌وکارها ششبه به آن را تجربه نکرده بودند. تا امروز محوریت ارزش‌های نامشهود و ارزش بود و سهم ارزش‌های نامشهود و ارزش مشتریان در آنها لحاظ نمی‌شد؛ به همین دلیل این ساختار شکنی از سوی تپسی با حمایت‌های وزارت ارتباطات، وزارت اقتصاد و معاونت علمی اقدامی ارزشمند است.

ورود به بورس برای هر کسب و کاری آغازگر مراحل جدیدی است که می‌تواند به بلوغ آن کسب و کار در مسیرهای جدید کمک کند. میلاد منشی‌پور، مدیرعامل تپسی، در این باره می‌گوید: «پس از عرضه اولیه و فروش سهام، درآمد این اتفاق صرف رشد زیرساخت‌ها و ورود این شرکت

به بازارهای جدیدی خواهد شد. در قدم اول، تپسی تعداد سفرهای خود را در شهرهایی که حضور دارد، بیشتر خواهد کرد و در ادامه، به ۱۵ تا ۲۰ شهر جدید وارد خواهد شد.»

تپسی با موفقیت توانست وارد بورس شود و حالا بسیاری دیگر از کسب‌وکارهای بزرگ کشور برای باقی ماندن در فضای رقابتی استارت‌آپی ایران، باید وارد بورس شوند. «دیجی کالا» و «اسنپ» دو استارت‌آپ بزرگ کشور هستند که حالا دیگر به غول‌هایی تبدیل شده‌اند. عیسی زارغ‌پور، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هم درباره عرضه سهام تپسی با اشاره به مشکلات و فرآیندهای بسیاری که برای پذیرش این شرکت در بورس طی شد، می‌گوید: «این کار مسیر را برای دیگر شرکت‌ها و استارت‌آپ‌ها هموار کرده و تپسی خط‌شکنی کرده است. پذیرش این شرکت به منزله نخستین کسب‌وکار دیجیتال، نقطه عطفی برای توسعه اقتصاد دیجیتال در کشور و رشد و شکوفایی کسب‌وکارهای دیجیتال و شرکت‌های استارت‌آپی در کشور بود.

کشورمان از لحاظ شاخص‌های فناوری و

نیروهای خبره، در جایگاه بالایی در دنیا قرار دارد و نگاه ویژه به نخبگان، جدی گرفتن استارت‌آپ‌ها و رفع موانع قانونی برای گسترش حوزه‌های فعالیت آنها بر امیدوار کردن جوانان و ساختن ایرانی مدرن و قوی، کمک خواهد کرد. سورنا ستاری، معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری درباره پذیرش تپسی در بورس در حساب شخصی خود می‌نویسد:

«اولین بار من با مؤسسين تپسی سال ۱۳۹۳ در خارج از کشور آشنا شدم، جوانانی که دودل بودند در بازگشت به کشور. من شور و اشتیاق کارآفرینی را در وجودشان حس می‌کردم. میلاد منشی‌پور قطعاً جزء کارآفرینان موفق این اکوسیستم است. موفقیت تپسی موفقیت جمعی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های خارج از کشور است که در برنامه بازگشت به وطن بازگشته‌اند و کارآفرینی کرده‌اند از گردنه‌های سخت بروکراسی و فرهنگ غلط نفی جامعه عبور کرده‌اند و به هدف رسیده‌اند و راهی را برای سایر استارت‌آپ‌ها باز کرده‌اند. من خاطرات زیادی از تپسی دارم؛ از مناظره‌های تلویزیونی سال ۱۳۹۴ تا ناامیدی‌های مقطعی در بروکراسی

سایبر

به گذرواژه‌ها امید نیست

روی آن یکی از این دو سیستم عامل نصب شده‌اند) یا حتی درایو USB ویندوز را به سیستم شما متصل کنند و وارد سیستم شما شوند. سپس آنها می‌توانند از این دستگاه‌ها بوت شوند و از محیط سیستم عامل به پرونده‌های شما دسترسی پیدا کنند.

در واقع گذرواژه‌های سیستم عامل، مانند قفل فرمان ماشین‌ها فقط از دسترسی افراد کنجکاو جلوگیری می‌کند و افراد خیلی کنجکاو یا سارقان، به راحتی می‌توانند وارد سیستم عامل شده و اسناد شما را به سرقت ببرند. بنابراین، از این به بعد فکر نکنید چون بر روی رایانه خود گذرواژه گذاشته‌ام، دیگر امنیت کامل برقرار شده است. راهکار این مشکل، رمزگذاری داده‌های هارددیسک شماست که در شماره‌های بعد توضیح خواهیم داد.



رسانه

مشکل در نبود سواد رسانه‌ای است!

جمعی، استفاده از تحلیلگران و کارشناسان برای آموزش و فرهنگ‌سازی این مهم، تعامل رسانه‌ای مناسب با مخاطبان در جذب سریع بازخورد رسانه‌ای در میان مردم، ترتیب آژدهی به نظریات اقشار مختلف بر اساس منطق کمک شایانی به ارتقای سواد رسانه‌ای در جامعه خواهد کرد.

سواد رسانه‌ای، باعث بالا رفتن سرعت توسعه اجتماعی در جوامع (خصوصاً جوامع در حال توسعه) می‌شود. داشتن این مهارت برای تمامی شهروندان و افراد یک جامعه لازم و ضروری است. بنابراین سیاست‌گذاران باید تمهیداتی ببندند تا از طریق بالا بردن سطح سواد رسانه‌ای مردم، شاخص‌های توسعه نیز به مثابه جزئی اساسی از زندگی هر شخص رشد کند. قدمت ادبیات سواد رسانه‌ای در کشور ما به بیش از ۵ سال نمی‌رسد و همچنان از آن به مفهوم جدیدی یاد می‌شود که به دلیل نگاه رسانه‌های مکتوب و ملی به آن بر می‌گردد. در حال حاضر مشکلاتی در کشور وجود دارد که عدم ارتقای سواد رسانه را منجر می‌شود. برای نمونه شمارگان پایین روزنامه‌ها، عدم ترکیب صحیح یا مطابقت با تمایلات مردم، ارائه ندادن محتوای تحلیلی نسبتاً جامع برای اتفاقات روزمره و بسیاری نکات دیگر از جمله این مواردند. به نظر می‌رسد برای رفع چالش‌ها باید به نوعی تلاش سازمان یافته از سوی رسانه‌ها برای ارتقای سطح سواد رسانه‌ای در میان مردم یا به اصطلاح به مبارزه رسانه‌ای دست زد.

اقشار جامعه را در میزان بهره‌مندی از سواد رسانه‌ای می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: اول؛ گروهی که سواد کافی را در این زمینه ندارند و بنابراین از انتقاد نیز مستثنا هستند که در اکثریت نسبی به سر می‌برند. این گروه بازخوردهای رسانه‌ای را بر اساس سلیقه و تنوع کانال‌های مشخصی پاسخ می‌دهند که درصد خطا در میان آنها کمتر است و با انتخاب منطقی‌تر در این گروه مواجهیم؛ زیرا شاخصه‌های نسبی را برای این کار پیگیری می‌کنند. البته، با توجه به اینکه اغلب رسانه‌های جامعه ما مخاطبان را با ملغمه‌ای از برنامه‌ها روبه‌رو می‌کنند و شاید شبکه‌ای همچون خبر شاخصی در میان شبکه‌ها در ارائه خروجی خاص برای جامعه است؛ اغلب مخاطبان شاخص کلی را نمی‌توانند برای انتخاب برنامه از میان انبوه آنها تعریف کنند. دوم؛ آنهایی که با سواد کافی درباره رسانه‌ها و برنامه‌ها نقادی می‌کنند. در این جماعت که در اقلیت به سر می‌برند، اتفاق جالب انتشار نقطه نظرات در سطح رسانه‌ای و ایجاد اثر برای تغییر ساختار خروجی رسانه است. این افراد به بهبود کیفی رسانه‌ها کمک می‌کنند؛ زیرا با افزایش سطح توقع مردم، رسانه‌ها ملزم به افزایش کیفی برای از دست ندادن مخاطبان خود هستند.

یکی از شیوه‌های گسترش سواد رسانه‌ای ارائه بیوگرافی و تشریح برنامه‌ها برای مخاطبان است که کمک شایانی به تفسیر و نقد آن با توجه به تصویرسازی ذهنی قبلی در میان آنها می‌کند. رشد آگاهی در میان مردم از طریق رسانه‌های

پژواک

بازنشستگی

مایکروسافت **پایان IE** را اعلام کرد



مایکروسافت رسماً اعلام کرد، پشتیبانی از اینترنت اکسپلورر را روی بیشتر نسخه‌های ویندوز پایان خواهد داد. کاربران دیگر قادر به استفاده از این مرورگر نخواهند بود و زمانی که بخواهند از نسخه ۱۱ این مرورگر استفاده کنند، به طور خودکار مرورگری مبتنی بر «کرومیوم مایکروسافت اج» باز می‌شود. البته باید گفت، برخی از نسخه‌های خاص و خیلی قدیمی ویندوز که مجوبیتی بین کاربران ندارند، از اینترنت اکسپلورر پشتیبانی خواهند کرد؛ اما این مرورگر رسماً پس از ۲۷ سال باز نشسته خواهد شد!

نرم افزار

بلو جونیور

آموزش مفاهیم پولی به کودکان



«بلو جونیور» بستری مناسب را برای آموزش مباحث اولیه مالی به فرزندان فراهم خواهد کرد تا بتوانند در آینده با دانش و درک عمیق‌تری نسبت به پیچیدگی‌های مالی امروزه روبه‌رو شوند. ایجاد حساب و صدور کارت شخصی برای فرزندان قدم مهمی در آشنایی آنها با مفهوم پول و بانک است که همراه با نظارت و مدیریت والدین در بلو جونیور امکان‌پذیر شده است. مدیریت فلک، پول توجیبی، خریدهای روزانه و... از جمله امکانات این برنامه است.

دانش بنیان

سد راه واردات

اندوسکوپ‌های انعطاف‌پذیر ایران ساخت

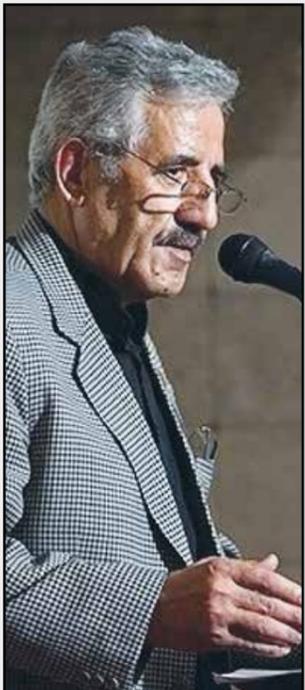


دستگاه‌اندوسکوپی انعطاف‌پذیر شامل یک لوله قابل انعطاف است و در سوری که وارد بدن می‌شود، عدسی دارد. این عدسی داخلی نامیده می‌شود و تصویر داخل بدن را از طریق یک کابل فیبر نوری قابل انعطاف به عدسی خارجی منتقل می‌کند. بیش از ۹۰ درصد قطعات این محصول بومی‌سازی شده و قیمت پایین‌تری نسبت به نمونه‌های خارجی دارد. به‌طور متوسط ۵۰۰ دستگاه در سال وارد کشور می‌شود، برنامه این طرح کلان ملی در ابتدا پوشش نیمی از بازار داخل و در فازهای بعدی پوشش کل بازار است.



فخر موسیقی آیینی

به بهانه درگذشت استاد محمدعلی کریم‌خانی



ارادت من را متوجه شدند، خاطرهای تعریف کرد از سال‌ها قبل که در شرکت ما همراه با استاد کریم‌خانی ملاقاتی با پدرم داشتند. پدر، استاد کریم‌خانی را نمی‌شناختند، پدر می‌گفت وقتی او می‌خواند تمام شیشه‌های اتاق می‌لرزید! پدر می‌گوید در سبک اوج خوانی باید شکلی باشد که شنونده احساس ضعف نکند و این در صدای کریم‌خانی مشهود است» یا چنگیز حبیبیان، خواننده پیشکسوت موسیقی پاپ که در وصف هنر و تعهد مرحوم کریم‌خانی گفت: «استاد کریم‌خانی در حوزه موسیقی آیینی و مداحی، صاحب سبک و بدعت بود. به طوری که می‌بینید وقتی ایشان نغمه معروف آدمم ای شاه پناهم بده را خواند، با اینکه معمای خواندن این قطعه حل شده بود، اما هیچ هنرمند دیگری نتوانست این نغمه و نوحه را حتی نزدیک به استاد کریم‌خانی بخواند.»

این تمایز، ناشی از همان دو عاملی است که ذکر شد؛ اخلاص در مداحی و مرثیه‌خوانی و نیز هنرمندی در به‌کارگیری سبک‌های اصیل موسیقی ایرانی. حالا روش و منش استاد پیش روی علاقمندان این عرصه و ذاکران جوان و هنرمندان آیینی است. روحش شاد.

گل برای باغبان باقی نمانده...» اینها نمونه‌های برجسته‌ای از باقیات صالحات مرحوم استاد کریم‌خانی است که هم بر غنای هنر آیینی افزوده و هم ان‌شاءالله پاداش و اجر آن را از ساحت نورانی ائمه هدی (علیهم‌السلام) خواهد گرفت. استاد کریم‌خانی از آن قبیل چهره‌هایی بود که به موسیقی آیینی در کشور ما وزن داد، اما خودش کمتر شناخته شد یا به قول معروف، «برو بیای» کمتری داشت. او هم مداح با اخلاص اهل بیت (ع) به معنای متعارف و سنتی مداح بود و هم یک هنرمند به روز و مسلط بر دستگاه‌ها و نغمه‌های موسیقایی و همین هنرمندی او باعث شده بود تا در لباس نوکری اهل بیت عصمت و طهارت (ع) سنگ تمام بگذارد و زیباترین و ماندگارترین آثار را خلق کند.

همایون شجریان پس از فوت استاد کریم‌خانی، درباره او گفته بود: «من آواز «من کجا باران کجا» را بر اساس آواز استاد کریم‌خانی تنظیم کردم. چندین سال قبل که صدای او را شنیدم، میبوت شدم و کارهای او را دنبال کردم و آوازی را طراحی کردم بر اساس قواعدی که ایشان آواز خود را خوانده بودند... در ادامه استاد محمد اصفهانی وقتی

حسین مهریزی

خبرنگار فرهنگی

می‌گویند برای اعلام خبر فوت افراد، از عبارت «درگذشت ناگهانی» استفاده نکنید! چون دنیا جای ماندن نیست و مرگ همیشه در کمین انسان است و آدم مسلمان و معتقد هم باید هر لحظه آماده هجرت به سرای باقی باشد. این حرف درست است، اما خبر درگذشت استاد «محمدعلی کریم‌خانی» از آن قبیل خبرهای تلخی بود که تعبیر «ناگهانی و غم‌انگیز» حقا و انصافاً برایش صدق می‌کند. چهره نازنین و مهربانی که بیش از آنکه با چهره‌اش برای مردم شناخته شده باشد، با صدای ملکوتی و دلنشینش در دل مردم ماندگار شده بود.

شاید کمتر کسی باشد یا حتی می‌توان با اطمینان تقریبی گفت، هیچ کسی نیست که نوای ماندگار او در عرض ارادت به ساحت مقدس امام علی بن موسی الرضا (علیه‌الآف التحیه و الثناء) را نشنیده باشد یا با شنیدن آن، حالش دگرگون نشده باشد؛ «آدمم ای شاه پناهم بده، خط امانی ز گناهم بده...» یا نوای محرمی او را نشنیده باشد که «مستان همه افتاده و ساقی نمانده، یک

فرهنگ

شماره ۱۰۵۲ | دوشنبه ۶ تیر ۱۴۰۱

صداقت

یادداشت

جای ظالم و مظلوم عوض شد!

شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار



حضور «برادران لیلا» در جشنواره‌های کن و مونیخ، حواشی بسیاری داشت؛ از نحوه پوشش بازیگران گرفته تا رفتارهای ناهنجار و برخی اظهارنظرهای خاص سیاسی! اما همه اینها که به کنار گذاشته شود، مسئله بر سر نحوه حضور فیلم‌های ایرانی بدون پروانه در این جشنواره‌های خارجی است. موضوعی که به محل چالشی جدی، بین فیلمساز و مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدل شده است. اما سؤال اینجاست که حق با کدام طرف ماجراست؟

«مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند.» و «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند.» این دو جمله که در صدر اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی قرار دارد، مهم‌ترین فراز قانون اساسی در بیان حقوق ملت است. افراد در برابر قانون برابرند و کسی نمی‌تواند مدعی تبعیض قانونی به نفع خود باشد. فرقی نمی‌کند فوتبالیست باشد یا هنرمند، فیلمساز باشد یا چهره سیاسی، قانون برای همه یکسان است. با این وجود، برخی‌ها مدعی هستند که قانون برای آنها نیست. از جمله اینکه بر اساس ماده ۵ آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه نمایش آنها (مصوب ۱۳۶۱ و اصلاحات بعدی)، «صدور فیلم‌های ایرانی به کشورهای دیگر به منظور فروش یا اجاره و یا شرکت در فستیوال مستلزم صدور پروانه مخصوص می‌باشد.» البته قانونگذار، ضمانت اجرای تخطی از این آیین‌نامه را هم در خود آن پیش‌بینی کرده و در ماده ۱۸ آیین‌نامه گفته است، اگر کسی از این فرآیند تخلف کرد، در مرحله اول، پروانه نمایش فیلم توقیف می‌شود و در مراتب بعدی، پروانه مقاضی هم ممکن است باطل شود.

علاوه بر اینها در دستورالعمل نمایش فیلم هم ذکر شده که شورای بازبینی فیلم، می‌تواند پس از بررسی فیلم، پروانه نمایش صادر کند و در خصوص حضور در جشنواره‌های خارجی باید این موضوع را در پروانه ذکر کند.

با وجود این مقررات قانونی، تهیه‌کننده و کارگران فیلم برادران لیلا، بدون اخذ پروانه نمایش راهی کن و مونیخ شدند و حالا که بر اساس مقررات قانونی، روند پروانه نمایش فیلم توقیف شده، صدای کارگردان بلند شده است که به «داد مظلوم برسید!» همه در برابر قانون برابرند و هر کس که در برابر قانون سرکشی کند، در واقع ظلم به حقوق بقیه کرده است. کسی که خودش منشأ ظلم بوده، نمی‌تواند فریاد و مظلوما سر دهد و بگوید که چرا فیلمش را توقیف کرده‌اند. بر اساس آنچه سازمان سنیمایی اعلام کرده، این فیلم در روند صدور پروانه نمایش بوده و قرار بوده است با اصلاح چند سکانس از فیلم، پروانه آن هم صادر شود؛ اما کارگردان و تهیه‌کننده ترجیح می‌دهند از قانون تمکین نکنند و بدون پروانه راهی فرانسه و آلمان شوند. مشابه جریان فیلم برادران لیلا، هر ساله در خصوص فیلم‌های دیگری هم که بدون پروانه ساخت فیلم تولید شده‌اند و بعد مقاضی دریافت پروانه نمایش هستند، نیز تکرار می‌شود و همه آنها می‌دانند که به قانون ظلم کرده‌اند، خودشان را در جایگاه مظلوم قرار می‌دهند؛ در حالی که واقعیت این نیست!

مراقب اعتماد مخاطب باشیم

برداشت

زیرنویس شود.

گاهی هم در یک برنامه، اگر میهمان به زبان مخاطبان مسلط باشد، با همان زبان صحبت می‌کند؛ کاری که می‌شد در برنامه اخیر «سیاست خارجی» هم انجام شود یا حداقل از ابتدا تذکر داده شود که مخاطب بداند میهمان برنامه زبان فارسی بلد است.

مخلص کلام اینکه، مراقب باشیم با سهل‌انگاری در تولیدات رسانه‌ای-به ویژه وقتی پای موضوعات حساس و سرنوشت‌سازی مثل آرمان‌رهای قدس شریف در میان است-هم اعتماد مخاطب را از بین نبریم و هم به امپراتوری رسانه‌ای دشمن میدان ندهیم.

مدتی از حاشیه‌سازی این گزارش نگذشته بود که ویدئویی دیگر از فارسی صحبت کردن ناگهانی میهمان هندی بر نامه «سیاست خارجی»-آن هم در حالی که از ابتدای گفت‌وگویی زنده، مترجم اظهارات او را ترجمه می‌کرد- در صفحات مجازی منتشر و با انتقاداتی مواجه شد.

اگرچه رسانه ملی در این باره توضیحاتی را ارائه داد، اما مسلم است که باید اتفاقاتی از این دست کاملاً آسیب‌شناسی شود، چراکه بزرگ‌ترین سرمایه رسانه ملی، اعتماد ملی است؛ اعتمادی که بینندگان به این رسانه دارند و قطعاً بیجا هم نیست. بنابراین باید تا می‌توان این اعتماد را حفظ کرد، نه اینکه با سپردن برنامه‌ها و

نسیم اسدیپور

دبیر گروه فرهنگ



چند روز پیش گزارشی در بخش ورزشی اخبار شبکه ۳ سیما پخش شد که با واکنش‌های بسیاری از سوی مخاطبان مواجه شد؛ به این دلیل که صحبت‌های «کریستیان رونالدو» متفاوت از آن چیزی بود که مترجم به مخاطب ارائه داد و همین تفاوت سبب شد تا ویدئوی این سخنان، با زیرنویسی از ترجمه درست صحبت‌های رونالدو در فضای مجازی دست به دست شود.

نگاهی به وضعیت ژانر طنز در سینمای ایران

به بهانه اکران فیلم انفرادی

بساز و بفروش!

آرش فهیم

منتقد سینما



فیلم «انفرادی» جدیدترین محصول سینمای ایران در ژانر کمدی است که روی پرده رفته است. این فیلم به کارگردانی مسعود اطیابی ساخته شده است؛ کارگردانی که سال قبل هم فیلم «دینامیت» را ساخت و با فروش بیش از ۵۸ میلیارد تومان، در رتبه اول جدول فروش سینمای ایران قرار گرفت. با اینکه فیلم «انفرادی» از بازیگران شناخته شده‌تری برخوردار است و قیمت بلیت سینما نیز افزایش یافته و شیوع ویروس کرونا هم فروکش کرده، اما این فیلم در شکست رکورد دینامیت ناکام مانده است و تا این زمان حدود ۳۵ میلیارد تومان به فروش رسیده است. وقتی دو فیلم را مقایسه می‌کنیم، «انفرادی» به مراتب پرده‌درانه‌تر است که این نشان می‌دهد حتی مخاطب عام و جوینده سرگرمی نیز از دوز بالای شوخی‌های سخیف در چنین فیلم‌هایی دلزده شده است.

ژانر کمدی، از اواسط دهه ۶۰ به یکی از

بدترین و نازل‌ترین شکل ممکن گردآوری می‌شود. تولیدکنندگان این فیلم‌ها نیز مانند سازندگان آن ساختمان‌ها فقط در پی این هستند که هر چه سریع‌تر و سطحی‌تر پروژه را تمام کنند و سراغ پروژه بعدی بروند و به سود بیشتری دست یابند. آنچه در این نوع فیلم‌ها به عنوان خنده و لبخند آن هم به ضرب و زور از مخاطب ستانده می‌شود، نسبتی با قواعد و اصول کمدی ندارد. شوخی‌های غیراخلاقی و اشارات پی‌درپی به موضوعات شرم‌آور یا به کار بردن حرکات و رفتار شنیع، چه ربطی به مفهوم محترم و ارزشمند کمدی دارد؟

یکی از عوامل مبنایی در ژانر کمدی و فیلم‌های طنزآمیز، بازیگران هستند. حتی می‌توان گفت در این نوع فیلم‌ها، نقش بازیگر اصلی یا گروه بازیگران در ایجاد موقعیت کمدی و فضاسازی طنزآمیز از کارگردان هم بیشتر است؛ اما همان اتفاقی که در حوزه نگارش فیلم‌نامه و کارگردانی برای فیلم‌های کمدی امروز سینمای ما رخ داده در زمینه بازیگری نیز قابل بررسی است. برای نمونه، فیلم «انفرادی» با حضور رضا عطاران، مهدی هاشمی و احمد مهرافر ساخته شده است؛ اما این سه نفر در انفرادی فقط نقشی ویرتینی و تبلیغاتی دارند و اصلاً



بازی نمی‌کنند. گویی آنها هم مثل بقیه عوامل، تنها برای کسب معیشت و اجرای یک پروژه تجاری آمده‌اند بدون اینکه کار هنری انجام دهند. به ویژه رضا عطاران که در «انفرادی» یکی از ضعیف‌ترین بازی‌های خود را انجام داده است؛ نکته در خور توجه این است که طی ماه‌های اخیر، برخی از سریال‌های تلویزیونی با بازی عطاران از سیما بازپخش شدند. مقایسه بازی رضا عطاران در این سریال‌ها با بازی وی در فیلم‌های کمدی، چون «انفرادی» گویای آن است که این بازیگر دچار افت فاحشی شده و اغلب درحال تکرار خودش هست. این هم از عواقب منفی کمدی به سبک بساز و بفروشی است که سطح کار بازیگران را نیز پایین می‌آورد.

معمولاً سازندگان فیلم‌هایی مانند «انفرادی» در دفاع از تولید چنین آثار، اعطای شادی و نشاط به مردم را بیان می‌کنند و می‌گویند با ساخت این فیلم‌ها، مخاطب را برای ساعاتی از زندگی روزمره و درگیری با مسائل اقتصادی دور می‌کنند، اما متأسفانه این فیلم‌ها مثل مسکن و حتی مخدر هستند که با اغفال مخاطب، دقایقی او را به خلسه می‌برند، و لسی در واقع به تخریب ذائقه وی و نزول فرهنگ کشور می‌انجامد.

بهترین استفاده از قوای انسانی

محمدرضا قضایی
کارشناس علوم اسلامی

پروردگار انسان را با قوای گوناگونی آفرید تا بتواند زندگی انسانی و الهی داشته باشد. قوایی مانند قوای محرکه و قوای مدرکه که در تقسیمات فلاسفه و عرفا آمده است. ساده‌تر آنکه انسان صفات و احساساتی دارد که او را برای درک و حرکت کمک می‌کند. تعقل و تفکر، خشم، غضب، شادی، غم، شهوت، قدرت طلبی، کمال‌طلبی، عجب‌بودن، حرص، طمع، قناعت، هیجان، صبر و بسیاری صفات و حالات دیگر که برخی از آنان به‌تازگی کشف شده است و امکان دارد برخی از این صفات و مدرکات هنوز ناشناخته باشد. همه این حالات برای انسان لازم است و نمی‌توانیم یکی از آنها را اضافی و ناکارآمد بدانیم. اینها ابزار زندگی هستند که اگر کنترل شوند، انسان به کمال می‌رسد؛ اما اگر رها شود، اژدهایی می‌شوند که هر چیزی در برابر خود بینند، می‌بلعند و انسان را هلاک می‌کنند. برای نمونه، «خشم» ابزاری برای دفع شرور و اشرار است، نه برای زیر سؤال بردن انسانیت و الوهیت و نابودی او و مخلوقات دیگر. توصیه‌ها و دستورات متعدد دینی بر این محور قرار دارد که انسان باید قوای خود، احساسات و توانایی‌هایی را که خدا به او داده است، در راه درست استفاده کند. در همین مثال باید بدانند در کجا خشم خود را به‌کارگیرند و در کجا به‌کار نگیرند، در به‌کارگیری خشم چطور عمل کنند و چطور عنان اختیار آن را در دست نگاه دارند؟

خداوند در قرآن کریم به همین قوه که باید در جای درست استفاده شود، اشاره کرده و لطفش را به مؤمنان، زودن خشمی می‌داند که امکان دارد انسان را از مسیر انسانیت و ایمان خارج کند و در این هنگام می‌فرماید: «یا آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به‌دست شما مجازات کرده و رسوا می‌سازد و شما را بر آنها یاری می‌دهد و سینه گروه مؤمنین را شفا می‌بخشد [و بر قلب آنها مرم هم می‌نهد] و خشم دل‌های آنان را از میان می‌برد و خدا توبه هر کس را بخواهد [و شایسته ببیند]، می‌پذیرد و خداوند دانا و حکیم است.» (توبه/۱۴ و ۱۵) به‌عبارتی اولاً در مقابل دشمن باید خشم خود را مدیریت کنید و در نابودی آنها افراط نکنید. ثانیاً خشم خود را مدیریت کنید و اگر عده‌ای از آنان پشیمان شدند و توبه کردند و خواستند مسلمان شوند، قبول کنید و نگویید دروغ می‌گوید. ثالثاً پس از قتل نیازی نیست خشم‌تان را در دل‌تان نگاه دارید که سبب شود از کنترل شما خارج شود، کینه شود و دامان خود و دیگران را بگیرد. همچنین خداوند همین خشم کنترل نشده و غیر صحیح را عامل مرگ مشرکان می‌داند. (آل‌عمران/۱۱۹) همچنین افرادی را که نفاق به خرج داده و همیشه سعی دارند محبوب دل دوست و دشمن باشند، مذمت کرده و به خشم آوردن کافران را جزء صفات نیک برشمرد است. (توبه/۱۲۰) پس قوای انسانی و صفاتی که خداوند در وجود انسان قرار داده، اگر نباشند و اگر کنترل نشده و در مسیر درست قرار نگیرند، انسانیتی وجود ندارد. مؤمنان واقعی کسانی هستند که از این ابزارها برای زندگی الهی استفاده می‌کنند و از قوای خود برای رسیدن به کمال یا مبارزه با دشمنان خدا بهره می‌برند.

قلب انسان در معرض خطر غفلت‌زدگی

گفتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی



قرار می‌دادند. یکی از مبنای تربیتی انسان‌ها آن است که بدانند انسان ضعیف است. این ضعف در حوزه‌های مختلفی نمود دارد؛ از جمله اینکه انسان فراموش‌کار و اهل نسیان و غفلت است. یکی از اصولی که در برابر این حالت مؤثر است، تذکر است. روش تکرار و تلقین به قلب می‌تواند در تذکر و رفع نسیان مؤثر باشد. انمه معصوم (ع) در هر شریطی از تکرار و توجه دادن به معاد استفاده می‌کردند؛ برای نمونه وقتی امام علی (ع) برای عبادت به خانه یکی از یاران خویش در بصره وارد شدند، خانه بزرگ او را بهانه کرده و از تلاش برای آبادی آخرت سخن به میان آوردند و...

در امکان آن است. در متون دینی هم بیشتر استدلال‌ها ناظر به بحث امکان معاد و پاسخ به شبهات در امکان معاد است و با اثبات امکان معاد عقل تعبداً وجود آن را قبول خواهد کرد؛ اما حکمت وجود عالم پس از مرگ چیست؟ بیان صفات قیامت و دنیای پس از مرگ در قرآن و بیان معصومان، تا حدودی ما را با این حکمت‌ها آشنا می‌کند. راه‌هایی را که قرآن برای اثبات امکان معاد در شکل استدلال منطقی عرضه کرده، می‌توان در شش موضوع خلاصه کرد: ۱- آفرینش نخستین، ۲- قدرت مطلقه خداوند، ۳- مرگ و حیات مکرر در جهان گیاهان، ۴- تطورات جنین، ۵- بازگشت انرژی‌ها و ۶- نمونه‌های عینی معاد.

قلب انسان در معرض خطر غفلت‌زدگی قرار دارد و از دام نسیان در امان نیست، به ویژه هنگامی که بحث ایمان به غیب در میان باشد... معصومین برای کنار زدن پرده غفلت همواره ذکر مرگ و جهان پس از مرگ را نصب‌العین مردم

یکی از مهم‌ترین اصول اعتقادی که در متون دینی اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل شده‌اند، مسئله حیات پس از مرگ و زندگی اخروی است که به اصطلاح به نام «معاد» شناخته می‌شود... بنا بر مبنای مکملیت عقل و وحی، روشن است که برخی از مفاهیم اعتقادی را با اصل تعقل و پاره‌ای دیگر را باید با اصل تعبد اثبات کرد. اگر چه اصل اعتقاد به معاد با دلایل عقلی قابل اثبات است؛ اما چگونگی آن و دیگر صفات مختص به آن از مواردی است که دست عقل از آگاهی یافتن به اکثر این خصوصیات کوتاه است؛ در نتیجه بسیاری از خصوصیات آن با بیان وحی اثبات می‌شود. البته وحی که انسان به راستی و درستی آن با دلایل عقلی پی برده است. پس از اثبات وجود خداوند و صفات وی و اثبات مقام نبوت و صدق تعالیم انبیا، راهی برای نفی معاد، که از اصول تمامی ادیان توحیدی شمرده شده، نیست. مانع عمده پذیرش و ایمان به معاد تردید

شرط سعادت خواست و عمل انسان است

نیروی قدرت‌مندتر و مؤثرتر و کارتر از نیروی مردم برای تغییر سرنوشت‌شان پیدا کنیم. فرض کنید در جامعه‌ای فقر گسترش پیدا کرده و در حال نابودی آن جامعه است، این زمان زمانی است که باید رحم، انصاف، انفاق، راستی، صداقت و... بیش از قبل در جامعه رشد پیدا کند. به طور مسلم هرگونه هدایت، نجات و تغییری را خداوند صورت می‌دهد. «هر که را خدا هدایت کند، او راه‌یافته است؛ و کسانی را که گمراه نماید، آنان خود زیانکارانند.» (اعراف/۱۷۸) هرگاه هم خداوند راه هدایت را به قومی نشان دهد، باید شکرگزار باشند تا این هدایت ادامه پیدا کند. «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرُوا وَإِنَّمَا كَفَرُوا»؛ راه را به او نشان داده‌ایم، یا سپاسگزار باشد یا ناسپاس. (انسان/۳) البته آنچه از جمع آموزه‌های مکتبی به ما رسیده، این است که خداوند راه هدایت را در مقابل تمام بندگان خود قرار می‌دهد و مانند نور خورشید می‌تابد تا کسانی که مقدمات دریافت نور را در خود ایجاد کرده‌اند، آن را دریافت کنند.

یکی از همین راه‌هایی که خداوند در مقابل پای انسان‌ها و حتی اقوام قرار می‌دهد، درک و علم لازم برای تغییر است. گاهی انسان‌ها مشکلی دارند که نمی‌دانند آن چیست؟ اما گاهی هست که مردم می‌دانند باید چه اقداماتی انجام دهند تا مشکلاتشان برطرف شود؛ اما به انگیزه و اراده نیاز دارند.

در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. خداوند خود را خالق، نعیم، رحمن، رحیم، کریم و... می‌داند و به همین دلیل با دست باز و وسعت بی‌انتهایش به انسان نعمت‌های خود را عطا می‌کند؛ اما مشکل آنجاست که انسان‌ها با تغییر در حال معنوی خود این نعمت‌ها را در می‌کنند و در راه دریافت آن مانع ایجاد می‌کنند یا عوامل دیگر... «ذَلِك بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ این [کثیر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته، تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند و خدا شنوای داناست. (انفال/۵۳)

نعمت‌هایی که خداوند برای مردم در نظر گرفته، دایره وسیعی دارد. گاهی نعمت علم است و گاهی نعمت عمل، گاهی باید برای تغییر به سمت عالم شدن رفت و گاهی باید به سمت عامل شدن. در هر صورتی که فرض بگیریم، تغییر در جامعه فقط از سوی مردم یک قوم صورت می‌گیرد، نه نیروی دیگر.

نمونه‌های فراوانی در تاریخ می‌توان یافت که نیرویی خارجی یا غیر مردمی خواسته سرنوشت آن مردم را تغییر دهد؛ اما به‌واسطه مقاومت و ایستادگی مردم نتوانسته راه به‌جایی برود و به‌عکس.

در تعالیم اسلام هر قدر بگردیم، نمی‌توانیم

الهی و دینی شیوه تغییر درست را انتخاب کنیم. در قرآن و روایات درباره تغییر پیدا کردن و تغییر ایجاد کردن دستورات بسیاری آمده است. شاید بتوانیم بگوییم تمام دین را همین تغییر درست و تغییر نکردن از راه درست دربرمی‌گیرد.

تغییر در بهتر شدن و بالاتر رفتن و تغییر نکردن در بدتر شدن و از مقام انسانی نزول پیدا کردن. پس در این دو حالت کلی، اگر مطیع خداوند باشیم، در مسیر او تغییر می‌کنیم و اگر مطیع شیطان باشیم، به سمت او تغییر مسیر پیدا می‌کنیم.

خداوند خودش را هدایت‌کننده می‌داند «و الله يهدي من يشاء الى صراط المستقيم» (بقره/۲۱۳) و می‌خواهد انسان‌ها برای تغییر موانع را کنار بزنند. نه به‌سمت شیطان که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (نور/۲۱) در انواع تغییر باید از تغییر فردی و اجتماعی نام ببریم. در دین مسأله تذهیب را برای تغییر فردی می‌شناسیم (بقره/۱۲۹ و ۱۷۴ آل عمران/۱۶۴؛ جمعه/۲) و تصمیم را برای تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی (رعد/۱۱) که البته به‌همان تذهیب نفس و عالم و عامل شدن وابسته است.

خداوند در سوره رعد تنها شرط تغییر را در یک امت، ملت، قوم، جامعه و کشور تصمیم برای تغییر در خود آنها می‌بیند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»؛

سیدحسین
خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



اگر قاطعانه بگوییم «انسان با تغییر رشد می‌کند و به کمال می‌رسد» به‌خطا نرفته‌ایم. سنت الهی بر این است که انسان و همه عالم را بر مدار تغییر قرار دهد و از او بخواهد که برای رشد و کمال، تحول و تغییر را پیش بگیرد. زندگی انسان باید مانند تغییر فصل‌ها تغییر کند تا زیبا شود و از خودمردگی و خستگی خارج شود.

این سنت الهی در طرف دارد، در طرفی ایجاد تغییر را برای انسان ضروری دانسته و در طرف دیگر جلوگیری از تغییر را خواسته است که مطابق با خواست انسان‌ها صورت می‌گیرد.

بنابراین، مهم‌ترین عاملی که می‌تواند انسان را در زندگی به سمت سعادت ببرد، تغییر، اصلاح و تحول است. بیان شریف پیامبر (ص) که می‌فرماید: «إِنِّي بَعُثْتُ لَكُمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» معطوف به همین تغییر است؛ زیرا تکامل به تغییر در حال، قول و فعل افراد نیاز دارد. در جامعه نیز تصمیم برای یک سرنوشت انسانی و الهی باید از سوی مردم یک جامعه آن هم با تغییر در حالات، گرایش‌ها، عقاید، عملکردها و... صورت پذیرد. تغییر مانند بسیاری از افعال نفسانی و انسان دو بعد خوب و بد دارد که باید با درس‌آموزی در مکتب

جمهوریت و اسلامیت

حجت‌الاسلام کاظم قاضی‌زاده: یکی از مسائل جدی که مورد مناقشه و اختلاف‌نظر بین متفکران اندیشه سیاسی اسلام است، نسبت جمهوریت و اسلامیت در اندیشه اسلامی است. اینکه مشروعیت حکومت در عصر غیبت به چیست؟ در گذشته تاریخی فقه شیعه مطرح نبوده است. اولین فقیه شیعی که جایگاه مردم در حکومت اسلامی را به‌طوری جدی مطرح کرده، مرحوم نائینی است که بحث مجلس شورا را مطرح و سعی کرده است نظریه‌پردازی کند. طرح جدی حکومت اسلامی برای پسا پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) مطرح شده است... ایشان به «مشروعیت مردمی» قائل هستند.



وکلائی خمس

پرسش: هنگامی که خمس را به وکلای حضرت‌عالی در منقعه تحویل می‌دهیم، گاهی سهم امام (ع) را بر می‌گردانند و می‌گویند که از طرف حضرت‌عالی در این کار مجاز هستند، آیا مصرف آن مبلغ، در امور خانواده جایز است؟

پاسخ: اگر در اجازه کسی که مدعی اجازه است، شک دارید، می‌توانید به‌صورت محترمانه از او بخواهید که اجازه خطی خود را به شما نشان بدهد یا از او قبض رسید را که مهر ما بر آن خورده، درخواست کنید، اگر آنان طبق اجازه‌ای که از ما دارند عمل کرده‌اند، عمل‌شان مورد تأیید است.

اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۰۰۷



تقلیل خوی حیوانی

علامه حسن حسن‌زاده‌آملی: باید انسان یک مقدار زیاده بر معمول تقلیل غذا و استراحت بکند تا جنبه حیوانیت کمتر و روحانیت قوت بگیرد... اولاً انسان روز و شب زیاده از دو مرتبه غذا نخورد، حتی تنقل ما بین‌الغذائین نکند. ثانیاً هر وقت غذا می‌خورد باید مثلاً یک ساعت بعد از گرسنگی بخورد و آنقدر بخورد که تمام سیر نشود. این در کم غذا؛ و اما کیفش باید غیر از آداب معروفه، گوشه‌ت زیاد نخورد و اگر بتواند روزه‌های سه روز هر ماه را ترک نکند. شبانه‌روز شش ساعت بخوابد و البته در حفظ لسان و مجانبت اهل غفلت اهتمام زیاد کند.



نماینده ولی فقیه در سپاه در همایش بسیج اساتید کشور تأکید کرد

پیام آقا فرمان است



حسن ابراهیمی

خبرنگار

«سایه مبارک استاد متعهد و متدین و مجاهد بر سر دانشگاه کشوریکی از بزرگترین نعمت‌های الهی و نویددهنده سرفرازی و رستگاری آینده ملت ایران است. علم نافع و پیشرفته شما چه در موضوعات راهبردی و اساسی و چه در مسائل نقد و کاربردی نیاز حتمی و فوری کشور است. فعالیت استاد بسیجی تنها تعلیم نیست پیشرفت علمی، نوآوری در ماهیت دانش و زبان آن، آمیختن آموزش با اخلاق و تربیت نفسانی، همت به دوگانه فراگیری تازه‌های علمی و اجتهاد و تولید علم و وظایف دیگری از این قبیل نیز در زمره مسئولیت‌های استاد علم است و شما بسیجیان عزیز در همه این زمینه‌ها می‌توانید پیشتاز و پیشران باشید.» این بخشی از پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است به نشست بسیج اساتید کشور که رئیس نهاد رهبری در دانشگاه‌ها آن را قرائت کرد.

♦ پیام آقا تذکر نیست، فرمان است
حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه در این نشست اظهار داشت: «از بین هفت تدبیر و مطالبه رهبر معظم انقلاب در

۱۴ خرداد ۶ مورد با نگذاریم بود.» وی گفت: «جهاد در سبک زندگی اسلامی و ایمانی سبکی دانمی و تغییر ناپذیر است. جهاد تعطیل‌ناپذیر است. جهاد و زندگی جهادی الزاماتی دارد.»
نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از الزامات زندگی جهادی را احساس درد و رصد خطر دانست و گفت: «بهترین نسخه را برای آن بیماری و خطر دادن است.» حاجی صادقی ادامه داد: «دشمنان می‌گویند در انقلاب اسلامی آن کس که جای امام آمد از جنس امام بود و در ادامه می‌گویند آنکس که نگذاشت امام بمیرد و مکتب امام گرفتار ارتجاع شود، رهبری بود.» وی افزود: «درست است که انقلاب گرفتار ارتجاع نشد؛ اما افراد گرفتار ارتجاع شدند، بعضی در اندیشه و بعضی در دنیاگرایی گرفتار ارتجاع شدند. مواظب ارتجاع‌های دیگر باشیم.»
نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افزود: «دشمنی که نتوانست در رهبری ارتجاع ایجاد کند، به دنبال ارتجاع در جاهای دیگر است. ارتجاع در بسیج و اساتید یکی از این محورهاست.»
حاجی صادقی گفت: «رجعت در ارزش‌ها، رجعت در الگوها، رجعت در سبک زندگی به ویژه در سبک مدیریت، استحاله ایدئولوژیک، القای یأس و ناتوانی، ارائه مدل‌های غلط از روحیه انقلابی دینی و از همین روداعش را درست کردند، یکی از محورهای دیگر رجعت این است که مردم را از همراهی انقلاب

ببرند. دشمن مدت‌هاست این رجعت‌ها را دنبال می‌کند.» وی گفت: «بسیج اساتید، آقا حجت را بر شما تمام کردند. نگوییم تذکر دادند و توصیه کردند. اینها فرمان است. نسخه رهبر معظم انقلاب جهاد ترکیبی است و اساتید ما امروز باید در همه عرصه‌ها فعال باشد که از همه مهم‌تر جهاد تبیین است.»
♦ چمران اول پیروز جهاد اکبر بود
حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی رهبری معظم انقلاب در دانشگاه‌ها، پس از قرائت پیام امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این همایش گفت: «این پیام مأموریت و مسئولیت اساتید بسیجی در دانشگاه‌ها را سنگین‌تر و سخت‌تر می‌کند، چون ما امروز در مقطعی قرار داریم که زمان تحقق اتفاقات بزرگ که جزء آرزوهای بزرگ انسان‌های صالح بودند، بیشتر حفظ می‌شود. در واقع امروز به تعبیر رهبر معظم انقلاب ما در پیچ‌های تاریخی قرار گرفته‌ایم و امروز باید خود را برای تحولات بزرگی که در دنیا در حال رخ دادن است، آماده کنیم و این وظیفه‌ای است که بر عهده اساتید بسیجی قرار دارد.»
رستمی با تأکید بر اینکه مسئولیت اساتید در جهاد تبیین و جهاد نرم مسئولیت سنگین‌تری است، افزود: «همان‌طور که در بیانیه گام دوم هم تأکید شده، ما ابتدا باید به خودسازی بپردازیم و این خودسازی از ویژگی‌های شهید چمران به منزله یک خودساخته مجاهد و یک قهرمان در مبارزه با جهاد نفس و قهرمان

در میدان جهاد به شمار می‌رود.»
رئیس نهاد نمایندگی رهبر معظم انقلاب در دانشگاه‌ها با اشاره به اینکه در زمان جنگ خیلی‌ها دنبال دعوای سیاسی و گرفتن پست و مقام و تقویت حزب خود و تضعیف حزب رقیب بودند و همچنین خیلی‌ها تلاش می‌کردند که برای خود غنایم جمع کنند، ولی شهید چمران با وجود اینکه مسئولیت‌های بزرگی هم داشت میدان عمل خود را در دهلاویه و در کنار رزمندگان قرار داد، اضافه کرد: «جهاد اکبر درون شهید چمران به صحنه پیروزی او در مقابل شیطان و هوای نفسش تبدیل شده بود.»

♦ چمران فرزند زمان خود بود

سردار سیدقاسم قریشی، هم در این همایش، اظهار داشت: «روى دستور عملیاتی که ما باید تأکید کنیم، سندی جامع‌تر و کامل از بیانیه گام دوم انقلاب نیست.» وی گفت: «انقلاب اسلامی در نزدیک به پنج دهه از عمر پربرکت خود در یک نبرد نامساوی امروز در سطح بالا و مطلوبی قرار دارد. ایران امروز نه تنها در منطقه که در سطح جهان حرف‌هایی برای گفتن دارد. امروز بیش از ۹۵ درصد از داروهای موردنیاز خود را تأمین می‌کنیم و مانند گذشته وابسته به خارج نیست. علاوه بر این، در بسیاری از حوزه‌ها نیز شامل چنین وضعیتی هستیم.» جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین افزود: «کشور امروز در شرایطی قرار گرفته که تحریم می‌شود تا به دنیا پهباد و موشک ندهیم، در صورتی که در ابتدا ما را تحریم می‌کرد تا سم خاردار به ما ندهند. امروز از توانمندی‌های بالای علمی و نظامی برخورداریم و در این میدان بسیج اساتید نقش محوری دارد.»

سردار قریشی با بیان اینکه رضاخان و پسرش خائن‌ترین حکام ایران بودند، افزود: «تلاش دشمن و کم‌کاری ما باعث شده است تا این خائنان به شکل دیگری معرفی شوند.»

♦ پیامی امیدآفرین

دکتر محمدرضا مردانی، مسئول سازمان بسیج اساتید کشور هم در این همایش در بخشی از سخنان خود گفت: «بر خود واجب می‌دانم، به نمایندگی از بسیج اساتید مراتب تشکر، امتنان و افتخار بی‌حد و اندازه اساتید بسیجی را از دریافت پیام متعالی، امیدآفرین، دقیق و راهبردی فرمانده کل قوا (حفظه‌الله) ابراز کنم. بی‌شک این پیام نورانی روحیه و توانی مضاعف به همه اساتید بسیجی در همه دانشگاه‌های کشور خواهد بخشید و موجب تقویت عزم و اراده اساتید برای حضور فعال‌تر در عرصه‌های جهاد علمی، جهاد اقتصادی، جهاد فرهنگی، جهاد تبیین و سایر عرصه‌های لازم و موردنیاز جمهوری اسلامی خواهد شد.»

قرارگاه ثارالله ۳۰ ساله شد

تهران لنگرگاه ثبات و آرامش ایران

فرمانده قرارگاه ثارالله تهران با بیان اینکه دشمن در طبل تحریک اذهان مردم می‌کوبد، گفت: «همه دستگاه‌ها باید تلاش خود را برای تولید امنیت انجام دهند تا مردم تلاش‌ها را در میدان ببینند.» سرلشکر سلامی در پایان از مردم به‌عنوان کلیدواژه قدرت نام برد و گفت: «با خدمت به مردم، روحیه فداکاری و گذشت اجازه نمی‌دهیم که دست دشمن به حریم امنیت ما برسد و امنیت را مردمی می‌کنیم.»

♦ مهم‌ترین قرارگاه سپاه

سردار سرلشکر سیدحیی صفوی، دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا در این مراسم، گفت: «ایمان بیابوریم به حکمت و دوراندیشی رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۶۹ فرمودند حفاظت سرزمینی تهران بر عهده سپاه پاسداران است و در ادامه سال ۱۳۷۱ فرمان تشکیل قرارگاه ثارالله را صادر کردند.» مؤسس قرارگاه ثارالله تهران افزود: «از سال ۱۳۷۱ قرارگاه ثارالله مسئولیت دفاع و امنیت تهران را بر عهده دارد.»
سردار صفوی تأکید کرد: «هدف اساسی و غیرقابل تغییر هر حکومت و دولت مردم‌پایه، حفظ امنیت ملی، منافع ملی و حفظ ارزش‌هاست و این هدف اساسی در مقابل تهدیدات مورد خطر واقع می‌شود و عمده خطرها و تهدیدها، در پایتخت هر کشور اتفاق می‌افتد.» دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا با بیان اینکه امنیت تهران در واقع امنیت ایران است و اولین و مهم‌ترین منطقه حیاتی ایران، تهران است خاطر نشان کرد: «مهم‌ترین قرارگاه سپاه

و ثبات انقلاب و جامعه نام برد و اضافه کرد: «تهران شهری با دامنه‌های بین‌المللی و تأثیرات جهانی و نیز با مردمانی آگاه و بصیر است که سختی‌ها را با قدرت آگاهی و ایمان و تحمل پشت‌سر گذاشته‌اند.»
وی با بیان اینکه «دشمنانی که ارزش‌های ما را تحریف می‌کنند به دنبال این هستند که آستانه تحمل مردم را کاهش دهند»، تسلیم را نسخه دشمن برای ملت ایران نامید و گفت: «آنها دشمن هویت، عزت، استقلال، آزادی، شرف و کرامت ما هستند و هرگز نسخه سعادت ملت ایران را تجویز نمی‌کنند.»
سرلشکر سلامی با ابراز اینکه مردم ایران می‌دانند که آنچه در ذهن رهبر معظم انقلاب می‌گذرد، جز سعادت، پیشرفت، امنیت، استقلال، آزادی و حرمت این جامعه نیست، تصریح کرد: «قدرت فیزیکی یک نظام خوب است؛ اما اگر حکمت رهبری پشت آن نباشد، آن قدرت به عکس خود تبدیل می‌شود؛ مانند آمریکا که فاقد یک رهبر با روحیه کاریزما است و از قدرت حکمت برخوردار نیست و همین امر باعث فرسایش روح جامعه می‌شود.»
فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه «باید تولید امنیت کنیم نه اینکه مانع نامی بشویم»، خاطر نشان کرد: «تولید امنیت به این معناست که امنیت باید آنقدر بزرگ و ریشه‌دار باشد که هیچ چیز قادر به بهم زدن آن نشود، در حالی که جلوگیری از ناامنی آخرین مرحله از تلاش است و ما به بهترین روش می‌اندیشیم و آن روش تولید امنیت است.»



علیرضا جلالیان

دبیر گروه سپاه

آیین گرامیداشت سی‌امین سالگرد صدور فرمان تأسیس قرارگاه ثارالله تهران از سوی فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و تجلیل از خانواده‌های معظم شهدای این قرارگاه با حضور جمعی از فرماندهان سپاه و مسئولان کشوری برگزار شد.

♦ تهران لنگرگاه ثبات و آرامش انقلاب

سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرمانده قرارگاه ثارالله تهران در این آیین با اشاره به اینکه در دنیا یک نقطه مرکزی تدبیر، الهام، آگاهی، حرکت و راهبرد وجود دارد که با دنیای کفر و الحاد ستیز می‌کند، گفت: «دشمن این نقطه را شناسایی کرده است و می‌داند که تحمیل شکست‌های بی‌درپی آنها به‌ویژه در بلاد اسلامی از این نقطه است.» وی افزود: «دشمنان دریافته‌اند که شیب شتاب‌دار نزول قدرت آنها از این نقطه سرچشمه می‌گیرد و به همین جهت این نقطه، نقطه تقابل تمام دشمنی‌ها و همگرایی‌های شیاطین عالم و نقطه‌ای است که در آن همه توطئه‌ها خنثی می‌شود و آن شهر تهران است.»
سرلشکر سلامی از تهران به منزله لنگرگاه آرامش

سرهنگ پاسدار برادر مسلم نصراللهی

مدیر محترم هماهنگی دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه

ضایعه درگذشت ابوالرزو جهره گرامیتان، برادر شهید و رزمنده دوران دفاع مقدس کربلایی شیرعلی خلوصی را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت می‌گوییم. از خداوند منان برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر اmsلنت می‌نماییم.

نماینده ولی فقیه، معاونت سیاسی و هفته‌نامه صبح صادق

جناب آقای دکتر حمید قنبری

مسئول محترم مرکز آموزشی پژوهشی معارف اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

با نهایت تأسف درگذشت همشیره گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت می‌گوییم و از درگاه ایزدمنان برای آن مرحومه رحمت و مغفرت و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نماییم.

نماینده ولی فقیه، معاونت سیاسی و هفته‌نامه صبح صادق

۱۵

پاسدار

شماره ۱۵۵۲ | دوشنبه ۶ تیر ۱۴۰۱

صداقت

روى خط

چرا طرح مساعدت اجرا نمی‌شود؟!

۰۹۱۴۰۰۰۸۹۶۱ / از هفته‌نامه صبح صادق بابت انعکاس اخبار پیشرفت‌های امیدآفرین در حوزه‌های مختلف به ویژه مهارکرونا تقدیر و تشکر می‌کنیم.

۰۹۱۵۰۰۰۳۷۲۹ / بیش از یک ماه از نام‌نویسی وام فرزندآوری گذشته است؛ ولی هنوز پیامک مراجعه به بانک به منظور تشکیل پرونده ارسال نشده است.

۰۹۱۵۰۰۰۳۷۲۹ / چرا در مصوبات و ابلاغیات دولت عنوان و شهرهای مرزی قید شده، ولی مزایای شهرهای مدنظر را اعمال نمی‌کنند؟

۰۹۱۲۰۰۰۶۲۸۱ / آسای زاکانی و آقایان نمایندگان مجلس و وزراء از ماشین‌های خود و ماشین‌های دولتی پیاده شوید و در تهران با وسایل نقلیه عمومی رفت‌وآمد کنید تا مشکل حمل‌ونقل تهران حل شود. سواره‌حال هیچ پیاده‌ای را درک نمی‌کند!

۰۹۲۱۰۰۰۸۸۲۸ / لطفاً به اطلاع مسئولان محترم برسانید که چطور کارکنانی که صاحب منزل شخصی هستند، همچنان در منازل سازمانی سکونت دارند؟ بهتر است منازل سازمانی به جوانان تازه ازدواج کرده یا تازه فرزنددار شده داده شود.

۰۹۳۹۰۰۰۰۲۶ / دلیل اجرا نشدن طرح مساعدت به کارکنانی که صاحب فرزند دوقلو و چندقلو هستند، چیست؟ بندهای اولویت داشتن در منازل سازمانی و پروژه مسکن کارکنان اجرایی نشده است. برای ایجاد عدالت و حذف هرگونه شبهه زیرساخت رزرو امکان زیارتی و سیاحتی سیستمی از سوی خود کارکنان ثبت شود؛ همانند سایر کارکنان ادارات.

۰۹۱۷۰۰۰۷۰۲۶ / تفاوت متولدان سال ۱۳۹۹ با سال ۱۴۰۰ چیست که وام مشوق فرزندآوری تعلق نگرفته است!

۰۹۳۶۰۰۰۲۸۳۸ / نمایندگان مجلس با چه حقی می‌توانند بیت‌المال را که متعلق به همه ملت است، در قالب قیر رایگان و تخفیف خوراک پتروشیمی و پتروپالایش و... به جیب یک عده خاص بریزند، راهکار ماجرا دادن سهم هر ایرانی از سرمایه‌های ملی، مانند منابع هیدروکربوری و منابع معدنی است و اخذ در صدی مالیات از این درآمد برای مصارف دولت.

۰۹۱۹۰۰۰۴۷۱۲ / متأسفانه قانونی در کشور وجود ندارد که اگر حقوق بگیر دولت یک فعلی را که قانون به او محول کرده سر موعد به نتیجه نرساند، حقوقش تا به نتیجه رسیدن کار مسدود شود، کارمند دولت حقوق می‌گیرد که کار مردم و تکلیف‌های قانونی انجام شود، اگر انجام نشد، حقوق هم نباید داد. این کار خیلی از امور کشور را اصلاح می‌کند. خودش ضمانت اجرایی مهمی برای همه امور است.

۰۹۱۲۰۰۰۷۸۹۶ / تلاش دولت برای ایجاد روابط اقتصادی با کشورهای همسایه امید بخش است، امیدوارم به زودی شاهد تأثیر ملموس رویکرد جدید در سیاست خارجی در اقتصاد جامعه و معیشت مردم

ببینیم

۳۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

سامانه پیامکی هفته‌نامه صبح صادق

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله جوانی سردبیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی، سیامک باقری، سعداللزاعی، عزیز غضنفری، فرهاد مهلوی، مهدی سعیدی، فتح‌الدین پیمان، احد کریم خانی، حسین عبداللہی فر دبیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی مدیر فنی: محمد صالح نادری نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی عکاس: حامد گودرزی ناظر چاپ: سعید قاسمی چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۴۴۶ (۰۲۱) تلفن: ۱۱۰۱۰۰۷۷۴۶۰۳۳ (۰۲۱) sswweekly.ir @ssweekly info@ssweekly.ir شماره: ۷۷۴۸۸۴۶ سامانه پیامک: ۳۰۰۹۹۰۰۳۳ شماره ۱۰۵۲ | دوشنبه ۶ تیر ۱۴۰۱

کتیبه سبز

ذوالفقار هم باشید

به مناسبت سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)

جهان برای شکوفا شدن مهیا بود و این قشنگ‌ترین اتفاق دنیا بود که دست فاطمه در دست‌های مولا بود به اعتقاد من اصلاً غدیر اینجا بود پدر به فاطمه رو کرد، این چنین فرمود دلیل خلقت لا هوت از ازدواج تو بود قرار شد که شما بی‌قرار هم باشید جهان دچار شما شد دچار هم باشید تمام عمر دمام کنار هم باشید و در مصاف خطر ذوالفقار هم باشید دعای من همه این بوده تا به هم برسید که خلق گشته زمین تا شما به هم برسید نفس نفس همه جا عاشقانه همدم هم خدا نکرده اگر زخم بود مرهم هم صفا و مروه و رکن و مقام و زمزم هم چرا که قبله من هم علی است فاطمه هم و رو به اهل مدینه چنین سفارش کرد نوشته‌ام که سفارش نه، بلکه خواهش کرد همیشه نام علی را امام بگذارید به خانواده من احترام بگذارید برای فاطمه سنگ تمام بگذارید و روی زخم دلش التیام بگذارید جهان بدون علی رنگ و بو نخواهد داشت بدون فاطمه هم آبرو نخواهد داشت

سید حمید رضا برقی

صبحانه

چراغ روشن

روزهای رفته، به چوب کبریت‌های سوخته می‌ماند. هر چقدر تلاش کنید، دوباره روشن نخواهد شد. فقط سیاهی آن دستان‌تان را آلوده می‌کند. روزهای را بی‌بوهه نسیوزان و اگر آنها را از دست دادی، با خاطرات آن روزها خود را ناامید و خسته نکن! برای روزهای آینده چراغی روشن باش، تا دنیایت را روشن کنی!

صادقانه

نشانه هروت و جوانمردی

امام محمد تقی (ع) می‌فرمایند: بر شما باد به تحصیل علم و معرفت، چون فراگیری آن واجب و بحث پیرامون آن مستحب و پرفایده است. علم وسیله کمک به دوستان و برادران است، دلیل و نشانه هروت و جوانمردی است، هدیه و سرگرمی در مجالس است، همدم و رفیق انسان در مسافرت است و انیس و مونس انسان در تنهایی است.

حلیه‌الابرار، ج ۴، ص ۵۹۹

غیر رسمی

نامی‌توانید کار کنید



نشستن و انتظار ثروت باد آورده را کشیدن شبیه کاشت باد و برداشت طوفان است. باید دقت داشت که حرکت هر فرد و هر جامعه‌ای چه در جهت مادیات و چه در جهت معنویات یا هر دو، محصول تلاش افراد آن جامعه است. پیشرفت جامع ماتریالیست و مادی‌گرا هم فارغ از این مبنا نیست. این وعده‌های الهی است که هیچ تلاشی بی نتیجه نخواهد ماند.

با اهتمام به جایگاه تلاش در آموزه‌های قرآنی و روایی و لزوم پیاده‌سازی آن در زندگی، رهبر معظم انقلاب در سخنرانی بیستم اردیبهشت سال ۱۳۹۵ به گوشه‌ای از برنامه روزانه خود اشاره کرد و گفت: «همه باید تلاش کنیم، شما یک جور تلاش می‌کنید، من یک جور تلاش می‌کنم. خب، الحمدلله شما جوان هستید، تلاش‌تان هم آسان‌تر و هم موفق‌تر است. ما دیگر سنین پیری و در واقع به‌طور متعارف سنین بازنشستگی مان است. منتها ما بازنشستگی نداریم، ما تا آن دم آخر باید حرکت کنیم. لکن کار خودمان را می‌کنیم.

من به شما عرض بکنم، بنده همین روزهایی که الان در خدمت شما هستم، کارم را از ساعت پنج صبح شروع می‌کنم. یعنی شروع کار من از ساعت پنج صبح است. بعد از نماز صبح می‌روم مشغول کار می‌شوم، تا بعد بیایم و درس بگویم، بعد بروم یک استراحتی بکنم، باز مشغول کار بشوم تا ظهر و تا عصر و حالا تا هر وقت که بشود، تا شب. الان هم که نزدیک ساعت ده است، بنده ساعت ده و ربع، ده و نیم معمولاً دلم می‌خواهد بخوابم اگر بشود.

کار باید کرد؛ برادران هر چه می‌توانید از این جوانی استفاده کنید، جوانان‌تان را هم تشویق کنید کار بزرگی در پیش دارید برای اداره این کشور، این کشور به شما جوان‌ها در آینده احتیاج دارد.»

قبیله عشق

از دفاع مقدس تا دفاع از حرم



می‌دانستم در دوران بازنشستگی مأموریتی در کار نیست و با توجه به روحیاتی که از او سراغ داشتم، احساس کردم به سسوریه می‌رود. پدر همسرم به هیچ‌وجه درگیر ظواهر دنیایی نبود و هیچ الزامی هم برای رفتن به سسوریه نداشت؛ اما نمی‌توانست اطراف حرم اهل بیت (ع) را ناامن ببیند و دست‌روزی شهید حسین همدانی را می‌شنید، افسوس می‌خورد که از قافله شهادت جا مانده است. بالاخره سال ۱۳۹۴ در عملیات آزادسازی شهر نبل الزهر (س) در شهر حلب به آرزوی دیرینه‌اش رسید و با مقام شهید از این دنیا رفت.

به نقل از حبیب مصفا داماد شهید حسن رزاقی

داستان

حباب

اما این حرف‌ها را گذاشته بود پای حسادت، پای ترس کسانی که جسارت بیان حقیقت را نداشتند. کدام حقیقت؟ بزرگ‌نمایی و هوچی‌گری شده بود حقیقت‌نمایی! خودش هم می‌دانست بیشتر خیرهایش دروغ و بی‌پایه است، اما از این بازی خوشش آمده بود. از این حبابی که هر روز بزرگ‌تر می‌شد و خطرناک‌تر!

حالا حباب ترکیده بود. بهروز و خیلی‌های دیگر از اوج به زمین افتاده بودند، از چشم افتاده بودند و مسبب کارهایی شده بودند که هرگز گمانش را نداشتند. حالا خوب فهمیده بود جسور نیست و از همه کسانی که ترسو خطاب‌شان کرده بود، ترسو تر است. گوش‌ها را خاموش کرده بود و توی اتاقی که بیشتر شبیه یک مخروبه بود، پنهان شده بود. نفس عمیقی کشید و از خستگی خوابش برد؛ اما چیزی نگذشت که با صدای آشنایی بیدار شد. از ترس نزدیک بود بیهوش شود. امیر بود. آخرین جایی که به ذهنش رسید اینجا بود، پاشو داداش پاشو! ما همه می‌دونیم کاره‌ای نبود و می‌دونیم پشیمونی، کمکت می‌کنیم، شاگرد اول دانشگاه‌مون بودی مثلاً، پاشو...

بهروز با اگراه بلند شد. ترسیده بود، اما اطمینان داشت کمک امیر و دوستانش حباب نیست...

حتی اسم‌شان را هم نمی‌دانست، خالی کرد. دو سه دقیقه نشد که چندین تأیید و پیام مثبت دریافت کرد. حس خوبی داشت، فکر نمی‌کرد کسی به پیام‌هایش و درد‌هایش توجه کند. باز هم ادامه داد، انگار اینطور آتش درونش آرام‌تر می‌شد. چند نفری هم از در دوستی وارد شده بودند و حسایی درد و دل کردند. فکر خوبی بود، از تنهایی در می‌آمد و درآمد آسانی به دست می‌آورد و چه بسا صدای مردم می‌شد. باید با این راه حق مردم را می‌گرفت. همان روزهای اول چقدر مخاطب پیدا کرد و دغدغه‌اش از درس و کار رسید به اخبار منفی. به هر کجا خبر بد، فیلم، عکس یا هر چیزی که تعداد مخاطبان را بالا ببرد و بازخوردها را زیاد کند، سرک می‌کشید. کم‌کم خبرها و اطلاعات از طریق چند نفری که از همان اول هم مسیر شده بودند، می‌رسید. تبلیغ می‌گرفت و چند نفر برای کمک به اطلاع‌رسانی، هزینه‌هایش را تقبل کرده بودند. چقدر خوش خیال بود. یک بار امیر را جلوی دانشگاه دید. کلی خوش و بش کردند؛ اما امیر خوش‌بین نبود. توی دلش را خالی کرد و گفت این حباب است که می‌ترکد و عاقبت خوبی ندارد. کسی که از نمایش مشکلات مردم کشورش به نان و نوایی برسد، تکلیفش روشن است.

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان



به گوشی همراهش خیره شد. نمی‌دانست چه کند. دلش می‌خواست برگردد به روزهای گذشته، به روزهایی که هنوز حواشش به درس و کلاس بود و فارغ از همه جا بهترین اوقات زندگی‌اش را می‌گذراند. به یاد امیر افتاد. گوشی را برداشت تا شماره را بگیرد، بلکه او کمی دلداری‌اش بدهد، اما کمی تعلل کرد. می‌ترسید اصلاً چه می‌خواست بگوید؟ چه داشت که بگوید؟ چه کسی باور می‌کرد فریب خورده و خامی کرده؟ چه کسی باور داشت همان وسط راه پشیمان شده، اما با موج همراه شده؟ چند ماه پیش اجاره خانه‌اش بالا رفته بود و نتوانسته بود خانه دانشجویی جدیدی پیدا کند. همینطور که داشت آگهی‌ها روزی و روزی می‌گرفت، چشمش به یک پیام خورد. اعتراض به انتخابات، گرانی و شرایط اقتصادی... بزرگ‌نمایی کرده بود، اما حرف دل بهروز را زده بود. چند جمله‌ای زیر پیام تایپ کرد و حرصش را سر کسسانی که

کشکیات

مدعی به حقوق بشر شود

به بهانه هفته حقوق بشر آمریکایی

«ترسم که اشک در غم ما پرده در شود» عالم ز ظلم و جور شیاطین ذمّ‌ر شود

ابلیس نام اوست ولی مدعی به حق با هر کلام، فتنه نوع بشر شود

بر تن لباس میش ولی گرگ زخمی است می‌خواهد او که چرخ و فلک در به در شود

کارش همیشه جرم و جنایت، ولی کسی باید حریف حيله این خیره سر شود

هر جا که رفت تحفه او جنگ و ظلم بود هر چند مدعی به حقوق بشر شود

تاریخ او پر است ز نامردی و جفا آف بر کسی که زین همه شر بی خبر شود

هی بانگ بر می‌آورد و می‌دهد شعار آزادی و حقوق زنان بی اثر شود

رو به افول می‌رود این یاغی بزرگ باشد که شام تیره عالم سحر شود

علی عرفانی (شاعر باشی)

راه نرفته

برخورد با فرزند اندوهگین



زهرا سلطانی نژاد مشاور خانواده

گاهی اوقات پیش می‌آید که کودکان یا نونهالان حالتی غمگین و افسرده دارند. هیچ‌وقت با خود گمان نکنید که آنها چه دغدغه‌ای دارند و با امکانات کنونی چرا باید افسرده شوند. کودکان هم مانند بزرگسالان، گاهی ناامید و خسته و زمانی غمگین می‌شوند؛ نباید او را برای داشتن چنین حسی سرزنش کنیم یا آن را کم اهمیت جلوه دهیم. زمانی که فرزند شما ناراحت است و برای درد دل نزد شما می‌آید، او را پس نزنید. دست از کارتان بکشید و خوب به حرف‌هایش گوش بدهید. این کار فقط چند دقیقه وقت‌تان را می‌گیرد؛ ولی برای ساعت‌ها حس او را مثبت می‌کند. به او نگویند اینکه مسئله مهمی نیست، یا اشکالی ندارد ناراحت نشو یا برو بازی کن یادت می‌ره... این جملات او را سرخورده و ناراحت می‌کند. به او بگویند تو را درک می‌کنم، بیا باهم درمستش کنیم، هرگز در خراب‌کاری‌ها یا اشتباهاتش، خودتان به تنهایی برای اصلاح وارد نشوید، بلکه او را کمک و همراهی کنید، نصیحت نکنید، حالت دفاعی به خود نگیرید، سعی نکنید فرزندتان را متقاعد کنید که اشتباه می‌کند. اگر خطا از طرف اوست، سعی نکنید در حمایت از دیگران صحبت کنید. به او بگویند تجربه خوبی است تا هم بدانی چه کاری اشتباه است و هم اینکه علر خواهی کار بدی نیست و حتماً به او تأکید کنید که در کودکی و نونهالی هر کسی حتی خودتان هم به این اشتباهات دچار شده‌اید. این جملات به او خودباوری و جرنت می‌دهد تا اشتباهاتش را جبران کند. احساسش را تأیید کنید، سعی کنید علتش را متوجه شوید تا بهتر بتوانید به او کمک کنید. با این روش هم هوش هیجانی فرزندتان را بالا می‌برید، هم فرزندتان به شما اعتماد می‌کند.

سلامت

چند قدم برای سلامتی



جواد عمارلو کارشناس تغذیه

«پیاده‌روی» یکی از ساده‌ترین ورزش‌هاست که تمامی افراد در همه ساعات و بدون هیچ هزینه‌ای می‌توانند آن را انجام دهند و از فواید آن بهره ببرند. بنابراین پیاده‌روی می‌تواند سودهایی برای ما داشته باشد که در ادامه به آنها اشاره شده است:

وزن: یک ساعت در روز پیاده‌روی می‌تواند از افزایش وزن جلوگیری کرده یا به کاهش آن کمک کند. قلب: ۳۰ تا ۶۰ دقیقه در روز پیاده‌روی می‌تواند به طور چشمگیر از خطر ابتلا به بیماری قلبی و عروقی بکاهد. استخوان: چهار ساعت در هفته پیاده‌روی ۴۳ درصد از خطر شکستگی لگن در سالمندان می‌کاهد. دیابت: ۳۰۰۰ گام بلند روزانه در روز ۲۹ درصد خطر ابتلا به دیابت را می‌کاهد. مغز: ۲ ساعت در هفته ۳۰ درصد از خطر سکته مغزی می‌کاهد. حافظه: ۴۰ دقیقه سه روز در هفته پیاده‌روی حافظ فعالیت‌های مغز در ارتباط با حافظه و تصمیم‌گیری است. خلق‌وخو: ۳۰ دقیقه در روز پیاده‌روی ۲۶ درصد از علائم افسردگی می‌کاهد. طول عمر: ۷۵ دقیقه پیاده‌روی سریع در هفته می‌تواند موجب دو سال طول عمر شود.

سرعت راه رفتن باید آتقدر باشد که فرد عرق کند. حتماً از کفش‌های مناسب و مخصوص پیاده‌روی استفاده کنید. حالت بدن را حفظ کنید، پشت صاف، شکم را تو کشیده و دست‌ها را در هنگام راه رفتن در جهت مخالف یکدیگر به جلو و عقب حرکت دهید. با این کار، ضمن اینکه کالری بیشتری می‌سوزانید، قسمت بالای بدن شما نیز فعالیت خواهد داشت.

حسن ختام

دست‌مان را بگیرد



حسن نوروزی نویسنده

آمدن‌تان بهانه‌ای است برای شکستن قلب‌های خسته و نبودن‌تان دلیلی است برای بی‌اعتباری و بی‌برگی و باری دنیا، برای غصه‌های ممتدی که در جاده تنهایی هر چه جلوتر می‌رود، رنگ و لعابش بیشتر و بیشتر می‌شود. غایبید، نه اینکه نبستید! بلکه شما از پشت دروازه نجواها و صداها و زمزمه‌ها، از پشت دیوار تنهایی و غصه و بی‌کسی منتظرید تا کسی صدای‌تان کند تا مونس و همدمش شوید. عیار دل‌ها در غیاب شما محک می‌خورد، نه دوران حضورتان! دل‌های پیروز این دوران هستند که برای دیدن سفیدی دندان روز با چهره سیاه شب می‌جنگند و تاریکی‌ها را پس می‌زنند. مردان وزنانی که سنگینی کفه ترازوی انتظارشان در نشستن و انزوا نیست؛ بلکه لباسی به سنگینی انتظار به قامت دارند؛ لباسی که احقاق حق می‌کند و احیای عدالت، لباسی که حامی مظلوم است و ناجی مستضعف، لباسی که هالک ظلم است و قاتل چپاول. آری آقا جانم! ایستادن پای شما، دل پس زدن دنیا را می‌خواهد. دست‌مان را بگیرد و از زمین بلندمان کند.